هفت صبح

HAFT-E-SOBH

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۱۳ دی ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۹۵۶
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

یک معامله برد-برد برای فروشندگان مسکن

معاوضه خانه با خانه، ماشین و زمین سنددار رونق گرفته است

آقایان خواننده! دقیقا روی صحنه چه می کنید؟ / اجرای زنده خوانندگان پاپ به نظر غیرعادی می‌رسد ● در این نزاع تو فحش می‌دهی اما من آدم می کشم! / متهمان زیادی انگیزه خود از ارتکاب جنایت را فحاشی مقتول بیان می کنند ● گردن شکستن چقدر دیه دارد؟ / گزارش پرونده قضایی رای وحدت رویه دیوان عالی کشور در مورد دیه شکستگی هر یک از مهره‌های گردن ● آزاد شدیم بله! / چندین نام بزرگ در ماه‌های آینده رایگان از باشگاه خود جدا می‌شوند ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

قیمت خودرو به دنبال قیمت دلار

با توجه به افزایش قیمت دلار در هفته گذشته، به بررسی قیمت ۶ خودروی بازار داخل پرداختیم صفحه ۰۵ را بخوانید

تروریست‌های رمانتیک مشروطه

پاورقی روزهای فرد صفحه ۰۴

چهره‌های ارمنی روزگار ما

چهره‌های معروف بزرگ‌ترین اقلیت دینی در ایران

در بسته آخر هفته بخوانید:

● چرا خانم‌ها، لیلا حاتمی را دوست ندارند؟
چندین نکته آشکار و پنهان از زندگی و کارنامه سینمایی بازیگر مشهور

● میانسالی یعنی خودت با اراده و میل شلغم بخری
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی هفته

● نفرین‌نامه مرشد بلقیس
یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، احد بابایی منیر و...

خداحافظی با سرمایه‌داران حجاز

معلوم نیست بعد از رفتن سعودی‌ها چه کسی قرار است جای آن‌ها را در شمال کشور بگیرد. آیا سرمایه‌دار ایرانی حاضر است با ۱۶ هزار میلیارد تومان بازار روغن را در دست بگیرد؟

نگین باقری | سرمایه‌داران یک شرکت معروف سعودی دیروز تکلیف سرمایه‌گذاری را در ایران روشن کردند. آنها حدود ۱۹۰ میلیون دلار پول خود را از بورس تهران بیرون کشیدند و از بازی اقتصادی در کشور ما خارج شدند. گروه صنعتی «صافولا» را شاید کسی نشناسد اما روغن‌های لادن، بهار و نسترن، اسامی آشنایی هستند که این شرکت عربی حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد از سرمایه هلدینگ آنها را تامین می‌کرد. «صافولا» حالا ولی از واهمه اول بهمن‌ماه که قرار است، ترامپ دوباره درهای کاخ سفید را باز کند به همکاری خود با ایرانی‌ها پایان داده است.

قصه پیمان اخوت بین بهشهر و جده

قصه دو شرکت بزرگ مواد غذایی، یکی در عربستان و دیگری در ایران تقریبا در دهه ۸۰ شمسی به هم گره خورده و حالا در این سال از هم جدا شده است. شرکت ایرانی حدود سال ۱۳۴۰ در استان مازندران ساخته می‌شود و شرکت عرب (صافولا) در سال ۱۳۵۸ در شهر جده. نماینده‌های «صافولا» سه دهه بعد از عربستان به دفتر شرکت ایرانی در بهشهر می‌آیند و شرکتی مشترک به نام «صافولا بهشهر» تاسیس می‌کنند که کار آن قرار بود تولید روغن خوراکی باشد.

این شرکت به‌سرعت سکان‌دار تولید تقریبا نیمی از روغن خوراکی بازار می‌شود. ایرانی‌ها و سرمایه‌داران عرب سپس رو به شکر می‌آورند و سراغ تولید این ماده غذایی می‌روند. البته به یک شرکت توزیع و پخش هم نیاز داشتند که ضمیمه هلدینگ خود می‌کنند. این مدت شرکت‌های دیگری به این هلدینگ پیوسته یا از آن جدا شدند. مثلا این تیم ایرانی-عربستانی سال ۱۳۹۳ روغن آفتاب و بقیه تعلقات آن را به یک مالک ایرانی فروختند اما تا همین ماه پیش در وبسایت‌های کاریابی، برای شرکت‌های دیگر خود دنبال نیروی کار می‌گشتند.

از شریک سابق عربستانی چه می‌دانیم؟

● تقریبا سال ۱۳۹۴ بود که شرکت عربستانی صافولا برخلاف شرکت‌های خارجی دیگر اعلام کرد تصمیم دارد با وجود تنش دیپلماتیک میان تهران و ریاض، به فعالیت خود در ایران ادامه دهد.

این تصمیم به دنبال قطع ارتباطات اقتصادی ایران و عربستان بعد از حمله به سفارت این کشور در تهران رخ داد و اصرار صافولا به ماندن در ایران حتی منجر به سقوط سهام آنها در بورس عربستان شد.

● همان زمان رسانه‌های راست و چپ با کنایه درباره «رخنه یک شرکت عربستانی در بازار روغن» می‌نوشتند و به شکل مشکوکی حضور آن را تقبیح می‌کردند. حتی این بدبینی به اینجا رسیده بود که کمپینی برای نخریدن محصولات شرکت بهشهر که با صافولا همکاری می‌کرد شروع به تبلیغ کرد. اگرچه حضور این کمپانی به نفع تولید بود اما منتقدان هم نمی‌توانستند روی سهم ۸۰ درصدی طرف سعودی در شرکت بهشهر بی‌توجه باشند. البته صافولا به‌جز ایران در عربستان، مصر، ترکیه، قزاقستان و اردن هم فعال بود. مثلا استراتژی تولید روغن و شکر را در مصر هم تکرار کرده است. یا در عراق و سودان هم سهامدار بخش اعظم شرکت‌های آن سرزمین‌ها بوده. اما احتمالا حساسیت‌های فرهنگی درباره حضور سرمایه‌داران عرب، موقعیت را در ایران پیچیده‌تر می‌کرد.

● اطلاعات جالب دیگر درباره صافولا این است که تا مدت‌ها فردی که به نام مامون فالح سعید الداود، به‌عنوان رئیس هیات مدیره صافولا معرفی شده. شخصیت عجیبی دارد.

نگرانی از ترامپ؛ خداحافظی با تهران

حالا صافولا از دفتر مرکزی خود در اتوبان فتح تهران رفته و علتش هم این بوده که میلیاردرهای سعودی نگران روی کار آمدن ترامپ شده‌اند. با توجه به اینکه آنها در دوره اول ترامپ ایران را ترک نکرده بودند، این بار این تصمیم می‌تواند سیگنالی از وضعیت دیپلماتیک پیش‌رو بین ایران و آمریکا باشد که زودتر به گوش طرف عربستانی رسیده است. البته همه این‌ها یکی فقط حدس و گمان است.

تاریخچه ریشه‌دار شرکت بهشهر

همکار اصلی عربستانی‌ها، یعنی شرکت‌های صنعتی بهشهر تاریخچه مفصلی دارد. از آن دسته شرکت‌هایی بوده که بعد از انقلاب، مالکیت آن به دولت منتقل می‌شود و مالک آن (اکبر لاجوردیان) از ایران می‌رود. سپس مالکیت آن به بخش خصوصی واگذار می‌شود. اسناد نشان می‌دهد که همکاری با عربستانی‌ها از سال ۱۳۸۲ شروع و سال ۱۳۸۷ جدی‌تر شده. توسعه صنایع بهشهر سپس سراغ مواد شوینده می‌رود و این بار بدون ردپای صافولا محصولاتی مثل گلنار، سپید، گلی و شبنم را در بازار توزیع می‌کند.

چه کسی جای عرب‌ها می‌آید؟

با خداحافظی سعودی‌ها هنوز به طور قطعی معلوم نیست چه کسی جای آنها را در شمال کشور قرار است بگیرد. به نظر می‌رسد آگهی تغییرات مدیریتی گروه صنعتی بهشهر هنوز هم به صورت اینترنتی ثبت نشده. در توییتر یک خبرنگار قدیمی گمانه‌زنی کرده که گروه مدلل خریدار سهام ۱۸۷ میلیون دلاری آنها بوده است. خانواده مدلل هم که دیگر برای بازرگانان نیاز به معرفی ندارد. این خاندان مالک شرکت‌های مختلفی در زمینه‌های کشاورزی و صنایع غذایی هستند. از آن طرف یک کارخانه سیمان و کارخانه خوراک دام و طیور هم اداره می‌کنند. خریدار هرکه باشد تنها اطلاعات ما از او این است که با یک بودجه ۱۶ هزار میلیارد تومانی مهم‌ترین بازار روغن کشور را به نام خود خواهد زد.

عزیزکرده‌های ۹۸

۲۷ سال بعد از جام جهانی فرانسه، فوتبال ایران هنوز در دست تیم ملی افسانه‌ای آن روزهاست

نادر نامدار | انگار که مهره مار داشته باشند! محبوبیتی که بیش از ۲۰ سال پیش کسب کردند، برای خیلی از آنها هنوز هم کم نشده. البته آن ۲۳ نفر سرنوشت‌های متفاوتی داشتند، از مدیریت و مربیگری بگیرید تا مهاجرت و حتی مرگ! اما وجه اشتراک ۹۰ درصد آنها محبوبیت است. یک محبوبیت خاص و کم‌نظیر که سایه‌اش روی نسل از خودراضی و رو به پایان فعلی بدجور سنگینی می‌کند.

بی‌هیچ شکی صدرنشین بلامنازع محبوبان نود و هشتی علی دایی است که اگر چه سال‌هاست از فوتبال فاصله گرفته اما اصلا از کانون اخبار دور نیست و کوچک‌ترین فعالیت اجتماعی و انسانی او تیتر یک رسانه‌های ورزشی می‌شود. همین چند روز پیش بود که تصاویر حضورش در آسایشگاه کهریزک کرج و استقبال ساکنان معصوم این آسایشگاه از او، فضای مجازی را اشغال کرد. چند روز قبل‌تر هم بی‌اعتنایی‌اش به یک مدیر استانی در مشهد خبرساز شده بود. بعد از دایی باید به سراغ کریم باقری برویم. او که سال‌ها دستیار سرمربیان داخلی و خارجی پرسپولیس بود، دیروز برای دومین بار به عنوان سرمربی موقت روی نیمکت این تیم نشست. یک روز قبل‌تر، در نشست خبری بازی مقابل هوادار، وقتی از او سوال شد که چرا در بازی خیریه روز سه‌شنبه در جمع نود و هشتی‌ها حضور نداشته، به صراحت گفت: «من دعوت شدم، اما چون شنیدم آقای دایی دعوت نشدند و قرار نیست ظاهرا بازی کنند، شرکت نکردم و همین‌طور آقای پرویز برومند. راستش به خاطر این اتفاق بازی را کنسل کردم و نرفتم. اسم علی دایی با فوتبال ایران و آسیا عجین شده و فکر نکنم با کنسل کردن و دعوت‌نکردن او، اسم علی دایی خراب شود.» چند دقیقه بعد از انتشار ویدئوی این صحبت‌ها، فضای مجازی پر بود از پست‌ها و استوری‌ها و ویدئوهای تعریف و تمجید از رفاقت و مردانگی باقری در حق دایی و برومند!

قبل از همان بازی خیریه، نام محمد خاکپور هم ناگهان فضای مجازی را پر کرد. او در مصاحبه قبل از بازی اشاره‌ای به وضعیت سابق و فعلی ورزشگاه آزادی کرد و حتی محمدرضا احمدی هم که حسابی دستپاچه شده بود، نتوانست بحث را عوض کند و خاکپور حرف‌هایش را به صراحت زد و مورد تحسین و تمجید قرار گرفت. هرچند یکی مثل حمید رسایی هم بود که برای او ابراز تاسف کند! از آن تیم، پرویز برومند هم اخیرا محبوب‌تر شده است. اتفاقاتی که برای او در سال ۱۴۰۱ افتاد، باعث شد دیگر او را با مشتی که به صورت پایان رافت زده بود به یاد نیاورند!

از آن تیم، احمدرضا عابدزاده، همچنان همان کاراکتر دوست‌داشتنی و مستقل خود را حفظ کرده و زیر بار بازی کردن به دستور این و آن نمی‌رود. مهدی مهدوی کیا هم مثل همیشه همان جنتلمنی است که استقلالی‌ها هم از او به نیکی یاد می‌کنند.

خداداد عزیزی اگر چه خودش تیشه به ریشه‌اش می‌زند و به دلیل برخی رفتارها و حرکاتش در رسانه ملی، محبوبیتش خدشه‌دار شده اما هنوز هم جذاب است و هر حرف و حرکتش در فضای مجازی بازتاب دارد. ادامه در صفحه ۰۴

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

سال نو، نزاع پایدار

سال نو میلادی برای بخش بزرگی از جهان فرصتی است برای استراحت و جشن گرفتن، هرچند این آغاز تنها در ظاهر نو می‌نماید. تاریخ به ما آموخته که این گذارهای عددی چیزی از ماهیت رویدادهای بزرگ و چالش‌های پیش رو نمی‌کاهد. امسال نیز جهان در آرامشی قبل از طوفان به سر می‌برد؛ آرامشی که نشانه‌های وقوع تحولات سیاسی و اقتصادی بزرگ را در خود دارد. ایران و بسیاری از کشورهای دیگر در انتظار تغییراتی هستند که ممکن است مناسبات بین‌المللی را به‌طور چشمگیری دگرگون کنند.

با این حال، در این فضای پیچیده و پرابهام، همچنان صدای برخی هیاهوها بلند است؛ هیاهویی که گاه از مسائل پیش‌پاافتاده و بی‌اهمیت سرچشمه می‌گیرد و نیروی جمعی جامعه را به هدر می‌دهد. اما اگر از این صداهای پراکنده فاصله بگیریم و به تاریخ بنگریم، درمی‌یابیم که ما صرفاً بخش کوچکی از جریان عظیم تاریخ هستیم. جریانی که در آن جنگ‌ها و نزاع‌ها، صلح‌ها و شکست‌ها، و صعودها و سقوط‌ها نقش‌های اصلی را ایفا کرده‌اند.

تاریخ بشر، چه در شرق و چه در غرب، همواره بر اساس نزاع و رقابت شکل گرفته است. نزاع روم و ایران، بیزانس و مسلمانان، قدرت‌گیری امپراتوری‌ها و سقوط آن‌ها همگی گواهی بر این مدعاست. آنچه پس از جنگ جهانی دوم به عنوان «صلح پایدار» و «نظم جهانی» معرفی شد، چیزی بیش از یک توافق موقت نبوده و امروز فلسفه روشنگری غرب، با تمام ادعاهایش درباره انسان‌گرایی و حقوق نوین بشر، در برابر واقعیت‌های تاریخی و تناقضات جوامع جهانی در حال شکست است.

در حقیقت، به نظر می‌رسد نزاع یک اصل اساسی در ساختار عالم است؛ امری که نه‌تنها در سیاست و اقتصاد، بلکه در عمق روان‌شناسی انسان نیز ریشه دارد. اراده معطوف به قدرت و لذت، همواره در برابر صلح و آرامش مقاومت کرده است. صلح، با وجود اینکه پدیده‌ای مطلوب و آرمانی به شمار می‌رود، اغلب در برابر هجوم این نیروها از پا می‌افتد. حتی ادیان و فلسفه‌های اخلاقی که در پی دعوت انسان به صلح و عدالت بوده‌اند، نتوانسته‌اند این میل سیری‌ناپذیر به رقابت و نزاع را از بین ببرند. با این همه، این واقعیت نباید به معنای تسلیم در برابر وضعیت موجود تلقی شود. انسان، با وجود جایگاه محدودش در تاریخ، توانایی آن را دارد که در مقیاس خردتر، به اصلاح و بهبود بپردازد. اگرچه نزاع در مقیاس کلان تاریخ، اصالتی پایدار دارد، اما تلاش برای دستیابی به صلح، عدالت و پیشرفت در سطح فردی و جمعی همچنان امکان‌پذیر و ضروری است.

اکنون، در آستانه بیست‌وپنجمین سال از قرن و هزاره جدید، تأمل بر این حقیقت تلخ ضروری است که هنوز جنگ، نزاع و مرگ در جای‌جای جهان جاری است. این ربع قرن نه تنها پایان‌بخش نزاع‌ها و بحران‌ها نبوده، بلکه نشان داده است که تاریخ با تمام ادعاهای پیشرفت‌گرایانه‌اش، همچنان درگیر همان چرخه‌های مکرر و دردناک است.

ما به عنوان بخشی کوچک از این جریان تاریخی، وظیفه داریم که در مسیر اصلاح گام برداریم. این اصلاح ممکن است در مقیاس کوچک‌تر معنا یابد؛ در روابط فردی، در جامعه محلی، یا حتی در شکل‌دهی به نهادهایی که انسان را به جای رقابت بیهوده، به همکاری و هم‌افزایی تشویق می‌کنند. تلاش برای ساختن دنیایی عادلانه‌تر، حتی در محدودترین شکل آن، نه‌تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه راهی برای معنا بخشیدن به زندگی در دل این نزاع بی‌پایان است. به بیان دیگر، اگرچه ما نمی‌توانیم جریان تاریخ را متوقف کنیم یا ماهیت نزاع‌آلود آن را تغییر دهیم، اما می‌توانیم قطعه کوچکی از آن باشیم که به جای افزودن بر تنش‌ها، آرامش و اصلاح را پیگیری می‌کند. شاید همین تلاش‌های کوچک بتواند روزی به تغییرات بزرگ‌تر و پایدارتر بینجامد.

عکس یک

سه قاب از حاشیه بازی پرسپولیس و هوادار. از توصیه اخلاقی علی علیپور تا حضور تماشاگران زن و ادای احترام تماشاگر جانباز پرسپولیسی به صدف خالقی، لیدر بانوان این باشگاه که به تازگی در یک سانحه درگذشت. عکس از مرضیه سلیمانی، ایرنا.

اپ خبری هفت صبح
دانلود از وب سایت هفت صبح
www.7sobh.com

با نصب این نرم افزارموبایلی ، همزمان با تحریریه روزنامه هفت صبح از تازه ترین اخبار، تصاویر و ویدئوهای خبری آگاه شوید. محتوای خبری این اپلیکیشن متفاوت از روزنامه چاپی خواهد بود وسعی‌مان این است بین صدها خبر و گزارش روزانه ، مهم ترین اخبار را در اختیاراتان قرار دهیم. برای ثبت نظر ، لایک و ابراز احساسات نسبت به اخبار منتشر شده باید به عنوان عضو عادی ثبت نام کنید.
عضویت عادی و استفاده از نرم افزار رایگان است اما در نسخه جدید نرم‌افزار خبری هفت‌صبح این امکان فراهم شده است که اعضاء ویژه با خرید اشتراک هفتگی ، ماهانه یا سالیانه به نسخه pdf روزنامه و سایر گزارش‌ها ، یادداشت‌ها و مطالب اختصاصی روزنامه دسترسی پیدا کنید.

دفاع از حریم‌های مقدس برای حاج قاسم سلیمانی یک اصل بود

رهبر انقلاب: کشورها اگر عوامل ثبات و اقتدار خود را از صحنه خارج کنند، همانند سوریه خواهند شد

رهبر انقلاب اسلامی در آستانه پنجمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی، در دیدار خانواده سردار و جمعی از خانواده‌های شهیدان مدافع حرم و شهیدان مقاومت با تبیین برخی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حاج قاسم سلیمانی گفتند: باید با درس گرفتن از این خصوصیات در مسیر هدف اصلی مکتب سلیمانی یعنی حقوق اسلام و قرآن حرکت کرد.

» با تأکید بر پیروزی دیر یا زود ملت سوریه بر اشغالگران و استمرار مقاومت یمن، فلسطین و لبنان، به سلیمانی، ایران را هم حرم می‌دانست و اگر آن خون‌های پاک نبود، امروز از حریم و حرم و هیچیک از عتبات مقدس خبری نبود.

» با اشاره به حضور حاج قاسم از اوایل دهه ۸۰ در میدان مبارزه با شرارت‌های آمریکا در افغانستان و عراق: هدف اصلی آمریکا از اشغال این دو کشور، ایران بود اما آن مرد شریف و صادق بدون ترسیدن از آنچه ظاهری آمریکا وارد میدان شد و در نهایت، آن اشغالگری‌ها به شکست آمریکا و خنثی‌شدن آن توطئه بزرگ انجامید.

» با یادآوری برهبر سردار سلیمانی از بیان یا نگارش جزئیات نقش آفرینی بی‌بدیل او در آن حوادث: البته اطلاعات زیادی در این زمینه وجود دارد که باید به صورت اسناد ماندگار در معارف سیاسی کشور درآید و به نسل‌های بعد منتقل شود.

» با اشاره به دفاع جمع معدودی از جوانان بی‌دفاع و بی‌سلاح عراقی در حرم امیرمومنان(ع) هنگام حمله اشغالگران آمریکایی: سردار با احساس تکلیف، همان اول و به‌سرعت با آن جوانان ارتباط گرفت و آنان را نجات داد که البته مرجعیت هم در آن مسئله، حرکت فوق‌العاده و بسیار مؤثری انجام داد.

» آمریکایی‌ها همه بودند که بمانند اما سردار و همراهانش در یک فرایند سخت و پیچیده و طولانی و در یک جنگ ترکیبی سیاسی، نظامی، تبلیغاتی و فرهنگی، در مسیر حاکم شدن مردم عراق بر سرنوشت خود نقش اساسی برعهده داشتند.

» شکست توطئه آمریکایی داعش از دیگر نتایج حضور سردار، به‌موقع و تعیین‌کننده حاج قاسم در میدان بود. در مقابله با تروریسم تکفیری، جوانان عراقی به معنای حقیقی کلمه درخشیدند اما در خنثی شدن آن توطئه که حیات و ممات منطقه به آن وابسته بود، سلیمانی با ابتکار عمل، شهامت، جان‌برکفی و قدرت، نقشی بی‌نظیر ایفا کرد.

» دفاع از حریم‌های مقدس اصل ثابت همه دوران جهاد و مبارزه حاج قاسم بود. سردار از ایران هم به عنوان حرم دفاع می‌کرد که این منطق دفاع از حریم‌ها و حرم‌های مقدس بسیار مهم و ضروری است.

» برای سردار، دفاع از عتبات عالیات، زینبیه، مرقدهای مطهره امیرمومنان در شام و در عراق و بالاخص مسجدالاقصی، اصل مهم بود و به همین علت شهید هنیه در مراسم تشییع سردار، او را «شهید قدس» نامید.

» او معتقد بود که هر حادثه مهمّ منطقه‌ای و جهانی در مسائل کشور ما نیز تأثیرگذار است و باید این نگاه و محاسبه، خطر را از بیرون از مرزها تشخیص می‌داد و برای پیشگیری و علاج آن اقدام می‌کرد.

» با اشاره به مقوله مهم دفاع از حرم: عده‌ای از روی فقدان فهم و شناخت و تحلیل درست از مسائل، اینگونه تصور و بیان می‌کنند که با وقوع حوادث اخیر منطقه، خون‌های ریخته شده در راه دفاع از حرم، هدر رفته که این تصور و بیان حرکت فوق‌العاده و بسیار مؤثری انجام داد.

» این گفت‌وگوها برای تبیین موضوعات و رایزنی‌های بیشتر تا به‌سرانجام اگر فرا رست

خشم ایران از اعدام شش تبعه ایرانی در عربستان

مهسا مژدهی | خبری که ظهر روز چهارشنبه درمورد اعدام شش شهروند ایرانی در عربستان سعودی منتشر شد، کوتاه و بدون جزئیات بود. ریاض فعلا فقط به گفتن اینکه این چهار نفر به دلیل قاچاق موادمخدر دستگیر شده‌اند اکتفا کرد و توضیحات خاص دیگری را ارائه نکرد و حتی نامی از اعدامی‌ها نبرد و زمان دستگیری آنها و روند محاکمه را مسکوت باقی گذاشت. این نخستین‌بار نیست که حکم اعدام برای شهروندان ایرانی به جرم موادمخدر در عربستان سعودی اجرایی می‌شود.

بر اساس گزارش خبرگزاری سعودی «واس»، این وزارتخانه همچنین ادعا کرد: نیروهای امنیتی توانستند افراد فوق‌الذکر را دستگیر کنند و تحقیقات صورت گرفته و بازجویی از آنها منجر به تفهیم اتهام ارتکاب جرم و ارجاع آنها به دادگاه ویژه شد.

وزارت کشور عربستان همچنین افزود: اجرای مجازات اعدام علیه آن‌ها در منطقه الشرقیه صورت گرفت. البته ظاهرا این افراد در منطقه دمام دستگیر شده بودند. شهری بندری در کشور پادشاهی عربستان سعودی واقع در شبه‌جزیره عربستان است. این شهر مرکز استان شرقی است و یکی از مهم‌ترین شهرهای عربستان سعودی در کنار خلیج‌فارس و از مهم‌ترین بنادر این کشور است. این شهر یکی از غنی‌ترین مناطق نفت‌خیز جهان است. بعضی از ادارات مهم دولتی در مرکز شهر قرار دارد. بخشی از جمعیت این شهر را شیعیان تشکیل می‌دهند.

بر خلاف اینکه اسم اعدام‌شدگان در بیانیه عربستان مخفی شده، اما سی‌ان‌ان عربی، ادعاهایی را در مورد نام این افراد داشته و گفته است جاسم محمد شعبانی، عبدالرضا یونس بنقاسیری، خلیل شهید سمری، محمدجواد عبدالجلیل، مهدی کنعان غانمی و محمد شعبانی افرادی هستند که در عربستان سعودی اعدام شده‌اند. عربستان در بیانیه مذکور ادعا کرده است که حکم اعدام این افراد پس از تجدیدنظر خواهی در دیوان عالی کشور عربستان تایید شد. طبق گزارش‌ها عربستان در سال ۲۰۲۴ نزدیک به ۱۲۰ اعدام در کارنامه خود داشته است. در دو سال اخیر اعدام قاچاقچیان موادمخدر در این کشور شدت گرفته. طبق آماری که سفیر ایران در عربستان یک سال قبل اعلام کرده بود، ۲۲ نفر ایرانی در زندان عربستان بوده‌اند که اغلب آنها جرائم مربوط با موادمخدر را مرتکب شده بودند. پیش از این شش نفر عربستان در سال ۲۰۱۵ هم سه ایرانی را با جرمی مشابه اعدام کرده بود.

اقدام اخیر ریاض در اعدام شش ایرانی از آنجایی که ایران و عربستان در یک سال اخیر در پی کاهش تنش‌ها میان خود بوده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است. ایران در روز چهارشنبه ۱۲ دی سفیر عربستان را احضار کرد و اعتراض شدید خود را بابت اجرای حکم اعدام چند تبعه ایرانی به گوش او رساند. کریمی ضمنی، مدیرکل کنسولی وزارت خارجه در این زمینه گفته این افراد چندین سال قبل به اتهام قاچاق موادمخدر به اعدام محکوم شده و وزارت خارجه تلاش مستمری برای ارائه خدمات کنسولی به آنها و تخفیف مجازات انجام داده بود. به گفته این مقام وزارت خارجه اجرای حکم اعدام بدون اطلاع سفارت صورت گرفته و این مسئله برای ایران پذیرفته نیست. قرار است هیات حقوقی_کنسولی وزارت خارجه به‌زودی برای پیگیری موضوع عازم ریاض شود.

با همه اینها نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چنین اقدامی وضعیت بین ایران و عربستان را به وضعیت دشوار سال ۲۰۱۶ برگرداند.

۲۰۰ کلمه

دیپلماسی

دور جدید گفت‌وگوهای ایران و اروپا ۲۴ دی برگزار می‌شود

معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر خارجه از برگزاری دور جدید گفت‌وگوهای ایران و سه کشور اروپایی در تاریخ ۱۳ ژانویه (۲۴ دی‌ماه) خبر داد. کاظم غریب‌آبادی در حاشیه مراسم گرامیداشت سالگرد شهادت شهید سلیمانی و شهدای ترور گفت: ما اهل پیش‌بینی نیستیم و باید وارد گفت‌وگوها شویم تا ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد. همان‌طور که قبلا اعلام کرده‌ایم، این‌ها گفت‌وگو است و مذاکره نیست.

» این گفت‌وگوها برای تبیین موضوعات و رایزنی‌های بیشتر تا به‌سرانجام اگر فرا رست مذاکراتی شکل بگیرد، باید در چه سیاق و روش و در چه چارچوبی باشد.

» در پاسخ به سوالی در خصوص افای تی‌اف و اخبار منتشر شده در مورد موافقت مقام معظم رهبری برای بررسی مجدد این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ من هم خبر را در رسانه‌ها دیدم که مقام معظم رهبری موافقت کردند مجددا این موضوع در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار بگیرد. طبیعتا اگر این موضوع در دستور کار مجمع قرار بگیرد، مجمع حسب مسئولیت‌های خود، باید خروجی کار آن این باشد که آیا الحاق ایران به آن دو کمیسیون مورد نظر بر مبنای مصلحت کشور است یا نه؟ اگر این مصلحت را مجمع احراز کرد، طبیعتا سیر بعدی کار انجام می‌شود و موضوع تصویب طبیعتا تسهیل خواهد شد.

» مطلع نیستیم که مجمع تشخیص چه رویکردی را خواهد داشت اما نظر دولت در این زمینه مشخص است و اینکه رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد موضوع را پیگیری کرده‌اند، یعنی نظر دولت مساعد است و امیدواریم بررسی‌ها، کارشناسی و از روی مصلحت و منافع مردم و نظام صورت بگیرد.

جهره روز

نظم جهانی در حال تغییر است

علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در پیامی به نشست مجمع جهانی بیداری اسلامی با عنوان مقاومت، فلسطین و نظم نوین جهانی، با اشاره به اینکه مقاومت بسیاری از مناسبات منطقه‌ای و بین‌الملل را دستخوش تغییر کرده است، اعلام کرد که نقطه آغاز تغییرات در منطقه و خاورمیانه جدید، ۷ اکتبر و عملیات موفق طوفان‌الاقصی است.

- آغاز قرن بیست و یکم با شواهد گوناگون نشان دهنده افول هژمونی ایالات متحده آمریکا و بروز و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی جدید است. حوادث و روندهای کنونی نشان می‌دهد نظم جهانی در حال تغییر است و یکی از نشانه‌های آن افزایش قابل توجه بازیگران نظام بین‌الملل در مقابل قواعد، هنجارها و قدرت‌های کنونی است.

-شکل‌گیری محور مقاومت به عنوان یک مجموعه دفاعی و امنیتی در غرب آسیا و شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت پس از شکل‌گیری این محور، از دستاوردهای بزرگ نهضت اسلامی در سال‌های اخیر بوده است.

-آمریکا که همواره برای حفظ سلطه خود و فرار از سقوط و افول با استفاده از دوگانه تهدید و تطمیع تلاش کرده است بسیاری از جریانات و گروه‌هایی را که طی یکصد سال اخیر در مقابله با یکجانبه‌گرایی او از آمریکای مرکزی تا جنوب‌شرق آسیا قد برافراشته‌اند، منحرف و یا سرکوب کند، طی نیم‌قرن اخیر نیز به منظور حفظ هژمونی خود در برابر محور مقاومت و افزایش نفوذ و استمرار استعمار و استثمار به حمایت بی‌چون و چرا و بی‌حدوحصر از رژیم صهیونیستی پرداخته تا به هر نحوی از شکل‌گیری و اقتدار محور مقاومت جلوگیری نماید.

گزارش روز

آقایان خواننده! دقیقا روی صحنه چه می‌کنید؟

اجرای زنده خوانندگان پاپ به نظر غیرعادی می‌رسد

عجب درست نوشته بود، خبرگزاری ایسنا. «آقایان خواننده! دقیقا روی صحنه چه می‌کنید؟» روز پیش گزارش. یادداشتی در خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منتشر شده بود که همه ویدئوهای فاجعه‌آمیز ارتیست‌های پاپ را روی صحنه کنار هم گذاشته بود. یکی و دو تا هم نبودند. سال‌های گذشته اجراهای صحنه‌ای پاپ هر بار به صورت متفاوتی خبرساز شده‌اند، گاه به علت پلی‌بک خوانندگان، گاه به‌خاطر انجام حرکات عجیب‌وغریب و گاه حتی به‌دلیل پلی‌بک نوازندگان!

اما اخیرا گویا وضعیت تا حدی دستخوش تغییرات شده است؛ باتوجه به انتقادهایی که همواره بر نحوه اجرای خوانندگان و نوازندگان کنسرت‌های موسیقی پاپ وارد بود، گویا این افراد تصمیم گرفته‌اند که به هر قیمتی که شده، روی صحنه اجرای زنده داشته باشند، حتی اگر آنها باشد. البته ممکن است که طی یک کنسرت، بخش‌هایی هم باشد که کار خواننده خوب از آب در بیاید و لزوما کل کار خراب نشود، ولی معلوم نیست که چه می‌خواند و حتی برخی، بخشی از موزیک ویدیوی آهنگ را در کنار ویدیویی از اجرای زنده همان آهنگ، در کنار هم قرار داده و به تمسخر اجرای خواننده، پرداخته‌اند. همچنین ویدیویی از اجرای کنسرت مجید رضوی هم اخیرا دست‌به‌دست می‌شود که دقیقا همین مشکل را دارد؛ چراکه اصلا مشخص نیست خواننده چه می‌خواند و حتی برخی از کاربران فضای مجازی، حال این افراد را طبیعی ندانسته‌اند.

بانی و ... است. ماجرا از این قرار است که طی چند وقت اخیر مدام ویدیوهای یکی از کنسرت‌های میثم ابراهیمی به صورت طنز در فضای مجازی منتشر می‌شد. در این ویدیوها، این خواننده را می‌بینیم که در حال خواندن است ولی معلوم نیست که چه می‌خواند و حتی برخی، بخشی از موزیک ویدیوی آهنگ را در کنار ویدیویی از اجرای زنده همان آهنگ، در کنار هم قرار داده و به تمسخر اجرای خواننده، پرداخته‌اند. همچنین ویدیویی از اجرای کنسرت مجید رضوی هم اخیرا دست‌به‌دست می‌شود که دقیقا همین مشکل را دارد؛ چراکه اصلا مشخص نیست خواننده چه می‌خواند و حتی برخی از کاربران فضای مجازی، حال این افراد را طبیعی ندانسته‌اند.

در ویدیوهای دیگری هم شاهد اکروبات‌بازی علیرضا طلیسچی و بهنام بانی روی صحنه هستیم که معلوم نیست به چه دلیل اما به یک‌باره تصمیم به پرش‌های بلند روی صحنه می‌گیرند و با هر بار تکرار این امر، می‌توانند تشویق مخاطب را داشته باشند. البته که انجام حرکات موزون یا حتی پرش روی صحنه، اجرای کنسرت در خارج از کشور هم امر غریبی نیست، اما فضا کاملا متفاوت است. به این صورت که خواننده مثلا در یک کنسرت پرشور و هیجان در حال نمایش یک اجرای واقعی است و در این میان به علت فضای حاکم در کنسرت و برای برانگیختن هیجان بیشتر تماشاچیان اقدام به پرش از یک ارتفاع می‌کند و این گونه، فضای کنسرت را مهیج‌تر می‌سازد. درحقیقت این اقدامات بخشی از برنامه‌ریزی‌های تیم اجرایی برای کنسرت است نه اینکه خواننده به صورت فی‌البداهه اقدام به پرش کند! نمونه این نوع اقدامات را می‌توان، پرش معروف «لیدی گاگا» در سوپربال دانست که هنرمند از بالای استادیوم روی استیج فرود آمد، حتی بندبازی‌های «پینک» روی صحنه یکی از این موارد است.

زمانی که مخاطب برای حضور در یک کنسرت هزینه می‌کند، حق دارد که از یک محصول خوب بهره‌مند شود و شاهد مناظری جذاب باشد. درحقیقت مخاطب هزینه می‌کند تا به تماشای کنسرت خواننده، محبوب خود بنشیند و از اجرای زنده‌اه لذت ببرد و بدین ترتیب یک ساعت و نیم از هیاهوی جامعه به‌دور باشد. با این وجود برگزاری کنسرت‌های این روزهای کشور به هر چیزی شباهت دارند جز کنسرت! خواننده و تیمش گویا به علت نداشتن توانایی، همه کار می‌کنند تا مخاطب را سرگرم کنند و حتی بیشتر مایه هنده آنها می‌شوند تا اجرای یک کنسرت درست‌وحسابی. حال اگر این افراد استعداد بیشتری در خنداندن مخاطب دارند، پس چرا به سمت طنز نرفته‌اند و پیشه خوانندگی را در پیش گرفته‌اند؟

این افراد با هزینه‌های گزاف و تبلیغات سنگین، مخاطب را به سال‌های کنسرت می‌کشانند و حتی حق افراد باستعداد را پایمال می‌کنند، چه بسا خوانندگان و گروه‌های مستقل خوب موسیقی هم کم نداریم که به علت نداشتن حامی مالی یا فعالیت نمی‌کنند یا به صورت زیرزمینی کار می‌کنند.

تمامی این موارد اما، یک سوال تکراری را به ذهن متبادر می‌کند، آن هم اینکه سیستم مجوزدهی وزارت ارشاد دقیقا چه می‌کند؟ چگونه می‌شود که این افراد با این میزان از توانایی و استعداد، سال‌های کنسرت را تسخیر کرده‌اند، با آن وضعیت ترانه‌ها به‌راحتی مجوز می‌گیرند و حمایت می‌شوند؟

البته که این امر بدین معنا نیست که وزارت فرهنگ مانع فعالیت این افراد شود، اما حداقل می‌تواند مسیر را برای افراد مستعد، هموارتر کند.

گلری

۷ دیروز برای شروع سال میلادی محمد جواد ظریف به دو کلیسای تهران سر زد و با راهبران مسیحی آنها دیدار داشت.

۸ این عکس روز سه شنبه از بازی زنان تیم پیکان مقابل تیم ملی زیر ۲۰ سال گرفته شده. پیکانی‌ها سه بر یک نوجوان‌ها را شکست دادند. سرمربی تیم زیر ۲۰ سال اهل کره جنوبی است.

۷ عکس عطا کناره، عکاس خبرگزاری فرانسه از عبور یک زن جوان از مقابل دیوارنگاره میدان ولیعصر تهران

۸ دیروز در کنار مهمانان چینی و چهره‌های سیاسی که برای برنامه مجمع عمومی حزب متوتقله اسلامی دعوت شده بودند، حسام نواب صفوی هم حضور داشت

< زاویه دید عکاس خبرگزاری فارس در مراسمی که برای استقبال از پیکر یکی از شهدای تازه تفحص شده در شهر شیراز برگزار شده بود.

< تصاویر سحر دولتشاهی ـ رضا یزدانی و علی اوجی در حاشیه کنسرت یزدانی

سوژه روز

چله کوچک؛ البته نه برای همه

شایعه‌ها درباره موج سرمای آخر دی‌ماه واقعیت دارد؟

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور به شایعات مربوط به وقوع سرمای شدید در کشور در بازه‌زمانی ۲۰ تا ۳۰ دی‌ماه پاسخ داد و اعلام کرد: از هفته آینده، یعنی از ۱۷ دی‌ماه به بعد، روند افزایشی دما آغاز می‌شود.

چند سالی است که با نزدیک شدن به بازه‌زمانی ۲۰ تا ۳۰ دی‌ماه و البته اسفندماه افرادی که بین آنها مسئولان اسبق و کارشناسان هواشناسی به چشم می‌خورد، وقوع یک سرمای سخت در کشور را پیش‌بینی می‌کنند. اواسط بهمن ۱۴۰۰ بود که ارد کانی یکی از پیشکسوتان حوزه هواشناسی طی اظهاراتی مدعی شد در بازه‌زمانی ۲۹ بهمن تا ۴ اسفند موج هوای سرد در کشور حاکم خواهد شد، به طوری که می‌تواند به محصولات گلوسرزان لطمه وارد کند. دیروز خبرگزاری تسنیم این شایعه‌ها را در گفت‌وگو با رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی بررسی کرده بود. او گفته است: این موج هوای سرد بیشتر از همه در شمال شرق کشور و خراسان‌ها و در مراحل بعدی سیستان‌وبلوچستان احساس می‌شود، سپس مرکز کشور و تهران و در آخر، شمال غرب کشور را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد اما بیشترین سرما در خراسان و شمال‌شرق کشور وجود خواهد داشت. استفاده‌ها دو جبهه هوای گرم و دو جبهه هوای سرد داریم که من هم اسفند دیوانه را برای این رویداد گذاشتم.

در واکنش به این سخنان، رئیس مرکز پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی با بیان اینکه «آب‌وهوای دیوانه» مختص انگلیس است، گفت: سازمان هواشناسی تنها مرجع صدور هشدارهای هواشناسی است.

صادق ضیائیان افزود: اساسا پیش‌بینی‌های قطعی و ماهانه بر اساس نرمال، بیش از نرمال یا کمتر از نرمال خیلی دقیق نیست. پیش‌بینی دقیق هواشناسی برای یک هفته، ۱۰ روز و نهایت دو هفته است، پیش‌بینی بیش از این مدت با احتمالات بیشتر مطرح می‌شود.

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان می‌گوید: بر اساس رسوم سنتی، مانند «چله کوچک»، برخی مشاهدات و پیش‌بینی‌ها را انجام می‌دهیم. البته باید توجه داشت که این وضعیت همیشگی و قطعی نیست. در هر صورت، دی‌ماه به‌طور طبیعی سردترین دوره سال محسوب می‌شود و در این بازه، دما در پایین‌ترین وضعیت خود قرار دارد. بنابراین، می‌توان گفت که اکنون در سردترین دوره سال قرار داریم.

او دیگر چه حرف‌هایی برای گفتن داشته است:

» در حال حاضر (روز ۱۱ دی‌ماه)، میانگین دمای کشور به‌ویژه در مناطق مرکزی و غربی و همچنین در طول نوار مرکزی کشور، حدود یک تا سه درجه زیر حد نرمال است. دما نسبت به میانگین بلندمدت سردتر است. برای مثال، در استان‌هایی نظیر اصفهان، این ممکن است سه تا چهار درجه خنک‌تر از نرمال باشد. در عین حال، دمای تهران تغییرات چندانی نسبت به میانگین بلندمدت ندارد و در محدوده نرمال باقی مانده است. در شمال غرب و سواحل کشور نیز شرایط دمایی تقریبا نرمال است.

» برای هفته آینده، پیش‌بینی می‌شود دما از مقدار متوسط گرم‌تر شود؛ به‌ویژه در مناطقی نظیر آذربایجان، کردستان، دامنه‌های جنوبی البرز و شمال‌شرق کشور که دما بین یک تا سه درجه و در برخی نقاط نظیر آذربایجان تا سه تا پنج درجه بالاتر از میانگین بلندمدت خواهد بود. بنابراین، این روند تا دو هفته آینده، یعنی تا حدود ۲۵ دی‌ماه، ادامه خواهد داشت و در هفته پایانی دی‌ماه شرایط دمایی گرم‌تر از میانگین بلندمدت پیش‌بینی می‌شود.

» از ۱۷ دی‌ماه به بعد، روند افزایشی دما آغاز می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که تا ۲۴ یا ۲۵ دی‌ماه، هوا نسبت به هفته جاری گرم‌تر شده و دمای مناطق مختلف چند درجه‌ای افزایش یابد.

» برای هفته پایانی دی‌ماه نیز انتظار می‌رود که دما به‌طور کلی بالاتر از شرایط نرمال این دوره باشد و هوایی نسبتا گرم‌تر حاکم شود. البته باید توجه داشت که پیش‌بینی‌های جوی برای بازه‌های زمانی بیش از دو هفته با دقت کمتری همراه هستند و احتمال خطا در آنها افزایش می‌یابد.

خیلی اعتنا نکنید

» با توجه به وضعیت فعلی، موج سرما شدیدی که برخی به آن اشاره می‌کنند، در حال حاضر قابل اعتنا نیست و شرایط جوی به‌طور کلی خنک و پایدار خواهد بود.

فرود

در این نزاع، توفحش می‌دهی امامن آدم می‌کشم!

متهمان زیادی انگیزه خود از ارتکاب جنایت را فحاشی مقتول بیان می‌کنند

فرود پرونده

فاطمه شیخ‌علیزاده | هفت صبح

قدیمی‌ها می‌گفتند فحش یاد هواست! اگر شنیدی راهت را بگیر و برو چون در دعوا حلوا خیرات نمی‌کنند!

اما خیلی‌ها فکر می‌کنند اگر راهشان را بگیرند و بروند، آن وقت کسی که فحش داده پررو می‌شود یا فکر می‌کند، طرف کم آورده! اینها نمی‌دانند که قدیمی‌ها اگر می‌گفتند برو و جواب نده به خاطر این بود که شر خشمت گریبان خودت را نگیرد!

کم نیستند پرونده‌های جنایی که در آن فحاشی یک فرد به قیمت جانش تمام شده و البته به کابوس چوبه دار برای کسی که راهش را نگرفت و برود!

قتل در محله کن

شهاب ۲۹ ساله متهم بود که تیرماه سال ۱۴۰۳ در جریان درگیری خیابانی در محله کن در غرب تهران و نزدیکی یک کافه‌رستوران، مردی ۲۷ ساله را کشت و فرار کرد اما بعد از یک ماه فرار در خانه‌ای مرزی در غرب کشور بازداشت شد.

متهم در اظهاراتش گفت: مدتی بود به‌عنوان کارگر بازیافت در شهرداری مشغول به کار شدم. می‌خواستم سالم زندگی کنم اما آن شب مقتول با دیدن من چپ‌چپ نگاه کرد و کری خوانی شروع شد. من مست بودم. انگار باید می‌جنگیدم. با دوستانش سر من ریختند. مقتول چوب‌دستی داشت. من هم تلفنی به دوستانم خبر دادم و دعوا گروهی ادامه یافت. یکی از دوستانم مصدوم شد و خودم هم با چوب‌دستی مقتول مصدوم شدم. مقتول به من فحش ناموسی داد. با چاقو دو ضربه به آن جوان زدم که زخمی شد. چاقو را انداخته و فرار کردم. رفتم دره‌های اطرف کن و چهار روز آنجا بودم. به‌زور از افراد معتاد غذا می‌گرفتم و می‌خوردم که زنده بمانم. روز دوم که آنجا بودم، دوستم به من اطلاع داد، مرد زخمی مرده است. می‌خواستم به ترکیه بروم اما در فرارم ناکام ماندم.»

قتل در اتاقک نگهبانی

آذرماه سال ۱۴۰۰ بود که پلیس در جریان پیدا شدن جسد مرد ۶۵ساله‌ای در اتاقک نگهبانی یک ساختمان نیمه‌کاره قرار گرفت.

صاحب‌ملک که برای سرکشی به ساختمان نیمه‌ساز رفته بود با در قفل‌شده روبه‌رو شد و پس از گشودن در و مشاهده جسد خونین نگهبان مبانسال به نام اصغر، پلیس را باخبر کرد. به این ترتیب ماموران بلافاصله راهی ساختمان نیمه‌ساز شدند و جسد اصغر را با دستور قضایی به پزشکی‌قانونی منتقل کردند. شواهد نشان می‌داد این مرد با ضربه‌های متعدد میله آهنی به سرش از پا درآمده است.

صاحب‌ملک که پلیس را خبر کرده بود گفت: از مدت‌ها قبل اصغر و پسرجوانی به نام قاسم را به عنوان نگهبان در ساختمان نیمه‌ساز استخدام کرده‌ام؛ اما حالا خبری از قاسم نیست و ناپدید شده است.

در حالی که فرضیه دست‌داشتن قاسم در این ماجرا قوت گرفته بود، ماموران رد او را یافتند و بازداشتش کردند.

قاسم به درگیری با همکارش و قتل او اعتراف کرد و گفت: من و قاسم چهار ماه با هم همکار بودیم و هر دو در اتاقک نگهبانی ساختمان نیمه‌ساز کار می‌کردیم و هیچ مشکلی هم نداشتیم. آن شب من سر موضوعی از او ناراحت شده و خواستم از اتاقک نگهبانی خارج شود؛ اما او فحاشی کرد. من اعتراض کردم و از او خواستم فحش ندهد، اما قاسم با عصبانیت فحش‌های ناموسی داد.

او گفت: من که عصبانی شده بودم در یک لحظه با میله‌ای که در گوشه اتاقک افتاده بود به او حمله کردم و چند ضربه به بدنش زدم. می‌خواستم او را رها کنم؛ اما گمان کردم اگر بلند شود من را می‌کشد. به همین خاطر با بیل هم چند ضربه به سرش زدم. وقتی روی زمین افتاد در اتاقک نگهبانی را قفل کردم و از آنجا گریختم. باور کنید وقتی آنجا را ترک می‌کردم او نفس می‌کشید و زنده بود.

متهم ادامه داد: باور کنید قصد نداشتم قاسم را بکشم. فقط چند ضربه به او زدم، اما فکر نمی‌کردم ضربه‌ها کشنده باشد.

قتل رفیق

هفتم مهرماه سال ۹۸ وقوع درگیری خونین در یکی از خیابان‌های قرچک به پلیس اعلام شد. ماموران بلافاصله در محل درگیری حاضر شدند و دریافتند درگیری ۲ دوست به خون کشیده شده و در این میان ساسان ۳۴ ساله از ناحیه گردن مجروح و به بیمارستان منتقل شده است. ماموران پلیس به تحقیق از شاهدان پرداختند و دریافتند ساسان در درگیری با دوست قدیمی‌اش به نام مصطفی، زخمی شده است. وقتی مصطفی روبه‌روی قضات ایستاد، قتل را گردن گرفت و گفت: من ساسان را به خاطر فحاشی کشتم. من و ساسان از سال‌ها قبل با هم دوست بودیم و همیشه با هم رفت‌وآمد داشتیم. آن روز سر موضوعی پیش پا افتاده باهم بحث کردیم. او پرورپی کرد و به من ناسزا گفت. من که توقع شنیدن چنین حرف‌هایی را نداشتم از فحش‌های او عصبانی شده و به رویش چاقو کشیدم تا او را بترسانم. اما ساسان دست بردار نبود. او به سمتم حمله‌ور شد و به همین خاطر یک ضربه کاری به گردنش زدم و بلافاصله فرار کردم. من و ساسان روزهای زیادی را با هم گذرانده بودیم و من از او توقع نداشتم سر موضوعی پیش پا افتاده، چنین ناسزایی را به من بگوید. من قتل او را قبول دارم و حالا هم می‌گویم از کشتن او پشیمان نیستم.

فحاشی در تلگرام

اردیبهشت سال ۹۶ پسر جوانی دوست تلگرامی‌اش را در جریان نزاع دسته‌جمعی با چاقو به قتل رساند. این قتل در شهری اتفاق افتاد و پسر نوجوانی به نام حمید با ضربه چاقو «کامران» بود دستگیر شد و در نخستین مرحله بازجویی به ارتکاب قتل دوستش «حمید» اعتراف کرد. متهم در دفاع از خود گفت: چند ماهی بود که من و دوستانم در تلگرام گروهی را تشکیل داده بودیم تا اینکه به خاطر طرح یک متلک حرف زشت و فحاشی در بین اعضای گروه اختلاف‌ها به خارج از محدوده فضای مجازی کشیده شد و من و حمید با هم در یک بوستان در شهری قرار گذاشتیم تا دراین باره حرف بزنیم، اما بحث‌مان به مشاجره کشید و بعد با چاقو به جان هم افتادیم. حمید سرباز وظیفه بود و من هم تازه خدمت وظیفه را شروع کرده بودم که از روز ترم مرخصی به سر می‌بردم. در جریان درگیری، ضربه‌ای با چاقو به حمید خورد اما نمی‌دانستم این ضربه باعث کشتن او می‌شود.

قتل همکار

چند سال قبل مرد جوانی همکارش را به خاطر فحاشی به قتل رساند. رسیدگی به این پرونده از دی‌ماه سال ۹۶ به دنبال جدال خونین دو مرد افغان در یک ساختمان نیمه‌کاره در جنوب تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد عبدالباقی ۳۰ ساله با ضربه‌های چاقوی همکارش به نام سرار کشته شده است. پلیس بلافاصله به محل درگیری رفت و با جسد خونین عبدالباقی روبه‌رو شد. در این میان سرار به قتل اعتراف کرد و همدستش به نام محمد را نیز لو داد. او گفت: وقتی من و عبدالباقی با هم درگیر شدیم، دوستم محمد او را نگه داشت و من دو ضربه چاقو به سینه‌اش زدم.

به دنبال اعتراف‌های این مرد، دیابی محمد آغاز شد اما پلیس ردی از وی به دست نیاورد. به این ترتیب پرونده ستار با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در این میان روشن شد ۴۵ روز قبل پلیس محمد را دستگیر کرده اما وی هویتش را پنهان کرده و پلیس نیز او را به افغانستان برگردانده است. با افشای این ماجرا ستار پای میز محاکمه ایستاد. در آن جلسه بدر قربانی برای وی حکم قصاص خواست.

ستار در تشریح جزئیات ماجرا گفت: آن روز تلفنی با همدرسم که در افغانستان است صحبت می‌کردم. عبدالباقی در گوشه اتاق نشسته بود و استراحت می‌کرد. او وقتی فهمید با همدرسم صحبت می‌کنم پشت سر همدرسم حرف‌های نامربوط زد و فحش ناموسی داد. من که از شنیدن این حرف‌ها کنترل اعصابم را از دست داده بودم به سمت او حمله کردم. محمد او را نگه داشت و من دو ضربه چاقو به سینه او زدم.

هواشناسی، رفع فیلتر و ...

کاربران در گوگل، اینستاگرام، تلگرام، توییتر، ویکی‌پدیا، ایتا و یوتیوب به دنبال چه موضوعاتی بودند؟

» **گوگل** – بیست و چهارساعت منتهی به شامگاه روز چهارشنبه: وضعیت هوای فردا، بازی پرسپولیس مقابل هوادار و روز سال نو سه ترند مهم روز بودند و پس از آن کلمات و عبارات اعمال شب اول ماه رجب، بازی گلگهر سیرجان مقابل چادرملو، تلویسیون، شبکه سه، آنتن، عارف ایمن، ورزش سه، ابومحمد جولانی، حسین طائب، مصباح یزدی، طارمی، زهرا جهرمی، محمد شیاع السودانی، اسامی برندگان قرعه‌کشی ایران خودرو، سایت فوتبالی، بیتزا سرخ‌بیز، کریسمس و وید، جوان، بیشترین میزان جست‌وجو در این موتور جست‌وجو را به خود اختصاص دادند.

» **اینستاگرام** – بیست و چهارساعت منتهی به شامگاه روز چهارشنبه: صفحات بیتزا سرخ‌بیز، ایلان ماسک، رکسانا، امیر تتلو، کیمیا حسینی، جنیفر لوپز، لیلا اوتادی، باشگاه پرسپولیس، بهاره رهنما و زن رونالدو مورد توجه قرار گرفتند و آهنگ‌های «ریمیکس دلبرت خنده کند با دگران»، «ریمیکس رقصیدیم تو این جهان تنگ بنا شده»، «ریمیکس منم عکساشو پاره کردم» و «چی شد حواسمون پرت شد» آن قدر در اینستاگرام شنیده شده و مورد توجه قرار گرفتند که کاربران برای دانلود آن‌ها به گوگل مراجعه کردند

دستور زبان عشق

باید آدم
برای یکی فرق داشته باشد
فقط برای یکی / و اگر نه / دنیا سراسر ترس و وحشت است!

مهدیه لطیفی

امام صادق (علیه السلام):

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ.

خدا به چیزی بهتر از اداء حق مؤمن عبادت نشود.

المؤمن ، جلد۱ ، صفحه ۴۳

واگویه‌های انتظار

تو نیم دیگر من نیستی، تمام منی
تمام کن غم و اندوه سالیان مرا...

امید صباغ‌نو

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۴۳ | طلوع خورشید ۰۷:۱۴ | اذان ظهر ۱۲:۰۹ | غروب خورشید ۱۷:۰۲ | اذان مغرب ۱۷:۲۲

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۵۶ | پنجشنبه | ۱۳ دی ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۱۵۶۶۷-۶۵۳۵۱
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

عزیزکرده‌های ۹۸

۲۷ سال بعد از جام جهانی فرانسه، فوتبال ایران هنوز در دست تیم ملی افسانه‌ای آن روزهاست

ادامه از صفحه اول

علیرضا منصوریان حتی در سال‌های بیکاری هم مثل بلاگر عمل می‌کند و از ویدئوهای عجیب و غریب او در فضای مجازی استقبال زیادی شده است. سیروس دین‌محمدی سه‌شنبه شب با آن شوت دیدنی، ما را به بازی استقلال و جوبیلو ایواتا و بازی با نانت فرانسه برد. ابراهیم تهامی با آن لهجه شیرین و اعتماد به نفس عجیب، هنوز هم اصرار دارد که مسی و رونالدو به گرد پایش نمی‌رسند! سایر نفرات آن نسل مثل افشین پیروانی، حمید استیلی، جواد زرینچه، رضا شاهرودی، ستار همدانی، بهنام سراج، مهدی پاشازاده و علی اکبر استاداسدی هم در متن و حاشیه این روزهای فوتبال ایران حضور دارند. تنها کسی که رسما راهش را از این جمع جدا کرده، نیما نکیساست که گفته می‌شود با مدیرعامل شدن در باشگاه ذوب‌آهن، نتیجه هم گرفته است.

می‌ماند مهرداد میناوند که تنها در گذشته آن تیم دوست‌داشتنی است که در ماه‌های قبل از فوتش، تغییر رویه داده بود و با احترامی که به استقلال و هوادارانش می‌گذاشت، چهره‌ای متفاوت و جنتلمنانه از خودش به نمایش گذاشته بود اما اجل به او مهلت نداد.

نود و هشتی‌ها با آن همه خاطره خوب و به یادماندنی که برای ما به یادگار گذاشتند، هرگز به خودشان لقب «بهترین نسل» و «نسل طلایی» ندادند و شاید یکی دیگر از دلایل محبوبیت‌شان همین بی‌ادعایی آنها بود. درست برخلاف آنها نسل فعلی تیم ملی که رو به پایان هستند، با ادعاهای عجیب و غریب و فخرفروشی، حسابی خودشان را از چشم مردم انداخته‌اند، تا جایی که همین مردم، یکی مثل خداداد عزیزی را به تک‌تک آنها ترجیح می‌دهند. فکر کردن به این که کدام بازیکن از این نسل، می‌تواند محبوبیتی در حدو اندازه نود و هشتی‌ها کسب کند خنده‌دار است. ناامیدکننده این که این نسل طلایی خودخوانده و از دماغ فیل افتاده، تمام فرصت‌ها را از دست داده‌اند و احتمالا دیگر هیچ اتفاقی آنها را به گرد پای نود و هشتی‌ها هم نخواهد رساند.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... به نظر من همه چیز در زمینه فرهنگی رشد قابل توجهی داشته. چون حتما با نظر بنده مخالفین، مثالی عرض می‌کنم، بلکه با بنده موافق بشین.

من در طول عمر پربارم، دو بار توفیق این رو داشته‌ام که در کفِ خیابان، از نزدیک با دوستان جیب‌بر و زورگیر که هرازگاهی هم زحمت‌کشان نیروی انتظامی، فوج‌فوج‌شان رو دستگیر می‌کنن، حشر و نشری داشته باشم و از لحاظ اقتصادی، آنچه که در توان اندکم بوده، تقدیمشان کنم... ایشالا که راضی بوده باشن. بالاخره دستِ ما هم تنگه و همین از دستمون بر میاد دیگه...

دفعه اول که این موهبت نصیبم شد، حدود بیست سال پیش بود. به رسمِ آن زمان‌ها و مقتضیات آن سنین، مثلا کلاس «کونگ‌فو» هم می‌رفتم... البته فقط روی تابلوی باشگاه زده بود «آموزش کونگ‌فو». ولی بعدها فهمیدیم اون چَک و لقدهایی که ما پرتاب می‌کردیم و فریادهایی که می‌کشیدیم، خیلی هم حساب کتابی نداشته. ولی چون لباس مشکی تنمون می‌کردیم، بهش می‌گفتند «کونگ فو...»

خلاصه در همان دوران، در یک خیابان نه‌چندان خلوتی در نزدیکی باشگاه، در حال راه رفتن بودم که بر اثر اصابت جسمی سنگین به پشتِ سرم، به مانند کتلتی که در ماهیتابه می‌اندازَن، پهن زمین شدم. بعد از چند ثانیه که توانستم به کمک آموزش‌های جدی و سختی که دیده بودم، بر خود مسلط شوم، متوجه شدم دو عدد تنه درخت که لباس انسان بر تن کرده بودن، در پشت سرم ایستاده‌اند. دوستان، خیلی اهل آداب‌معاشرت و مصاحبت نبودند ظاهرا. فقط یکیشون، یک حرکتی با دست انجام داد که در علمِ زبان بدن، بدین معناست که :

– «هر چی تو جیبته رد کن بیاد...»

بدون این که جرات کنم از کف خیابان بلند شوم، مقدار ناقابلی داشتم که دودستی تقدیم کردم. فکر کنم تو دلشون تشکر کردن البته... ولی لِسانی، نه... همین‌جور هم قدم‌زنان رفتن. عابران هم که ظاهرا صحنه‌ای عادی و روزانه را تماشا می‌کردن، با خونسردی، به زندگانیِ خود ادامه دادند...

بعد از این که مطمئن شدم به اندازه کافی دور شده‌اند، تا خانه را یک نفس دویدم... البته به خاطر تمریناتِ خیلی خشن و فشرده‌ام در کلاس «کونگ فو»، اصلا نفس کم نیاوردم. به محض ورود به منزل با یک پارچ آب‌قند به زیر پتو رفتم و تا چند روز، تمایلی به خروج از آن وضعیت نداشتم.

افتخار دیدار با این قشرِ محترم، دیگر نصیبم نشد تا همین دیروز...

این که همیشه عرض می‌کنم همه چیز عوض شده و سطح فرهنگی، خیلی بالا رفته، حرفی کتره‌ای نیست... مطالعه شده‌س...

اتفاقا باز هم در خیابانی نه‌چندان خلوت در حال قدم زدن بودم که یک موتور کنارم ایستاد و دو نفر بر آن سوار بودن... خیلی هم ریزجثه بودن تصادفا ... فکر کردم می‌خواهند آدرس بپرسن...

– «آقا سلام...» / «سلام... جانم؟...» / «ایشالا که حالت خوبه...» / «خدارو شکر... جانم؟» / «لطف میکنی اون ساعت و موبایلت رو بدی؟...»

قبل از این که متوجه شوم منظورشان دقیقا چیه، نفر عقبی، یک وسیله‌ای را از زیر کاپشن بهم نشان داد که نظرات در مورد نام این وسیله بین عزیزان متفاوته. عده‌ای به آن قمه و عده‌ای دیگر، با تعصب نظرشون اینه که نه... تایلیوره. هر اسمی داره، ظاهر غریبی داره و اتفاقا در سایزها و انواع مختلف در بازار موجوده و موارد مصرفش هم در موقعیت‌های اینچنینی می‌باشد...

– «بله حتما... بفرمایین...» / «خیلی هم ممنون... راضی باشیا داداشی...»

بعد از این که کاملا مطمئن شدن که راضی‌ام و از ته دل حلال کرده‌ام، به مسیر خود ادامه دادن...

خب، البته بعضی چیزها هیچ‌وقت عوض نمیشه... مثلا خود من... دقیقا مثل همان روزهای شیرین جوانی و کلاس «کونگ فو»، به همراه یک پارچ آب‌قند، چپیده‌ام زیر پتو و بعید هم می‌دونم حالا حالاها بیرون بیام...

قصه های گمشده – ۱۰۳ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

تروریست‌های رمانتیک مشروطه

ترور ناصرالدین شاه توسط میرزا رضا کرمانی طلیعه یک دوره از قتل و ترور در فضای سیاسی کشور است که بر تاریخ معاصر ایران سایه افکنده است. در واقع در اوج درگیری‌های انقلاب مشروطه و در سال‌های پس از آن ترور جایگاهی ویژه در سپهر سیاسی ایران پیدا کرد. تروریست‌ها در آن دوران عموما از فرقه‌های نزدیک به بهایی، فراماسون‌ها و سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها بوده‌اند. مثلا در دوره گردنکشی محمدعلی شاه برای مشروطه، ابتدا امین‌السلطان اتابک صدراعظم مقتدر قاجار که از دوره سه پادشاه صدراعظم بود در شهریور ۱۲۸۶ ترور شد. حیدرخان عمواوغلی و همراهان برای ترور اتابک به مجلس رفتند و او را که پس از نطقی مورد تشویق روحانیون ضد مشروطه قرار گرفته بود ترور کردند. سه گلوله توسط تروریست ۲۰ ساله‌ای به نام عباس صراف تبریزی که مشهور است در دوره‌ای که در باکو بوده تحت تعلیمات حیدرعمواوغلی قرار گرفته بود. صراف تبریزی از محل ترور فرار می‌کند اما چند خیابان پایین‌تر دستگیر می‌شود و آنجا در یک لحظه فرصت خودش را می‌کشد و راز ترور را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. شش ماه بعد در اسفند ۱۲۸۶ این بار نوبت خود محمدعلی میرزا بود که هدف ترور گروه حیدرخان عمواوغلی قرار بگیرد. هشتم اسفند ۱۲۸۶ محمد علی شاه عازم دوشان‌تپه بود تا حال و هوایی عوض کند. از ورود اتومبیل به تهران زمان زیادی نمی‌گذشت و محمد علی شاه ترجیح داد به جای اتومبیل سوار کالسکه شود و همین جان او را نجات داد. چون ضارب گمان می‌کرد در اتومبیل نشسته در حالی که سوار کالسکه‌ای بود که پشت آن حرکت می‌کرد. راننده در پرتاب بمب کشته می‌شود و محمدعلی شاه نجات پیدا می‌کند و بعد به دشمن بزرگ مشروطه بدل می‌شود.

سومین قربانی ترور در این سال‌ها باز هم از مخالفان مشروطه است. روز نهم دی ماه ۱۲۸۷ کریم دواتگر چند تیر به سمت شیخ فضل‌الله نوری شلیک و وی را مجروح کرد. ضارب نیز هنگام دستگیری گلوله‌ای به گلوی خود شلیک کرد و مجروح شد اما گلوله از کنار گوشش بیرون آمد و او زنده ماند. پس از مدتی که در زندان به سر برد شیخ ضارب خود را بخشید. اسم این کریم دواتگر را داشته باشید که دوباره به او باز خواهیم گشت. این را هم بگوییم که شیخ فضل‌الله شش ماه بعد در تهران به حکم دولت مشروطه به دار آویخته شد. در تیرماه سال ۱۲۸۹ این بار نوبت به عبدالله بهبهانی رسید. یکی از دو روحانی لیدر در انقلاب مشروطه. می‌گویند که او توسط سه نفر و در منزل خود ترور شد و ترور را دوباره به دارو دسته حیدرخان عمواوغلی مهندس برق تندرو و بی‌رحم آذربایجانی منتسب می‌کردند.

این جاذبه تشکیل گروه‌های ترور و از میان برداشتن مخالفین آن قدر زیاد بود که گروهی به نام کمیته مجازات تشکیل شد که اصلا هدفش را ترور مخالفین قرار داد. در مورد کمیته مجازات هاله رمانتیکی وجود دارد که آنها را همچون چریک‌های از جان گذشته راه آزادی قلمداد می‌کنند و در سریال هزار دستان علی نصیریان نقش سرتیپ ابوالفتح‌زاده را که از سران کمیته مجازات بود بازی کرد و مکالمه رمانتیکش با نامزدش جیران کلی از تماشاگران را مفتون خود کرد و جمشید مشایخی نیز در نقشی مشابه عماد الکتاب که نویسنده بیانیه‌های کمیته با خط خوش خودش بود. در تحلیل‌های امروزی این گروه هرج و مرج طلب را به لژهای فراماسونری و یا گروه‌های بهایی نسبت می‌دهند و به انگیزه‌های آنان به شدت مشکوک هستند. به هرحال سرتیپ ابوالفتح زاده، ابراهیم سرتیپ ملقب به منشی‌زاده و مشکات‌الممالک این کمیته را راه انداختند و هرکدامشان بخشی از کار را برعهده گرفتند و ترورها مستقیما به ابوالفتح زاده واگذار شد. سه قاتل حرفه‌ای به نام‌های کریم دواتگر، احسان‌الله خان دوستدار و حسین‌الله برای انجام ترورها انتخاب شدند. روایت است که ابوالفتح‌زاده، منشی‌زاده و جمع زیادی از اعضای کمیته مجازات از کارمندان مورگان شوستر آمریکایی، خزانه‌دار کل ایران در دوره احمد شاه قاجار بودند که به شدت مورد حمایت بهاییان ایران قرار داشتند. آنها در اسفند ۱۲۹۵ ترورهای خود را شروع کردند و به زودی فضایی پر از ارعاب را در کشور ایجاد کردند. نخستین دستور کار کمیته، ترور رئیس انبار غله تهران بود. به خاطر قحطی که بر شهر حاکم شده بود و کمیته رئیس انبار غله را مقصر می‌دید. این تصمیم مورد توافق تمامی اعضا قرار گرفت. پس از آن مبلغی پول به همراه دو قبضه اسلحه در اختیار کریم دواتگر قرار گرفت تا به کار میرزا اسماعیل خان رئیس انبار غله پایان دهد. خود کریم دواتگر که مردی غیرقابل پیش بینی و دائم الخمر بود بنای ناسازگاری برداشت و خودش در اردیبهشت ۱۲۹۶ توسط دیگر اعضای کمیته مجازات ترور شد! سلسله ترورهای کمیته مجازات تا نیمه سال ۱۲۹۶ به هشت نفر رسید و این گروه از چنان نفوذی برخوردار شده بودند که حتی شایعه حضور فردی در لیست سیاه ترور کمیته مجازات بی برو برگرد به استعفا و کناره‌گیری و مخفی شدن طرف می‌انجامید. بالاخره وثوق‌الدوله که یکی از اهداف همیشگی کمیته مجازات بود بعد از مدت‌ها کشمکش سران کمیته را بازداشت و دادگاهی کرد و دادگاه به دو نفر اصلی یعنی ابوالفتح زاده و منشی زاده ۱۵ سال حبس و تبعید مادام العمر حکم داد که در راه رسیدنشان به محل تبعیدگاه توسط اشخاص ناشناس هردو نفر به گلوله بسته شدند و کشته شدند.

ایران در سال‌های پس از انقلاب مشروطه بیشتر به یک سیرک خطرناک شبیه بوده است تا هرچیز دیگری.

سایت‌نگار

تمجید از جوکر بانوان و بخش‌هایی خواندنی از حواشی معاون هنری ارشاد

به گزارش پایگاه مبلغ، بر مبنای سندی از ساواک، اسماعیل رائین، نویسنده کتاب معروف «فراماسونری در ایران» در تماسی تلفنی با داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران، ادعایی جنجالی را مطرح کرده است. به گفته رائین، امام خمینی به ابوالحسن بنی‌صدر اعلام کرده که حاضر است مبلغ ۳۰ هزار فرانک برای کمک به چاپ جلد سوم کتاب رائین اختصاص دهد. این موضوع باعث نگرانی جدی رائین شده است. او بر این باور است که چنین اقدامی می‌تواند به ضرر او تمام شود، زیرا حکومت پهلوی ممکن است مسئولیت این چاپ را متوجه خودش بداند و علیه او برخورد کند.

در این مکالمه، رائین تأکید کرده که بنی‌صدر در پاسخ به استعلام یکی از نزدیکان او، تا حدودی این موضوع را منکر شده است، اما همچنان نگرانی‌های او درباره احتمال چاپ کتاب به قوت خود باقی است. رائین با ابراز نگرانی شدید، از داریوش فروهر خواسته است که به هر طریق ممکن از این اقدام جلوگیری کند.

در تاریخ ۳۶/۲۰/۱۱ (۱۳۵۶ شمسی) اسماعیل رائین نویسنده کتاب فراماسونری در ایران که فعلا برای معالجه در لندن به سر می‌برد، تلفنی با داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران تماس گرفته است. رائین در این تماس تلفنی اظهار نموده است که خمینی مبلغ ۳۰ هزار فرانک پول در اختیار ابوالحسن بنی صدر (این شخص از اعضای جبهه با اصطلاح ملی است که در پاریس اقامت دارد و یکی از گردانندگان جبهه با اصطلاح ملی سوم و از عوامل حمایت‌کننده از فعالیت‌های تروریستی در ایران می‌باشد)، قرار داده و بنی‌صدر قصد دارد جلد سوم کتاب او را چاپ کند. اسماعیل رائین اضافه نموده که این اقدام باعث دردسر او خواهد شد، زیرا حدود شش ماه قبل شخصا تقاضای تجدید چاپ کتاب را نموده و حالا اگر کتاب مذکور به نحو دیگری هم چاپ شود، دولت او را مقصر خواهد شناخت.

رائین در مکالمه خود ادامه داده است که با دکتر تقی (دکتر تقی‌زاده از عناصر جبهه به‌اصطلاح ملی مقیم انگلستان) صحبت کرده و شخص اخیر در تماس تلفنی موضوع را از بنی‌صدر پرسیده اما او منکر مطلب شده است و حالا تقاضا دارد که فروهر به هر نحو که می‌تواند موضوع را روشن کند.

روزنامه صبح نو که یک روزنامه اصولگرای کلاسیک است این متن را روز دوشنبه منتشر کرده که از هر نظر غافلگیرکننده است و امیدوارکننده:

«فصل اول «جوکر» که با حضور بانوانی همچون ژاله صامتی، ناهید مسلمی، رؤیا میرعلمی، گیتی قاسمی، سوسن پرور، نرگس محمدی، الیکا عبدالرزاقی و متین ستوده برگزار شد، استقبال زیادی از سوی مخاطبان داشت.

در این فصل، برنامه‌سازان با دقت زیادی از حضور چهره‌های بانوانی بهره‌بردند که علاوه بر معروفیت، ویژگی‌هایی چون وقار، شخصیت و توانایی‌های کمدی داشتند. حضور این چهره‌ها به‌ویژه به‌عنوان نمایندگان زنان توانمند و مستقل، یک گام مثبت در راستای شکستن تابوهای اجتماعی و فرهنگی بود.

در دومین فصل از «جوکر بانوان» چهره‌هایی مثل فاطمه هاشمی، مهسا طهماسبی، حدیث میرامینی، گلوریا هاردی، سحر ولدبیگی، بهنوش بختیاری، مریم سعادت و نعیمه نظام‌دوست حضور دارند. انتخاب نعیمه نظام‌دوست به‌عنوان یکی از شرکت‌کنندگان برنامه، به‌ویژه به دلیل شخصیت خاص او و شوخی‌های بی‌پروایانه‌اش، توجه‌های زیادی را جلب کرد. نظام‌دوست با رفتارهایی خاص و شوخی‌هایی که اغلب از مرزهای رایج طنز فراتر می‌روند، تلاش کرده تا حس کمدی خود را به نمایش بگذارد. بااین‌حال، بسیاری از شوخی‌های او که بیشتر شامل تمسخر چاقی و وضعیت تجرد زنان بود، با انتقادهای گسترده‌ای مواجه شده است.»

تجارتِ فردا نوشت: یک خواننده موسیقی رپ نه‌چندان مشهور به نام «گادپوری» برای افتتاحیه یک فروشگاه لباس در تهرانپارس فراخوان داده و در یک اتفاق باورنکردنی، هزاران جوان نسل زد را به خیابان کشانده است. در سال‌های گذشته خوانندگان موسیقی زیرزمینی از این صحنه‌ها زیاد خلق کرده‌اند و قدرت بسیج‌کنندگی آنها همواره ناظران را بهت‌زده کرده است. به‌طور مشخص، این موضوع در تشییع جنازه خواننده‌ای به نام «مرتضی پاشایی» در سال ۱۳۹۳ بحث‌های زیادی ایجاد کرد. منظور از قدرت بسیج‌کنندگی، توان و امکان جمع کردن انبوهی از مردم در یک مکان خاص و به خاطر یک موضوع خاص است که پیش از این در انحصار گروه‌های سیاسی بود اما هرچه زمان گذشت، قدرت گروه‌های سیاسی برای فراخوان توده‌های مردم کمرنگ شد و در عوض این توان به هنرمندان، سلبریتی‌ها و خوانندگان منتقل شد. چنین تجمعاتی برای خیلی از خوانندگان مورد علاقه نسل زد برگزار شده و این در حالی است که نهادهای رسمی یا چهره‌های منسوب به ساختار سیاسی یا حتی سیاستمداران اصلاح‌طلب قادر نیستند حتی جمعیت اندکی از جوانان نسل زد را دور هم جمع کنند.

البته گروه‌های مذهبی و هیات‌ها همچنان این قدرت را دارند اما معمولا جوانانی که اطراف آنها جمع می‌شوند، هویت متفاوتی دارند و با جوانانی که به فراخوان یک خواننده رپ گوش فرا می‌دهند، از اساس تفاوت دارند. در این گزارش ضمن بررسی «پدیده گادپوری» با مشورت دکتر مریم زارعیان، جامعه‌شناس و پژوهشگر به این پرسش پاسخ می‌دهیم که کدام گروه‌ها قدرت بیشتری برای بسیج‌کنندگی جوانان دارند و چرا به‌طور مشخص، خوانندگان موسیقی، قدرت بیشتری برای بسیج کردن جوانان پیدا کرده‌اند؟

به اعتقاد زارعیان؛ ماجرای «گادپوری» و امثال آن که در اشکال مختلف در سال‌های گذشته اتفاق افتاده، همچون تشییع جنازه مرحوم پاشایی یا فراخوان آب‌بازی پارک آب و آتش، طرفدارانی که برای انداختن عکس با رپر محبوبشان خیابان ایتالیای تهران را قفل کردند یا انهایی که در شیراز به فراخوان رپر مورد نظرشان لبیک گفتند یا نمونه اخیرش در تجمعی که یک خواننده موسیقی رپ از هوادارانش برای افتتاح یک برند لباس‌فروشی خواست که در مراسم شرکت کنند و در کمال ناباوری سیل جمعیت برای شرکت در این مراسم شکل گرفت، یک پدیده اجتماعی است که باید ببینیم چرا در سال‌های اخیر این پدیده اجتماعی به این صورت شکل می‌گیرد و جامعه ایران چه ویژگی‌هایی پیدا کرده که وقتی فراخوان‌های دولتی برای تجمعات همگانی راه به جایی نمی‌برد، یک خواننده با یک فراخوان ساده، این جمعیت را به خیابان می‌آورد؟ از منظر جامعه‌شناسی پدیده‌ای به این شکل تصادفی شکل نمی‌گیرد و هماهنگی میان این گروه از افراد برای شکل دادن به پدیده‌ای به این سبک بدون دلیل و زمینه مناسب نیست و چنین پویش‌های جمعیتی بدون دلیل اجتماعی شکل نمی‌گیرد. اگر بخواهیم این پدیده را تبیین کنیم، می‌توانیم از منظر جنبش اجتماعی جوانان ببینیم که این گروه از جوانان گاهی برای نمایش عاملیت خود در ظرف جامعه دست به اقداماتی می‌زنند که جای توجه دارد. جنبش اجتماعی جوانان در لایه‌های زیرین جامعه در جریان است؛ اما چون در سطح نیست، آن را نمی‌بینیم، در نتیجه زمانی که فرصتی ایجاد می‌شود تا این جنبش در سطح جامعه بازنمایی شود، دچار شگفتی می‌شویم.

مشرق نیوز گزارش جالبی درباره حواشی پیرامون نادره رضایی، معاون هنری وزارت ارشاد کار کرده که با توجه به تعلق خاطر مشرق نیوز به اردوگاه اصولگرایان، خواندن این متن خالی از لطف نیست:

در همان آغاز وقتی نام نادره رضایی حوالی صندلی معاونت هنری ارشاد شنیده شد، صدای انتقاداتی از سوی برخی رسانه‌های مخالف دولت، شکل گرفت؛ انتقاداتی که به دلیل تفاوت نگاه‌های سیاسی رضایی و مخالفانش در رسانه‌های دیگر طبیعی به‌نظر می‌رسید. وقتی ۱۲ آبان‌ماه، تودیع و معارفه رضایی صورت گرفت، حالا سکان معاونت به دست رضایی بود تا معاونت هنری را از میان حواشی عبور دهد. او در اقدامی قابل‌پیش‌بینی، مدیریت بخش‌های زیرنظرش را تغییر داد؛ اتفاقی که پس از تغییر دولت‌ها مرسوم است و در همه جای جهان، با آمدن دولت جدید بخش مهمی از مدیران میانی تغییر می‌کنند.

اما آنچه تب حواشی را اولین‌بار پس از قبول مسئولیت، اطراف نادره رضایی داغ کرد، مدل تودیع و معارفه او بود. نیلی، مدیر کل سابق هنرهای نمایشی در گفت‌وگویی با مهر گفت در ابتدا گمان می‌کرده قرار است برای یک جلسه کاری به دیدن رضایی برود، اما در همان جلسه تودیع و سرپرست جدید معارفه شده است. او می‌گوید: «در همان روز قرار بود مراسم اختتامیه جایزه پژوهش سال تئاتر ایران برگزار شود. ساعت ۴۵ : ۱۱ خانم نادره رضایی خواست تا به ساختمان معاونت بروم. همان‌جا به من گفت که نمی‌توانیم با هم کار کنیم و همان‌جا بحث تودیع و معارفه انجام شد.»

چند روز پس از ماجرای تودیع نیلی، اتفاق کنسرت کاروانسرا رخ داد و دوباره سرها به طرف معاونت هنری و شخص نادره رضایی چرخید. خبری منتشر شد مبنی بر اینکه پست کنسرت مجازی پرستو احمدی در کاروانسرا را نادره رضایی پسندیده و به اصطلاح آن‌ور آبی‌ها آن را لایک کرده. همین خبر هجمه‌هایی را که پیش از گرفتن مسئولیت اطراف خانم‌معاون جمع شده بود به سمتش برگرداند و حالا رضایی بود که روی هر اقدامی از او حساسیت‌ها بالا می‌گرفت.

برخلاف ماجرای تودیع و معارفه، رضایی در ماجرای کاروانسرا چندان هم دخیل نبود، زیرا او چندسال قبل پستی را از پرستو احمدی پسندیده بود و ماجرا ربطی به قضیه کاروانسرا نداشت. در این بین یکی از کانال‌های خبری، ماجرای لایک چندسال قبل را به موضوع روز ربط داد و تلاطم کشتی معاونت رضایی را بیشتر کرد. در این بین بیانیه‌ای از سوی معاونت هنری منتشر شد و در آن گفته شد: «بدیهی است معاون هنری به منظور اطلاع از موضوعات روز و مطرح حوزه فعالیت خود، به صفحه مذکور در فضای مجازی مراجعه و این ویدئوی پربازدید شده اخیر را مانند بسیاری دیگر از کاربران مشاهده کرده است؛ اما صفحه ایشان را دنبال نکرده و محتوای منتشره تأیید (لایک) نشده است و آنچه در این ارتباط در حال انتشار در فضای مجازی است، خلاف واقعیت بوده و تکذیب می‌شود.»

با گذشت چند هفته‌ای از ماجرای کنسرت کاروانسرا، رضایی بدون مصاحبه و دامن‌زدن به حواشی کارش را پی می‌گیرد و سعی می‌کند چند جشنواره را برگزار کند و در چند تئاتر و کنسرت دیدار با هنرمندان و برقراری گفتمان وفاق را پی بگیرد. بااین‌حال برخی حواشی پیرامون اطرافیان نزدیک خانم‌معاون نمی‌گذارد او کارش را دنبال کند. حواشی‌ای که در صفحات مجازی برخی منصوبان او ایجاد می‌شود و بازتابش در روزنامه‌های کشور صندلی او را به حالت لرزان‌تری درمی‌آورد.

با تمام این تفاصیل معاون هنری ارشاد چند جشن را مانند تئاتر بین‌المللی کودک‌ونوجوان با صحت و سلامت برگزار می‌کند اما باز هم حواشی، بیانیه و اجبار برای توضیح گریبانگیر نادره رضایی می‌شود. این بار ماجرا مربوط به قضیه دوازدهمین دوسالانه سرامیک می‌شود.

ضمن احترام به حوزه سرامیک، حقیقتاً در ۱۲ سال برگزاری این مراسم، هیچ‌گاه اتفاقات و ماجراهای آن در متن اصلی اخبار قرار نمی‌گیرد اما این بار حواشی برگزاری این مراسم باز هم گریبانگیر معاونت هنری می‌شود و نحوه پوشش افتتاح‌کنندگان مراسم، باز هم رضایی و معاونت را در حاشیه می‌برد و دوباره معاونت هنری ارشاد مجبور به بیانیه و پاسخگویی می‌شود: «عصر روز دوشنبه در برگزاری مراسم افتتاح بخش کیوریتوریال دوسالانه سرامیک به‌واسطه عدم‌هماهنگی، رعایت شئونات اسلامی صورت نگرفت.»

ستاد برگزاری دوسالانه از این اتفاق ناخواسته، عذرخواهی می‌کند و بنابر پاسداشت قانون و رعایت شئون جامعه خود را متعهد به این مسئله می‌داند و از هنرمندان گرامی درخواست می‌کند نسبت به رعایت شئون توجه لازم را داشته باشند. این درحالی است که برگزاری یک مراسم براساس قواعد و قوانین کشور نیاز به هماهنگی ندارد، بلکه لازمه اصلی آن نظارت است؛ نظارتی که از سوی برگزارکننده آن یکی معاونت هنری ارشاد اجرا شود.

سوای از ماجرای سرامیک موضوع اعتراض هنرمندان به ستاد بزرگداشت سهراب و فروغ فرخزاد هم در همین چند وقت اخیر معاونت هنری را مجبور به بیانیه می‌کند. ماجرا از این قرار است که برخی هنرمندان آثارشان را به موزه در دست تأسیس سهراب و فروغ فرخزاد اهدا می‌کنند، اما ناگهان اخبار، اظهاراتی را با این مضمون از طرف مسئول رویداد بزرگداشت سهراب منتشر می‌شود که حاکی از رد کردن کل ماجرای راه‌اندازی موزه است؛ او با رد کردن مسئله راه‌اندازی موزه «سهراب سپهری» و «فروغ فرخزاد» که شرط دریافت اثر از جانب او به هنرمندان بوده است، بیان کرد مالکیت ۲ هزار اثر تجسمی موجود در گنجینه، با مؤسسه فرهیختگان عصر هنر به مدیریت او است و همه هنرمندان نیز این آثار را به مؤسسه و شخص وی اهدا کرده‌اند!

پس از ماجرای موزه دوباره معاونت هنری مجبور به پاسخگویی می‌شود و طی بیانیه‌ای می‌گوید: «مواردی مبنی‌بر اختلاف در موضوع مالکیت آثار هنری مزبور، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر لزوم رعایت حقوق مالکیت مادی و معنوی، در راستای وظایف حمایتی و نظارتی خود در عرصه هنرهای تجسمی، میزبان و شنوای توضیحات و نکات هنرمندان عزیز است و با دریافت مدارک، موضوع و مستندات را بررسی می‌کند و اقدام قانونی لازم را انجام می‌دهد.» این درحالی است که پیش از برگزاری چنین رویدادی می‌شد جزئیات و چنین اختلافاتی طرح و مطرح شود که دوباره کار به رسانه‌ها و جوابیه صادر کردن‌ها از سمت معاونت ارشاد نکشد.

سازمان جهانی گردشگری در بخش آماری خود، میزان ورودی گردشگران خارجی به ایران در ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۴ را به‌روزرسانی و اعلام کرد که این میزان هنوز ۳۷ درصد کمتر از دوران پیش از همه‌گیری کرونا (۲۰۱۹) است.

به گزارش ایسنا، بر اساس اطلاعات موجود در بخش آمار سازمان جهانی گردشگری UNTOURISM (که معمولا این آمارها را از سازمان‌ها و نهادهای رسمی گردشگری دولت‌ها و کشورها دریافت می‌کند)، ایران در ۶ ماه نخست سال ۲۰۲۴ در مجموع از ۳ میلیون و ۱۲۹ هزار و ۴۴۹ نفر مسافر خارجی میزبانی کرده است که این رقم به تفکیک در ماه‌های ژانویه تا ژوئن (از دی ۱۴۰۲ تا خرداد ۱۴۰۳) با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است.

بنابر این آمار، در ماه ژانویه (۶۹۶/۴۹۴ نفر)، فوریه (۳۱۳/۵۰۶ نفر)، مارس (۷۷۲/۳۹۶ نفر)، آوریل (۴۶۹/۴۹۷ نفر)، می (۲۸۲/۴۴۳ نفر) و در ماه ژوئن نیز (۹۱۷/۷۹۰ نفر) به ایران سفر کرده‌اند که در مجموع عدد ۳ میلیون و ۱۲۹ هزار و ۴۴۹ ورودی گردشگر خارجی را به ایران در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد، این در حالی است که درسال ۲۰۲۳، مجموع گردشگران بین‌المللی واردشده به ایران در هفت ماه نخست سال ۲۰۲۳ (ژانویه تا جولای) به کمتر از سه میلیون نفر (۲ میلیون و ۹۳۳ هزار و ۸۸۴ نفر) رسیده بود.

کمترین میزان وردی به ایران در ماه مارس (اسفند ـ فروردین) ثبت شده و در ماه ژوئن (خرداد ـ اردیبهشت) نیز بالاترین ورودی گردشگران خارجی (بیش از ۷۹۰ هزار نفر) به ثبت رسیده است.

سارینا فرهادی به عنوان یکی از بازیگران فیلم «اشتیاق» محصول مشترک یونان و لهستان مقابل دوربین رفت. فیلمبرداری بخش نخست این فیلم در یونان به پایان رسیده و قرار است بازیگران این فیلم به‌زودی در لهستان نیز مقابل دوربین بروند.

سارینا فرهادی که سابقه بازی در فیلم برنده اسکار «جدایی» و «قهرمان» ساخته پدرش اصغر فرهادی را در کارنامه دارد در این پروژه سینمایی اروپایی در کنار فیلیپ پلاویاک بازیگر شناخته‌شده سینمای لهستان و برانکو یوریچ بازیگر صربستانی، همبازی شده است.

قیمت خودرو به دنبال قیمت دلار

با توجه به افزایش قیمت دلار در هفته گذشته، به بررسی قیمت ۶ خودروی بازار داخل پرداختیم

اصلی‌ترین عامل افزایش قیمت هر کالایی در کشور ما از دید مردم، دلار است و در اغلب موارد نیز این دیدگاه درست است. در باقی موارد نیز دلار عامل اصلی نیست و به شکل غیرمستقیم عامل گرانی است. بازار خودرو نیز از این غائله نه‌تنها مستثنا نیست، بلکه از سردمداران این موضوع است. با بررسی روند قیمت دلار طی چند سال اخیر می‌توانید این موضوع را به خوبی ببینید. این‌بار طی هفته گذشته با افزایش قیمت دلار، قیمت خودروهای پرفروش بازار بدون استثنا افزایش یافتند. نکته‌ای که شاید این‌بار را کمی از دفعات گذشته متفاوت کند، رکود سنگین حاکم بر بازار و کمبود نقدینگی است که منجر به کاهش حجم معاملات و در نتیجه کاهش میزان عرضه و تقاضا می‌شود. در چنین شرایطی تمام عوامل موثر اثرگذاری خود را تا حدودی از دست می‌دهند، به همین جهت این‌بار بیشتر خودروهای پرفروش گران شدند و دیگر خودروهای بازار به دلیل نبود نقدینگی و کاهش محسوس قدرت خرید مردم، در چرخه عرضه و تقاضا به شکل جدی قرار نگرفتند تا به معنای واقعی کلمه افزایش قیمت را تجربه کنند.

پژو پارس TU5

آغاز هفته: ۹۷۰ میلیون – پایان هفته: ۹۷۷ میلیون

دیرینه‌ترین محصول ایران‌خودرو در لیستی که امروز به بررسی آن پرداخته‌ایم، خودروی پژو پارس است که پس از نصب شدن موتور پرطرفدار TU۵ روی آن برای ۱۰ سال دیگر در چرخ خودروهای محبوب مردم ماند اما دست آخر در سال گذشته سازمان استاندارد چراغ خط تولید آن را خاموش کرد اما هیچ‌گاه فراموش نکنید که اینجا ایران است، سرزمین عجایب، هر کالایی که تولیدش متوقف شود قیمتش به جای کاهش، افزایش می‌یابد که البته دلایل آن قابل درک است. این محصول پرطرفدار ایران‌خودرو در آغاز این هفته در آگهی‌ها با قیمت ۹۷۰ میلیون تومان اعلام می‌شد اما در اواسط هفته چند میلیونی کاهش قیمت را تجربه کرد و از روز سه‌شنبه مجددا این خودرو روند افزایش قیمت را آغاز کرد تا در نهایت در پایان هفته در ایستگاه قیمتی ۹۷۷ میلیون تومان بایستد. برخی از کارشناسان بازار معتقدند این افزایش قیمت برای خودرویی مثل پارس به هیچ‌وجه قابل قبول نبوده و دلیل حجم کم، این افزایش قیمت آغاز طرح نام‌نویسی شرکت ایران‌خودرو برای ۳ محصول خود از سگمنت اقتصادی تا نیمه‌لوکس بوده است که منجر به انتقال حجم قابل‌توجهی از تقاضا به سوی این طرح می‌شود.

تارا اتوماتیک VL4

آغاز هفته: یک میلیارد و ۴۸ – پایان هفته: یک میلیارد و ۵۶

تارا اتوماتیک را می‌توان اداری‌ترین خودروی ایران‌خودرو نامید، چراکه این خودرو بیشتر توسط کارمندان خریداری می‌شود و علت آن نیز واضح است، این خودرو برای افرادی که اکثرا در شهر رانندگی می‌کنند و گاهی به جاده می‌روند خوب است و امکانات مناسب برای رانندگی شهری نظیر جعبه‌دنده اتوماتیک، استفاده از یک موتور بی‌صدا و کم‌استهلاک، بهره بردن از یک طراحی به‌روز و همچنین یک صندوق عقب بسیار بزرگ برای سفرهای جاده‌ای به همراه خانواده کاملا مناسب است اما مشکل از جایی آغاز شد که قیمت تارا اتوماتیک تقریبا هیچ تناسبی با مخاطبان هدف خود نداشت و اصل این مشکل با قیمت‌گذاری خود کارخانه آغاز شد. در آغاز این هفته تارا با قیمت یک میلیارد و ۴۸ میلیون تومان وارد بازار شد که به خودی خود، زنگ‌خور آگهی‌های مرتبط با این خودرو را به شدت کم کرد، با گذشت زمان و رسیدن به آخرین روز کاری هفته و بررسی قیمت خودروها مشخص شد که تارا اتومات ۸ میلیون تومان افزایش قیمت را تجربه کرده است تا این خودرو در نهایت به قیمت یک میلیارد و ۵۶ میلیون تومان برسد.

دنا پلاس توربو اتوماتیک

آغاز هفته: یک میلیارد و ۶۳ – پایان هفته: یک میلیارد و ۷۴

دنا پلاس توربو اتوماتیک (آپشنال)، لوکس‌ترین سدان ایران‌خودرو در داخل بازار ایران است، هرچند شاید این خودرو و ویژگی‌هایش نتوانند به شکل و شیوه‌ای که باید واژه لوکس را معنا کنند اما در بین خودروهایی که هم‌اکنون روی خط تولید خودروسازان داخلی وجود دارند، این خودرو از تمام محصولات فول‌تر و قوی‌تر است اما از نظر فضای کابین نه‌تنها در حد یک خودروی سگمنت لوکس نیست، بلکه به واقع فضای پای کوییک سایپا از دنا بیشتر است و متاسفانه ایران‌خودرو طی ۱۰ سال گذشته که دنا را تولید می‌کند نتوانسته در ارگونومی صندلی‌ها یا طراحی داشبورد این خودرو تغییری ایجاد کند تا فضای کابین این خودرو افزایش یابد و سرنشینان این خودرو بتوانند در یک فضای مناسب بنشینند.

دنای آپشنال در آغاز هفته با قیمت یک میلیارد و ۶۳ میلیون تومان در بازار حاضر شد اما با توجه به نوسانات قیمت ارز و آغاز روند صعودی در بازار خودرو این سدان ایران‌خودرویی‌ها در آخرین روز کاری هفته به قیمت نهایی یک میلیارد و ۷۴ میلیون رسید تا این خودرو ۱۱ میلیون افزایش قیمت را طی این هفته تجربه کند.

X22 پرو دستی

آغاز هفته: ۹۲۳ میلیون – پایان هفته: ۹۳۲ میلیون

ام‌وی‌ام X۲۲ پرو دستی، یکی از کراس‌اوورهای کوچک و اقتصادی بازار ایران، در هفته گذشته با نوسان اندکی در قیمت مواجه شد. این خودرو که بیشتر به دلیل طراحی جوان‌پسند و امکانات رفاهی متوسط مورد توجه قرار می‌گیرد، هفته را با قیمت ۹۲۳ میلیون تومان آغاز کرد و در پایان به ۹۳۲ میلیون تومان رسید.

هرچند این خودرو با داشتن امکاناتی نظیر نمایشگر لمسی و سیستم کنترل پایداری تلاش دارد تا جایگاه خود را حفظ کند اما توانایی فنی و دینامیک رانندگی آن در مقایسه با رقبای ایرانی نظیر دنا پلاس یا شاهین کم‌رنگ‌تر به نظر می‌رسد. موتور ۱/۵ لیتری X۲۲ پرو دستی عملکرد متوسطی ارائه می‌دهد و در شتاب‌گیری و کشش، در برابر رقبای داخلی قوی‌تر، ضعف‌هایی دارد. با وجود افزایش ۹ میلیون تومانی در قیمت، برخی خریداران ترجیح می‌دهند گزینه‌هایی را انتخاب کنند که در کنار قیمت مشابه، توان فنی بالاتر و استحکام بیشتری ارائه دهند. در نتیجه، X۲۲ پرو دستی بیشتر مناسب افرادی است که به دنبال خودرویی اقتصادی برای استفاده روزمره در شهر هستند، نه یک خودروی قدرتمند و همه‌کاره. در واقع این خودرو بیشتر از ویژگی نماد و ظاهر خود بهره می‌برد.

کی‌ام‌سی J7

آغاز هفته: یک میلیارد و ۶۷۵ – پایان هفته: یک میلیارد و ۷۲۸

قیمت خودروی کی‌ام‌سی J۷ در بازار ایران طی هفته گذشته روندی افزایشی را تجربه کرده است. این سدان خوش‌ساخت که به دلیل طراحی مدرن و امکانات رفاهی مناسب مورد توجه خریداران قرار گرفته، با نوسانات قیمتی همراه بوده. قیمت این خودرو در آغاز هفته یک میلیارد و ۶۷۵ میلیون تومان بود اما تا پایان هفته به یک میلیارد و ۷۲۸ میلیون تومان افزایش یافت. J۷ با ۵۳ میلیون افزایش قیمت رتبه پرچمدار افزایش قیمت در بازار داخل بود. این افزایش قیمت ۵۳ میلیون تومانی در مدت زمان کوتاه، نشان‌دهنده تأثیر عوامل مختلفی از جمله نوسانات ارزی، تغییرات عرضه و تقاضا و شرایط کلی بازار خودرو است. کی‌ام‌سی J۷ که از محصولات موفق گروه خودروسازی کرمان موتور به شمار می‌آید، با بهره‌گیری از پیشرانه قدرتمند توربوشارژ و امکاناتی نظیر نمایشگر بزرگ، سیستم‌های ایمنی پیشرفته و طراحی داخلی لوکس، توانسته جایگاه ویژه‌ای در بازار خودروهای داخلی پیدا کند. با توجه به وضعیت اقتصاد و پیش‌بینی‌های کارشناسان پیش‌بینی می‌شود که با ادامه شرایط فعلی، این روند افزایشی همچنان ادامه داشته باشد، اما اینکه شیب افزایش قیمت به همین شکل باشد، چندان مشخص نیست.

فیدلیتی (۵ نفره)

/ آغاز هفته: یک میلیارد و ۸۵۰ – پایان هفته: یک میلیارد و ۸۷۰

فیدلیتی را می‌توان مشهورترین محصول گروه خودروسازی بهمن بعد از مزدا ۳ و وانت‌مزدا دانست که طی چند سال اخیر، بسیار پرمتقاضی و پرفروش بوده، این خودرو اولین بار در اوج بحران خودرویی ایران عرضه شد و قیمت نسل اول این خودرو درحوالی ۶۰۰ میلیون تومان بود اما با گذشت زمان و افزایش تورم و قیمت ارز و دیگر عوامل اقتصادی قیمت این خودرو در کارخانه و بازار افزایش یافت. نکته قابل توجه این است که حین خرید و فروش خودروی فیدلیتی دو ویژگی باعث افزایش قیمت این خودرو نسبت به دیگر مدل‌ها می‌شود، اولین ویژگی هفت‌نفره بودن این خودرو و دیگری ۱۰ پر بودن رینگ خودرو است اما این‌بار و در طی این هفته بیشترین نوسان قیمت مربوط به فیدلیتی ۵نفره بود. این خودرو در آغاز هفته با قیمت یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان وارد بازار شد و تا سقف قیمتی یک میلیارد و ۸۸۰ میلیون رفت اما در آخرین روز با ۱۰ میلیون کاهش قیمت در پله قیمتی یک میلیارد و ۸۷۰ میلیون ایستاد تا با ۲۰ میلیون تومان افزایش قیمت رتبه دوم افزایش قیمت بازار داخل باشد.

داشبورد

مهم‌ترین خودروی سوبارو سال آینده می‌آید

هیبرید فارستر با ترکیب فناوری الکتریکی تویوتا و موتور باکسر سوبارو عرضه خواهد شد

نسل جدید شاسی‌بلند سوبارو که سال گذشته در نمایشگاه خودروی لس‌آنجلس رونمایی شد، طبق گفته جف والترز، رئیس سوبارو آمریکا، نسخه هیبریدی آن حدود یک سال پس از مدل بنزینی عرضه می‌شود. اکنون بازه زمانی کلی مشخص شده است: میانه سال ۲۰۲۵.

با مراجعه به وب‌سایت سوبارو، اشاره‌ای کوتاه به عرضه هیبریدی فارستر برای مدل سال ۲۰۲۵ خواهید یافت. این مدل که به عنوان بخشی از سری ۲۰۲۵ معرفی می‌شود، احتمالاً در میانه سال ۲۰۲۵، یعنی حوالی ژوئن یا جولای، به بازار خواهد آمد. عرضه دیرتر از این بازه زمانی، آن را به مدل سال ۲۰۲۶ نزدیک می‌کند اما در هر صورت نشان‌دهنده بازگشت سوبارو به دنیای خودروهای هیبریدی پس از توقف تولید کراس‌ترک برقی در سال ۲۰۲۳ خواهد بود.

جزئیات پیشرانه هنوز اعلام نشده اما قرار است تویوتا تأمین‌کننده موتور الکتریکی و فناوری باتری باشد. این همکاری با توجه به مشارکت دو شرکت غیرمنتظره نیست. خودروهای الکتریکی Subaru Solterra و Toyota bZ۴X تقریباً یکسان هستند و تنها در جزئیات طراحی متفاوت‌اند. با این حال، این بدان معنا نیست که سوبارو از موتور تخت چهار سیلندر خود صرف‌نظر کند. به احتمال زیاد، فارستر هیبریدی از همان سیستمی استفاده خواهد کرد که اوایل امسال در کراس‌ترک هیبریدی جدید ژاپن معرفی شد: یک موتور ۲.۵ لیتری چهار سیلندر تخت همراه با یک موتور الکتریکی به صورت موازی. این ترکیب امکان حرکت کوتاه‌مدت خودرو به صورت تمام‌الکتریکی را فراهم خواهد کرد.

مجموع توان سیستم هنوز مشخص نیست، اما مدل بنزینی فارستر در حال حاضر ۱۸۰ اسب بخار قدرت و ۱۷۸ پوند فوت گشتاور تولید می‌کند. به نظر می‌رسد فارستر هیبریدی با اضافه شدن موتور الکتریکی قدرت بیشتری خواهد داشت و شاید جایگزین مدل توربوشارژ فارستر XT شود که مدت‌ها از تولید آن گذشته است. با توجه به تیزر سوبارو برای فارستر هیبریدی، انتظار می‌رود که بازدهی و مصرف بهینه از اولویت‌های اصلی این خودرو باشد. همچنین، سیستم چهارچرخ محرک سوبارو همچنان در این مدل حفظ خواهد شد.

تمام جزئیات فارستر هیبریدی جدید به محض در دسترس قرار گرفتن منتشر خواهند شد.

چهارچرخ

ب.ام.و i۴ eDrive۴۰ ۲۰۲۵: خودروی برقی لذت‌بخش برای رانندگان

ب.ام.و i۴ eDrive۴۰ گرن کوپه ۲۰۲۵ یکی از مدل‌های برقی جدید این برند است که به‌طور ویژه برای علاقه‌مندان به رانندگی ساخته شده است. این خودرو ترکیبی از شتاب سریع، هندلینگ لذت‌بخش و طراحی جذاب را به نمایش می‌گذارد. با موتور تک‌محور عقب و دیفرانسیل عقب، i۴ eDrive۴۰ تجربه رانندگی منحصر به فردی را برای کسانی که به دنبال خودرویی اسپرت هستند، فراهم می‌آورد. شتاب صفر تا ۶۰ آن تنها ۴/۹ ثانیه است که عملکردی قابل توجه برای خودرویی در این رده به شمار می‌آید. این شتاب سریع به‌طور مداوم در آزمایش‌ها تکرار می‌شود که نشان‌دهنده قدرت خطی و نرم موتور است.

سیستم تعلیق M تطبیقی و فرمان ورزشی متغیر به این خودرو چابکی و کنترل بهتری در شرایط مختلف رانندگی می‌دهد. این ترکیب، i۴ را به انتخابی ایده‌آل برای رانندگانی تبدیل می‌کند که به دنبال تجربه رانندگی هیجان‌انگیز هستند. علاوه بر این، سیستم ترمز بازسازی‌شده در i۴ عملکرد فوق‌العاده‌ای دارد و با حساسیت بالا در ترمزگیری و توزیع وزن ۵۴/۴۶ درصدی، این خودرو در مسیرهای پیچ‌درپیچ و تست‌های عملکردی ثابت کرده است. در استفاده روزمره، i۴ راحتی زیادی را برای راننده فراهم می‌کند. سیستم ترمز بازسازی‌شده و قابلیت رانندگی با پدال واحد در ترافیک شهری، تجربه‌ای نرم و راحت را به ارمغان می‌آورد. سیستم تعلیق نرم این خودرو به‌خوبی ناصافی‌های جاده را جذب می‌کند و تجربه رانندگی را راحت‌تر می‌کند.

در زمینه سیستم‌های کمکی راننده، ب.ام.و i۴ eDrive۴۰ گرن کوپه ۲۰۲۵ با سیستم‌های پیشرفته‌ای همچون کنترل خودکار فاصله، حفظ خطوط، تشخیص علائم راهنمایی و رانندگی و سیستم ترمز اضطراری اتوماتیک، تجربه‌ای ایمن و راحت را فراهم می‌کند. این خودرو همچنین به سیستم‌های پارک خودکار و نمایش ۳۶۰ درجه مجهز است که به رانندگان در هنگام پارک کمک می‌کند. ب.ام.و i۴ eDrive۴۰ گرن کوپه ۲۰۲۵ با قیمت پایه ۵۹/۰۷۵ دلار عرضه می‌شود و مدل آزمایش‌شده با تمام آپشن‌ها و پکیج‌ها قیمت ۶۶/۹۷۵ دلار دارد. در مقایسه با تسلا مدل ۳ که گزینه‌ای ارزان‌تر است، این خودرو برای کسانی که به دنبال خودرویی با شخصیت بیشتر و تجربه رانندگی لذت‌بخش‌تر هستند، مناسب است. با برد ۲۹۵ مایل و قابلیت شارژ سریع، این خودرو پاسخگوی نیازهای روزمره و سفرهای طولانی خواهد بود.

وب‌گردی

آستین مینی: خودروی محبوب مستربین که تاریخ خودروسازی را تغییر داد

آستین مینی، خودرویی که شاید اولین چیزی که به ذهن بسیاری از افراد می‌آید، شخصیت کمدی و بامزه مستربین باشد، تنها یک ماشین ساده نیست. این خودرو که در دهه ۱۹۶۰ به دنیای خودروها معرفی شد، نه‌تنها با طراحی نوآورانه‌اش یک انقلاب در صنعت خودروسازی ایجاد کرد، بلکه به یک نماد فرهنگی جهانی تبدیل شد.

مینی با ابعاد کوچک و طراحی شیک و کارآمد خود، به سرعت توانست جایگاه ویژه‌ای در دل رانندگان شهری پیدا کند. اما چیزی که این خودروی کوچک را به یک افسانه تبدیل کرد، حضور آن در دنیای سرگرمی بود. مستربین، شخصیت محبوب تلویزیونی، به لطف حضور در پشت فرمان مینی، آن را به خودرویی شناخته‌شده در سراسر جهان تبدیل کرد. حرکات کمدی و شیطنت‌های این شخصیت در کنار این خودروی جذاب، به گونه‌ای عجیب و به یاد ماندنی در اذهان عمومی حک شد.

مینی علاوه بر ظاهر فریبنده‌اش، در زیر کاپوت خود یک موتور چهار سیلندر پرقدرت و کم‌حجم داشت که به آن قدرت مانور بالا و سرعت مناسب می‌بخشید. این ویژگی‌ها باعث می‌شد که آستین مینی به گزینه‌ای عالی برای زندگی در شهرهای شلوغ با خیابان‌های باریک تبدیل شود. همچنین سیستم تعلیق پیشرفته این خودرو احساس راحتی خاصی را در سفرهای کوتاه‌مدت ایجاد می‌کرد.

این خودرو نه‌تنها در بریتانیا بلکه در سراسر جهان تبدیل به نمادی از فرهنگ و سبک زندگی شهری شد. با معرفی آستین مینی در سریال مستربین، این خودرو به یکی از برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کلاسیک‌های تاریخ خودروسازی بدل شد. در ایران نیز، مدل‌های مختلفی از مینی تحت عنوان مینی مایلر به تولید رسیدند که به دلیل محبوبیت زیاد در آن زمان، به یکی از خودروی‌های نمادین و کلاسیک کشور تبدیل شدند. امروزه آستین مینی نه‌تنها یک خودروی کلاسیک جذاب، بلکه یک اثر هنری و فرهنگی است که علاقه‌مندان به خودروهای کلاسیک و طرفداران مستر بین همچنان به آن عشق می‌ورزند. به عنوان یک محقق دنیای خودرو، می‌توانم بگویم که آستین مینی به واقع یک جواهر تاریخی است که همچنان در دنیای خودروسازی می‌درخشد. همچنین، این خودرو هنوز هم در دنیای خودروهای کلاسیک و جمع‌آوری آن‌ها به عنوان یک سرمایه باارزش شناخته می‌شود.

بی ستون

پیامکی که به قصد شکستن دل مخاطب ارسال می‌شود

آبان فرزیان | نوی دوره‌ای زندگی می‌کنیم که ادم رسما نمی‌تواند به خلوت پاک و معصومانه خودش اعتماد کند. حتما برای شما هم پیش آمده که با دوستان و خانواده سرگرم صحبت درباره چیزی بودید و بد گوگل بدکاره تبلیغ خرید همان چیز را برای برایتان ارسال کرده است.

شاید باور نکنید ولی من چند مورد سراغ دارم که فقط به خرید چیزی فکر کرده‌ام و گوگل همان کار را برایم انجام داده است. حالا فکر کنید بعضی‌ها در چنین وضعیتی هنوز کلی پول برای ارسال پیامک فلانه‌ای به شماره‌های بی‌ربط پرداخت می‌کنند.

اپلیکیشن شاد یک مثال درست و آموزنده است. شنبه همین هفته برایم پیامک فرستاده‌اند با این متن: «دانش‌آموز عزیز! تا ۱۰ دی فرصت داری برای مادر مهربانت بنویسی و به فلان شماره پیامک کنی تا در پویش همیشه رفیق شرکت کنی. شاد، اپلیکیشن بچه مدرسه‌ای‌ها برای برگزاری کلاس‌های آنلاین و آموزش مجازی است.

نهایتا در مقابل شماره والدین بچه‌هامحصل‌ها را هم داشته باشد و گیگاهی برایشان اطلاع‌رسانی انجام دهد اما اینکه سر سامانه پیامکی را به هر طرفی بگیری و SMS تبلیغاتی برای کشیدن تقاضی بفرستی واقعا اشتباه بزرگی است. من تقریبا ۲۰ سال پیش از فضای مدرسه و نقاشی کشیدن دور شده‌ام و دورویم هیچ بچه‌ای نیست که بخواهم به واسطه ارسال پیامک مشتاق حضور در پویش سامانه شاد شوم.

به نظرم اینکه شر کرونا از سر چهان هستی کم شده و ترافیک اپلیکیشن پایین آمده، نباید باعث شود مالکان شاد در تبلیغات خود مرتکب شلختگی شوند. اصلا کار بابای پول و بودجه، اگر پیامکتان چرخید و خیلی اتفاقی افتاد توی اغوش کسی که مادرش را از دست داده، چطور می‌خواهید جواب خدا را بدهید؟

مشابه این اشتباه را یک سایت معروف فروش اینترنتی لباس، دو سال پیش در روز بچه انجام داد. مثلا پیش خودشان فکر کرده بودند، بامزه می‌شود اگر با نوشتن متنی تعاملی از مخاطبان خود بخواهند بهترین هدیه روز پدر را روی سایتشان پیدا کنند. پیامک برای گروه کثیری ارسال شد و خب بعضی مخاطبان به اثر جریر روزگار از سعادت داشتن پدر محروم شده بودند.

ان پیامک تبلیغاتی حتی اگر یک نفر را تا آخر عمر از سایت و فروشگاه منزجر کرده باشد، نویسندگانش باخت بزرگی داده‌اند. پیش خودمان بمانند؛ سایت معروفی که درباره‌اش حرف می‌زنم یدطولایی در گاف‌های تبلیغاتی دارد.

یک مرتبه تصمیم گرفتم تلفن را بردارم و ازشان شکایت کنم. کسی که تلفن را جواب داد، خیلی جدی منکر همه چیز شد و گفت برای نوشتن، ارسال و به طور کلی اجرای کمپین‌های تبلیغاتی‌شان کلی فکر می‌کنند تا یک وقت خدای نکرده اسیم نشوند. بعد صدایش را پایین آورد و برای اینکه ثابت کند در کارشان تخصص دارند، گفت مثلا پیامک‌های تخفیف لوازم آرایشی را فقط برای خریداران قبلی ارسال می‌کنیم. جلوی خنده‌ام را به‌سختی گرفتم و بهشان گفتم مشکل همین اعتماد به‌نفس زیاد است چون خود من یکبار با شماره همسرم از اینها لوازم ارایشی خریده بودم و از ان به بعد تمام پیامک‌ها تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی تخفیف‌ها برای ان بنده خدای از همه‌جا بی‌خبر می‌رفت.

گاهی وقت‌ها آدم دلش می‌خواهد سرش را از دست این میزان اعتماد به‌نفس بکوبد توی دیوار. باورتان می‌شود بعضی‌ها هنوز نمی‌دانند ایان اسم مرد است یا زن؟ احتمالا به همین دلیل گاهی پیامک فروش محصولات ویژه اقایان دریافت می‌کنم که خوب به خاطر نوع کارشان نباید بهشان خرده گرفت. در عوض از پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ انتظار ندارم پیامک دعوت به استفاده از کلاه ایمنی و رعایت قوانین و مقررات رانندگی را برایم ارسال کند و بالای پیامک بنویسد: موتورسوار عزیز!

چه موتوری و کدام موتورسوار؟ شما خودتان حاضر نیستید به ما گواهینامه بدهید ضمن اینکه قسم می‌خورم در زندگی‌ام تا حالا سوار موتور نشده‌ام چون مثل سگ از آن وحشت دارم. پیامک دیگری که به نظرم جز عذاب دادن سرمایه یک کسب‌وکار و تراشیدن اعصاب مخاطب دستاوردی ندارد، پیامک‌های اسنپ‌دود است.

پیامک‌هامعمولا پس از ثبت سفارش و پرداخت الکترونیکی برای مشتریان ارسال می‌شود و با لحنی لوس و مصنوعی به انها می‌گوید: می‌دونستی سفارشت از رستوران فلان می‌تونست ۲ هزار و ۵۰۰ تومان تخفیف بیشتر داشته باشه اگر ۱۰۰ هزار تومان به من می‌دادی تا اشتراک اسنپ پرو برات فعال کنم؟ نمی‌دانم چند نفر تا الان با خواندن این پیامک آب از لب‌ولوچه‌شان اویزان شده و مجاب شده‌اند اشتراک اسنپ پرو بخرند ولی اگر هر چه زودتر به من یکی یاد ندهند چطوری گزینه انصراف از دریافت پیامک را فعال کنم، قول می‌دهم عن‌قریب دستم را بگذارم روی خود اپلیکیشن اسنپ‌دود و دکمه ضربدر کنار ان را بزنم. والا! دم که اعصابش را از سر راه نیاورده.

یک معامله برد-برد برای فروشندگان مسکن

معاوضه خانه با خانه، ماشین و زمین سنددار رونق گرفته است

گروه بازار | معامله خانه در فصل سرد معمولا کاهش پیدا می‌کند. علاوه بر آن با بالا رفتن قیمت ملک، از تعداد خرید و فروش خانه‌ها کاسته شده و از آنجایی که بسیاری از افراد به دلایل مختلف مایلند خانه‌هایشان را هر طور شده بفروشند، تهاتر رونق پیدا کرده است. این یعنی تعداد مالکانی که حاضرند خانه‌هایشان را با ملک دیگر، ماشین یا زمین عوض کنند اصلا کم نیست و روزبه‌روز به تعداد آگهی‌هایی که برای تهاتر وجود دارند، اضافه می‌شود. بیشتر واحدهایی که این روزها برای تهاتر آگهی شده‌اند در شمال یا غرب یا نخبت قرار دارند. این واحدها معمولا وسعتشان زیاد بوده و گران هستند و پیدا کردن مشتری دست به نقد برایشان مشکل است.

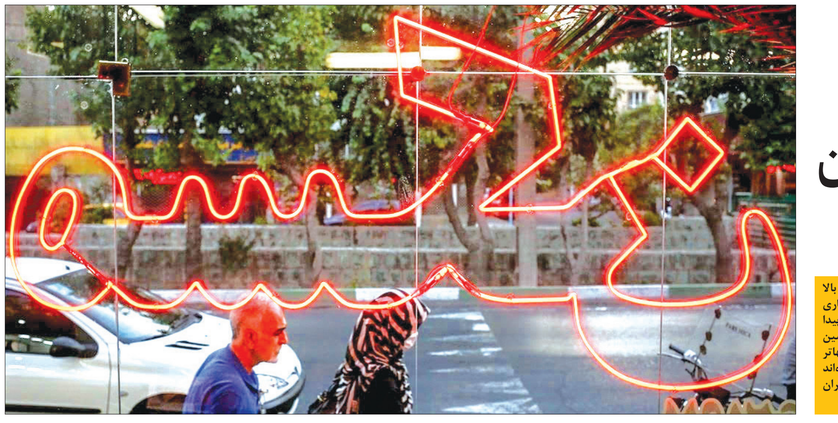

۱ـ مالکی که خانه ۱۳۸ متری خود را در بریانک برای فروش گذاشته و قیمت ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان را برای آن در نظر گرفته است، می‌گوید حاضر است آن را با واحدی کوچک‌تر، مثلا هفتادمتری در محله‌های غرب تهران تهاتر کند. او روی محله‌هایی مانند یونک و سردارجنگل فکوس کرده است. خانه‌ای که او می‌خواهد آن را تهاتر کند ساخت سال ۱۴۰۱ و از ۵۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد و از اسانسور، انباری و پارکینگ برخوردار است.

۲ـ در خیابان قیطریه واحدی ۲۳۶ متری قرار دارد که به قیمت ۵۲ میلیارد تومان فروخته می‌شود. ساختمان در سال ۱۴۰۳ ساخته شده و واحدی که برای فروش گذاشته‌اند سه خوابه است و هر متر ۲۲۰ میلیون و ۲۳۸ هزار تومان ارزش دارد. مالک می‌گوید آماده است تا خانه را با واحدی کوچک‌تر در شمال شهر تهاتر کند. او می‌گوید واحدهای نوساز را مدنظر دارد که در ساختمان‌های لوکس و پراملاکات قرار گرفته باشند. اینطور که از آگهی خانه با بالکس بزرگ و قابل چیدمان و اتاقی برای تماشای تلویزیون و پنجره‌های تمام‌قد بر می‌آید، مالک مایل است هرچه سریع‌تر خانه‌اش را بفروشد و زمان زیادی برای تلف کردن ندارد.

۳ـ قیمت یک خانه ۶۰ متری در پونک که سال ۱۳۸۸ ساخته شده و یک خوابه است و در طبقه اول قرار گرفته، متری ۱۰۱ میلیون و ۶۶۶ هزار تومان است و برای خرید آن باید شش میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان پول داشته باشید. این واحد به‌تازگی بازسازی شده و نور خوبی دارد و دسترسی آن به مراکز درمانی و خرید آسان توصیف شده است. مالک می‌گوید حاضر است این خانه را ملکی با وسعت مشابه در مرکز شهر تهاتر کند و ترجیح می‌دهد آن خانه با نوسازتر بوده یا بازسازی در آن صورت گرفته باشد.

۴ـ یک ساختمان پنج طبقه در دیباجی جنوبی به کل برای تهاتر گذاشته شده است و مالک می‌گوید حاضر است آن را با خانه‌ای کلنگی تهاتر کند. این ساختمان هم‌اکنون ۲۰۰ متری و دوخوابه بوده و اسانسور، انباری و پارکینگ دارد و دسترسی‌اش هم به مراکز خرید و درمانی در شمال شهر تهران آسان است. البته مالک حاضر است این ملک را تنها با خانه‌ای با خانه کلنگی بسیار بزرگ در هر همان حوالی دیباجی و نیلوران و ... تهاتر کند.

۵ـ قیمت واحدی ۲۰۸ متری و ساخت سال ۱۴۰۳ که سه اتاق خواب دارد و در خیابان شهران جنوبی واقع شده، ۲۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است. این خانه در طبقه سوم ساختمانی پنج طبقه قرار گرفته و سال ۱۴۰۳ ساخته شده است. این خانه اسانسور، پارکینگ و انباری دارد و از پنجره‌های قدی و بالکن قابل چیدمان برخوردار است.

مالک نوشته است که حاضر است آن را با ملکی از تهاتر آگهی شده، سه‌خوابه و ۲۹۸ متری و نوساز است و در خیابان دروس قرار گرفته است و امکانات هتلینگ دارد. بسرای خرید چنین خانه‌ای ۹۴ میلیارد تومان پول نیاز است. ملک در طبقه سوم قرار گرفته و دارای پارکینگ و انباری و اسانسور بوده و اشپزخانه‌اش فرنیش از برندهای آلمانی است. پنجره‌های بلند، متریال اروپایی، حیاط پردرخت و پرگل و سیستم هوشمند ساختمان در کنار دو تراس وسیع، سه‌خوابه است با قیمت ۴۰ میلیارد تومان فروخته می‌شود و در واقع هر متر از آن ۱۹۲ میلیون و ۳۰۷ هزار تومان قیمت گذاری شده است.

۶ـ قیمت واحدی ۲۰۸ متری و ساخت سال ۱۴۰۳ که سه اتاق خواب دارد و در خیابان شهران جنوبی واقع شده، ۲۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است. این خانه در طبقه سوم ساختمانی پنج طبقه قرار گرفته و سال ۱۴۰۳ ساخته شده است. این خانه اسانسور، پارکینگ و انباری دارد و از پنجره‌های قدی و بالکن قابل چیدمان برخوردار است.

۷ـ یکی دیگر از خانه‌های لوکسی که برای تهاتر آگهی شده، سه‌خوابه و ۲۹۸ متری و نوساز است و در خیابان دروس قرار گرفته است و امکانات هتلینگ دارد. بسرای خرید چنین خانه‌ای ۹۴ میلیارد تومان پول نیاز است. ملک در طبقه سوم قرار گرفته و دارای پارکینگ و انباری و اسانسور بوده و اشپزخانه‌اش فرنیش از برندهای آلمانی است. پنجره‌های بلند، متریال اروپایی، حیاط پردرخت و پرگل و سیستم هوشمند ساختمان در کنار دو تراس وسیع، خرید برنده مشک وعنبر و شکوفه پر تقال

ترکیب برنده مشک وعنبر و شکوفه پر تقال

هفت عطر زنانه پرفروش سال ۲۰۲۴ در ایران با چه قیمت‌هایی فروخته می‌شوند

در بازار جهانی و در سالی که گذشت بیشترین طرفدار را داشته‌اند و اینکه این عطرها اگر اصلش در ایران پیدا شود با چه قیمت‌هایی به فروش می‌رسند.

۱ YSL Libre Intense

این عطر که توسط برند معروف ایوسن لورن فرانسوی در پاییز سال ۲۰۲۰ تولید شد، خیلی زود توانست جای خودش را به‌عنوان یک عطر پرفروش در بسازار میان پرفیوم‌های زنانه باز کند. اما عمده فروش‌اش این عطر به یک سال گذشته بر می‌گردد که بیشتر بلاگرهای معروف در رسانه‌های اجتماعی این عطر را به‌خود مورد علاقه خود معرفی کردند. این عطر با نت ابتدایی نارنگی و ترنج و اسطوخودوس به نت میانی یاس و شکوفه پرتقال می‌رسد و با رایحه پایانی وانیل و عنبر اوج می‌گیرد. دوا لیپا خواننده معروف سفیر این عطر است. در حال حاضر متوسط قیمت این عطر در فروشگاه‌ها بین ۱۱ میلیون و ۸۰۰هزار تومان تا ۱۴ میلیون تومان است.

۲ Prada Paradoxe

پرادا پاراداوکس، از زمان عرضه یعنی ۳ سال پیش شروعی طوفانی داشته و هنوز سر و صدای این طوفان نخوابیده است. این عطر با رایحه‌ای از گل کهربا با نت‌های ترنج، شکوفه پرتقال، یاس و عنبر ترکیب شگفت‌انگیزی را خلق کرده است. پاراداوکس به عطر زنان قوی معروف است. شیشه ۹۰ میلی این عطر با قیمت ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تا ۱۱ میلیون تومان فروخته می‌شود.

۳ de Marly Delina Exclusif

عطری مجلل و خاص و پر از ظرافت و زنانگی. این عطر با نت بر تر گل رز تر کی، زنبق و گل صد تومانی ساخته شده و به یکی از پرطرفدارترین عطرهای سال تبدیل شده است. قیمت شیشه ۳۰میلی این عطر ۱۴۴ دلار و شیشه ۷۵میلی آن ۵۲۵دلار قیمت دارد. در ایران اگر بتوانید شیشه ۷۵ میلی متوسط قیمت این عطر در فروشگاه‌ها بین ۱۱میلیون و ۸۰۰هزار تومان تا ۱۴ میلیون تومان است.

۴ Valentino

Valentino یک عطر مناسب برای تعطیلات است، با آکوردهای تازه و در عین حال شیرین که روی پوست باقی می‌ماند. این عطر با رایحه گلی و میوه‌ای به‌سرعت به رایحه‌ای خاص برای طرفداران بوی خنک و گلی در بهار و تابستان تبدیل شده است. نت پرانژری کیوی در مرکز این عطر قرار دارد و ترکیب بی‌نظیری با رایحه یاس، گل رز و مشک دارد. قیمت شیشه ۵۰ ـ ۱۰۰ میل این عطر بین ۱۰۸ تا ۱۷۷ دلار است. در ایران برای خرید این عطر باید بین ۹ تا ۱۲ میلیون تومان هزینه کنید.

۵ YSL Black Opium

یک این عطر کلاسیک سال ۲۰۱۴ تولید شده، اما بعد ۱۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان هزینه کنید. هر متر از چنین واحدی ۱۳۴ میلیون و ۳۱۳ هزار تومان قیمت گذاری شده است. واحدی که حرفش را می‌زنیم در طبقه پنجم از ساختمانی شش طبقه قرار گرفته و دارای اسانسور، انباری و پارکینگ است و از نور زیادی دارد و در بالکنش می‌توانید وسایل بچینید. مالک این خانه که آن را یک واحد استثنایی در سعادت‌آباد می‌داند، گفته است که اگر مشتری برای ملکش پیدا نشود، حاضر به تهاتر خواهد شد اما نگفته برای تهاتر چه شرایطی دارد.

۷ـ یکی دیگر از خانه‌های لوکسی که برای تهاتر آگهی شده، سه‌خوابه و ۲۹۸ متری و نوساز است و در خیابان دروس قرار گرفته است و امکانات هتلینگ دارد. بسرای خرید چنین خانه‌ای ۹۴ میلیارد تومان پول نیاز است. ملک در طبقه سوم قرار گرفته و دارای پارکینگ و انباری و اسانسور بوده و اشپزخانه‌اش فرنیش از برندهای آلمانی است. پنجره‌های بلند، متریال اروپایی، حیاط پردرخت و پرگل و سیستم هوشمند ساختمان در کنار دو تراس وسیع، سه‌خوابه است با قیمت ۴۰ میلیارد تومان فروخته می‌شود و در واقع هر متر از آن ۱۹۲ میلیون و ۳۰۷ هزار تومان قیمت گذاری شده است. این خانه در طبقه چهارم از ساختمانی پنج طبقه قرار گرفته و دارای اسانسور، انباری و پارکینگ است و تازه بازسازی شده و پنجره‌های بلند و نور زیادی دارد و در بالکنش می‌توانید وسایل بچینید. مالک این خانه که آن را یک واحد استثنایی در سعادت‌آباد می‌داند، گفته است که اگر مشتری برای ملکش پیدا نشود، حاضر به تهاتر خواهد شد اما نگفته برای تهاتر چه شرایطی دارد.

۱۱ـ اگر دنبال واحدی ۶۵ متری در خیابان سازمان برنامه باشید، یک گزینه ۶۵ متری و یک‌خوابه در طبقه چهارم ساختمانی پنج طبقه قرار دارد که با قیمت هفت میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروش می‌رود. این خانه دارای آسانسور و انباری و پارکینگ بوده و پرنور است و به صورت مینیمال بازسازی شده که آن را تبدیل به گزینه‌ای جالب توجه کرده است. بد نیست بدانید هر متر از چنین خانه‌ای ۱۱۵ میلیون و ۳۸۴ هزار تومان قیمت دارد. مالک گفته اگر مشتری دست به نقد پیدا نشود، حاضر است این ملک را با خانه دیگری که همین سن‌وسال را داشته باشد و متراژش هم بین ۶۰ تا ۷۰ متر باشد تهاتر کند.

۱۲ـ در خیابان یوسف‌اباد واحدی ۱۰۸ متری و شش سال ساخت و دوخوابه برای فروش گذاشته شده است که هر مترش ۱۵۷ میلیون و ۴۰۷ هـزار تومان قیمت دارد. این خانه در طبقه سوم ساختمانی شش طبقه قرار گرفته و دارای آسانسور، انباری و پارکینگ است و از نور خوبی برخوردار شده. در توضیحات آگهی نوشته شده که آنها حاضرند چنین ملکی را با خانه‌های کوچک‌تر تهاتر کنند و البته مابقی پول را نقدی بگیرند.

۱۳ـ شما برای اینکه بتوانید در خیابان پاسداران واحد ۱۲۳ متری و سه‌خوابه بخرید که سال ۱۳۹۶ ساخته شده و فول‌امکانات است به ۱۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان پول نیاز خواهید داشت. این خانه در طبقه سوم قرار گرفته و سه پارکینگ و دو بالکن دارد و موقعیت مکانی‌اش هم قابل توجه است. مالک البته نوشته است که ساختمان در بهترین فرعی محله پاسداران واقع شده و البته می‌تواند به جای دریافت نقدی پول آن را با واحدی کوچک‌تر و نوساز معاوضه یا به عبارتی تهاتر کند.

۱۴ـ در آگهی یک خانه ۱۵۰ متری و نوساز در محله امام‌زاده قاسم آمده است که قیمت آن ۳۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بوده و هر مترش ۲۶۳ میلیون و ۳۳۳ هزار تومان فروخته می‌شود. این خانه در طبقه سوم ساختمانی پنج طبقه قرار گرفته و دارای آسانسور، انباری و پارکینگ است و روف‌گاردن و سه‌اتاق‌خواب دارد. یکی از اتاق‌خواب‌های این خانه مستر بوده و نور زیاد و تراس بزرگ از دیگر مزایای چنین خانه‌هایی است‌می‌شود. در توضیحات آگهی نوشته شده است که شما می‌توانید ۵۰ درصد مبلغ چنین خانه‌ای را تهاتر کرده و به جای پول نقد، آپارتمان، باغ سنددار یا زمین سنددار سال به سال به تعداد طرفداران این عطر اضافه شده است. ماندگاری این عطر مدیون ترکیب برنده وانیل و عنبر و شروع طوفانی رایحه قهوه است. این عطری است که می‌توان آن را در تمام طول سال استفاده کرد، اما به نظر می‌رسد که برای ماه‌ها و شب‌های سردتر مناسب‌تر است. برای خرید یک شیشه ۹۰میلی از این عطر باید بین ۱۰میلیون تومان تا ۱۲میلیون تومان هزینه کنید.

۶ Giorgio Armani My Way

با اینکه این عطر در مقام ششم قرار دارد اما خیلی‌ها این عطـر را محبوب‌ترین عطر زنان در سال ۲۰۲۴معرفی می‌کنند. عطری با ماندگاری طولانی از جورجیو آرمانی زنان. ۲۰ ساله تا بالای ۴۰ سال هم عاشق آن هستند. این عطر با نت‌های ابتدایی از ترنج، شکوفه پرتقال گل سرخ و یاس بـه بوی گرم چوب سـدر و وانیل می‌رسـد. این عطر سال ۲۰۲۰ به بازار عرضه شـده، اما همچنان جزو پرفروش‌ترین عطرهای بازار اسـت. اگر شیشه ۹۰میلی اورجینال آن را پیدا کنید باید به طور میانگین بین هشت میلیون و ۹۰۰هزار تومان تا ۱۰میلیون و ۵۰۰هزار تومان بپردازید.

۷ Carolina Herrera Good Girl Blush

عطر گود گرل اصلی مشتریان زیادی پیدا کرد و همیشه یکی از پرفروش‌ترین عطرهای بازار بود. اما در سال گذشته برند معروف می‌زند. این عطر از رژگونه پودری الهام گرفته و با شیشه‌ای به شکل کفش صورتی به بازار عرضه شده. نت‌های برجسته این عطر شامل گل، صد تومانی، پلانگ پلانگ و کلاب می‌شود.

شیشه ۸۰میلی این عطر در بازار جهانی ۱۱۵دلار قیمت دارد. با این اوصاف اگر بتوانید اورجینال این عطر را پیدا کنید باید بین ۹میلیون تومان تا ۱۲میلیون و ۵۰۰هزار تومان برای خرید آن هزینه کنید.

تجربه بازار

قیمت زنجیر چرخ خودرو

فصل زمستان است و تردد در جاده‌ها به‌خصوص در خارج از شهر باید با وسایل ایمنی متناسب با فصل انجام شود، چون همراه نداشتن این وسایل به غیر از خطرناک بودن و گیر کردن در جاده‌های برفی و لیز خوردن و خطر تصادف، جریمه هـم دارد و باید حداقل ۹۰ هزار تومـان جریمه بپردازید. یکی از مهم‌ترین وسـایلی که در فصل زمستان همراه داشته باشـید زنجیرچرخ خودروست. بررسی بازار لوازم یدکی خودرو نشـان می‌دهد، قیمـت زنجیرچرخ بر اسـاس کیفیت دارای تنوع زیادی اسـت اما به طور کلی از ۶۰۰ هزار تومان شروع و به ۳ میلیون تومان می‌رسد. البته این قیمت‌ها مخصوص خودروهای ایرانی اسـت و گرنه کسـانی که ماشـین‌های گران‌قیمت دارند باید بین ۱ تا ۱۵ میلیون تومان برای خرید زنجیرچرخ هزینه کنند. کسانی که دنبال زنجیرچرخ سـاده یا پیشکش هسـتند باید بین ۶۰۰هزار تومان تا ۸۵۰هـزار تومان بپردازند. کسـانی که خودروی پراید دارند برای خرید دو عدد زنجیرچرخ پیشکش دار باید بین ۱۵ هزار تومان تا ۸۰۰هزار تومان هزینه کنند. همین مدل زنجیرچرخ ساده مجهز به پیشکش برای خودرو پژو با قیمت ۷۶۰هزار تومان تا ۸۵۰هزار تومان فروخته می‌شود. پیت‌کوین که وجود آمده بودند و فکر می‌کردند این صعود همچنان ادامه دارد حالا یکسری نمودار قرمز روبه‌روی خود می‌بینند. پیت‌کوین با نماد اختصاری BTC با ارزش بازار حدود ۱/۸۵ ترلیون دلار، در رتبه اول بازار کریپتو قرار دارد. بالاترین قیمت پیت کوین بعد ۲۸ آذر سال جاری ثبت شد که هر واحد از این ارز با قیمت ۱۰۶ هزار و ۱۴۵ دلار معامله می‌شد.

ژنجیرچرخ شـش عددی باید بین یک میلیون و ۴۰۰هزار تومان تا یک میلیون و ۶۰۰هزار تومان بپردازند. یکسری ژنجیرچرخ زاله‌ای با پلیمری هم در بازار وجود دارد که قیمت این مدل از نوع کلاسیک و قدیمی ژنجیرچرخ خیلی بالاتر است. این ژنجیرچرخ‌های زاله‌ای بسته به این که متعلق به چه برندی هسـتند با قیمت ۸۸۰هزار تومان تا سه میلیون و ۲۰۰هزار تومان به فروش می‌رسند. مثلا یک نوع از این مدل ژنجیرچرخ زاله‌ای که در بازار پیدا می‌شود و ساخت ترکیه است با قیمت ۸۸۰هزار تومان تا یک میلیون تومان به فروش می‌رسـد. ژنجیرچرخ تایو هم در بازار لـوازم یدکی موجود است که هیچ شباهتی به زنجیر ندارد، در واقع یک پارچه از جنس نایلوست که روی لاستیک را می‌پوشاند و از لیز خوردن لاستیک جلوگیری می‌کند. قیمت این مدل ژنجیرچرخ تایو بسته به اینکه برای چه ماشینی تولید شده متفاوت است.

مثلا برای خرید ژنجیر چرخ تایو بـرای انواع پراید باید بین یک میلیون و ۳۰۰هزار تومان تا یـک میلیون و ۵۰۰هزار تومان هزینه کنید. ژنجیر چرخ تایو برای خودرو پژو، شاهین و تارا با قیمت یک میلیون و ۷۰۰هزار تومان تا یک میلیون و ۹۰۰هزار تومان فروخته می‌شود. هر چه سایز لاستیک بالاتر باشـد قیمت این مدل ژنجیرهای تایو هم بالا می‌رود. مثلا کسـانی که پاترول دارند برای خرید یک جفت از این مدل ژنجیر باید بین دو میلیون و ۹۵۰هزار تومان تا سه میلیون و ۲۰۰هزار تومان بپردازند.

کم‌صدا و مناسب برای خانواده‌های متوسط

مقایسه و بررسی سه ماشین لباسشویی که ظرفیت دیگ آنها هفت و هشت کیلویی است

ارزان‌ترین ماشین لباسشویی‌ها در بازار مدل‌های نیمه‌اتوماتیک هستند که برای خریدشان باید دست‌کم سه میلیون و ۹۰۰ هزار تومان هزینه کنید. قیمت مدل‌های اتوماتیک از ۱۴ میلیون تومان شروع می‌شـود. گران‌ترین گزینه‌ها را برند «گرین» تولید کرده که نزدیک به ۴۵ میلیون تومان قیمت دارند. در بین مدل‌های پرفروش برندهای چون پیوست، ایکس‌ویژن و جی‌پلاس دیده می‌شوند که قیمتشان بین ۱۵ تا ۲۵ میلیون تومان و ظرفیتشان هفت کیلوگرمی یا هشت کیلوگرمی است. این مدل‌ها به درد خانواده‌هایی با جمعیت متوسط می‌خورند و سروصدای زیادی هم ندارند.

۱ بست مدل 10-BWD-712

ماشین لباسشویی «بسـت» مدل 10-BWD-712 با طراحی ساده تولید شده است. در جلویی این دسـتگاه امکان ورود و خروج آسان لباس‌ها را فراهم می‌کند. ابعاد آن به‌گونه‌ای طراحی شده که در اشپزخانه‌ها و فضاهای محدود به‌خوبی جا می‌گیرد. در این دسـتگاه به سمت راسـت بازمی‌شود که دسترسی به داخل ماشین را راحت‌تر می‌کند و باعث می‌شود کاربری آن در بسیاری از محیط‌ها ساده‌تر باشد. ماشین لباسـشویی بسـت مدل 10-BWD-712 دارای ظرفیت دیگ هفت کیلوگرم بوده که برای خانواده‌های متوسـط مناسـب است. این ظرفیت به شما امکان می‌دهد تا حجم مناسـبی از لباس‌ها را در هر بار بشـوشو قرار دهید. برای خانواده‌های کمتر از پنج نفر، این ظرفیت پاسخگوی نیازهایشـان است. درحالی که برای خانواده‌های پرجمعیت‌تر ممکن اسـت ظرفیت‌های بالاتری را ترجیح دهند. این ماشین‌لباسـشویی همچنین دارای یک نمایشگر اسـت که وضعیت برنامه‌های شسـت‌وشو و زمان باقیمانده را به شما نشان می‌دهد. این نمایشگر به شما این امکان را می‌دهد که در هر لحظه از روند شسـت‌وشو مطلع شوید.

قیمت: ۱۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان

۲ ایکس‌ویژن مدل TG72-BW/BS

ماشین‌لباسـشویی «ایکس‌ویژن» مـدل TG72-BW/BS با ظرفیت هفت کیلوگرم یک ماشـین لباسـشویی بی‌صدا و بدون لرزش اسـت. این ماشین‌لباسـشویی می‌تواند جوابگوی تمامی نیازهای یک خانواده متوسط برای شسـت‌وشو لباس‌ها باشد. شرکت ایکس ویژن با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید توانسـته اسـت رتبه مصرف انرژی این محصول را به ++۸۰۰ برساند که بسیار اقتصادی و درعین‌حال قدرتمند عمل می‌کند. وجود برنامه‌های متنوع در ماشین‌لباسـشویی به شـما اجازه می‌دهد که برنامه شسـت‌وشو را متناسب با نوع و جنس لباس‌ها انتخاب کنید. ماشین‌لباسـشویی ایکس‌ویژن مدل TG72-BW/BS سرعت چرخش هزار و ۲۰۰ دور در دقیقه‌ای دارد. و با توجه به ۱۶ برنامه شسـت‌وشو این مدل می‌تواند یک دسـتگاه کاملا و مفید در خانه تبدیل شود. این مدل به سـینک‌های دارای درام کریستالی جهت مراقبت از الیاف لباس، امکان اضافه کردن لباس در هنگام شسـت‌وشـو برخوردار بوده و ارای برنامه شسـت‌وشوی خوداگر دراو و برنامه شسـت‌وشوی سریع ۱۵ دقیقه‌ای است.

قیمت: ۲۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان

بازارگردی

جدول قیمت طلا و ارز

۱	دلار آمریکا	۸۱ هزار و ۱۰	۸۱ هزار و ۴۷۰
۲	یورو	۸۴ هزار و ۵۱۰	۸۴ هزار و ۹۶۰
۳	درهم امارات	۲۲ هزار و ۳۱۶	۲۲ هزار و ۴۴۱
۴	لیر ترکیه	دو هزار و ۳۰۰	دو هزار و ۳۲۰
۵	سکه تمام جدید	۵۶ میلیون و ۳۲۰ هزار	۵۶ میلیون و ۹۳۰ هزار
۶	سکه تمام قدیم	۵۴ میلیون و ۴۶۰ هزار	۵۴ میلیون و ۷۲۰ هزار
۷	سکه نیم بهار	۳۱ میلیون و ۳۶۰ هزار	۳۱ میلیون و ۴۶۰ هزار
۸	سکه ربع بهار	۱۷ میلیون و ۸۲۰ هزار	۱۷ میلیون و ۹۹۰ هزار
۹	سکه گرمی	هشت میلیون و ۷۳۰ هزار	هشت میلیون و ۷۸۰ هزار
۱۰	طلای ۱۸ عیار	پنج میلیون و ۱۹۶ هزار و ۸۰۰	پنج میلیون و ۲۴۳ هزار

قیمت انواع تبلت‌ها

۱	شیاومی	Redmi Pad SE	۱۲ میلیون
۲	لنوو	TAB M7	چهار میلیون و ۸۹۰ هزار
۳	شیاومی	Pad 6	۱۸ میلیون و ۲۶۰ هزار
۴	اپل	iPad Air 5th generation	۲۹ میلیون و ۴۹۰ هزار
۵	اپل	iPad Pro 11 2022 WIFI	۴۵ میلیون و ۲۲۰ هزار
۶	اپل	iPad 2022 WIFI	۲۴ میلیون و ۱۹۰ هزار
۷	سامسونگ	Galaxy Tab S9 FE Plus	۳۹ میلیون و ۶۰ هزار
۸	سامسونگ	Galaxy Tab S6 Lite 2022	۲۴ میلیون و ۵۵۰ هزار
۹	سامسونگ	Galaxy Tab A7 Lite	۱۳ میلیون و ۴۰۰ هزار
۱۰	اپل	iPad Mini 6th Generation 2021	۲۶ میلیون و ۳۵۰ هزار

قیمت مایکروویوهای پرفروش

۱	هیلسنس	H20MOWS4	پنج میلیون و ۷۶۲ هزار
۲	جی‌پلاس	GMW – M425S	۱۱ میلیون و ۱۰۰ هزار
۳	پاناسونیک	ST266B	شش میلیون و ۵۸۰ هزار
۴	پاناسونیک	NN-ST34	میلیون و ۶۷۰ هزار
۵	دوو	MW8265SS	۱۴ میلیون و ۵۵۰ هزار
۶	مایدیا	EG142A5L	۱۲ میلیون و ۹۰۰ هزار
۷	شیاومی	MWBLXE1ACM	هشت میلیون و ۵۳۱ هزار
۸	مایدیا	EC142A5L	۱۴میلیون
۹	داتسیس	DTM-928	۱۴ میلیون و ۴۲۸ هزار
۱۰	میگل	GMW 342	۳۹ میلیون و ۹۰۰ هزار

قیمت‌های فوق حاصل بررسی خبرنگاران ما در صبح امروز در برخی مغازه‌های شهر بوده است (قیمت‌ها به تومان است)

اقتصاد به زبان ساده

از کشف ماینرهای غیرمجاز تا قیمت منطقی هر کیلو گوشت قرمز

مدیرعامل شرکت عمران پرند از پیشرفت فیزیکی ۹۵ درصدی ۶هزار واحد نهضت ملی مسکن این شهر خبر داد و تحویل آنها را منوط به تامین زیرساخت‌ها اعلام کرد. ارش صیادی درباره جدیدترین وضعیت پروژه‌های نهضت ملی مسکن، اعلام کرد: حدود ۳۲ هزار واحد نهضت ملی مسکن در شهر جدید پرند در حال ساخت است که پیشرفت‌های متفاوتی دارند. به‌عنوان نمونه در فاز ۷ میانگین پیشرفت ۵۰ درصدی رسیده است. همچنین ۵ هزار واحد نهضت ملی مسکن نیز دارای پیشرفت ۸۵ تا ۹۵ درصدی است. و با اعلام این‌که طی یک ماه آینده اولین مجموعه از واحدهای نهضت ملی مسکن قابل سکونت می‌شود، گفت که در صورت تامین خدمات زیربنایی می‌توانیم طی یک فرایند ۶ ماهه واحدهای مذکور را تا به

گردن شکستن چقدر دیه دارد؟

گزارش پرونده قضایی رای وحدت رویه دیوان عالی کشور در مورد دیه شکستگی هر یک از مهره‌های گردن

قضات دیوان عالی کشور در جلسه روز سه شنبه ۱۱ دی این نهاد در خصوص اختلاف نظر بین شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان چهارمحال و بختیاری و رای شعبه سوم همان دادگاه، در مورد دیه شکستگی هر یک از مهره‌های گردن رای وحدت رویه‌ای صادر کردند. این در حالی است که روز ۲۴ بهمن سال گذشته نیز رای وحدت رویه شماره ۸۴۳ در مورد شکستن یک یا چند مهره از ستون فقرات بر اثر رفتار واحد مرتکب صادر شده بود ولی هم‌چنان اختلافی بین محاکم دادگستری وجود داشت. به چه شکل؟

۱ در شهر بروجن، فردی به نام عبدالحسین با بی‌احتیاطی در امر رانندگی تصادفی می‌کند که منجر به قتل غیرعمدی دو نفر و نقص عضو و ایراد صدمه بدنی به دو نفر دیگر می‌شود.

دادگاه در روز ۱۲ مهر رای می‌دهد

«... دادگاه حکم به محکومیت متهم موصوف به پرداخت دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاء دم متوفی مرحوم مطابق گواهی حصر وراثت و همچنین حکم به محکومیت متهم موصوف به پرداخت ۱- دو درصد دیه کامل انسان بابت دو ناحیه جراحت حارته فرق سر ۲- یک دوم از دو شش هزارم دیه کامل انسان بابت جراحت حارصه بند انتهایی انگشت چهارم دست راست و ۳- یک دهم دیه کامل انسان بابت شکستگی ستون فقرات در نواحی مهره‌های دوازدهم سینه ای و اول کمری هر دو در بخش (تنه که بدون عیب التیام یافته است و ۴- نیم درصد دیه کامل انسان بابت ارش آسیب مختصر نسج نرم ناحیه شانه راست ظرف دو سال قمری در حق آقای امیر ... صادر و اعلام می‌نماید.»

از این رای تجدیدنظرخواهی می‌شود و دادگاه تجدیدنظر این حکم را تایید می‌کند.

۲ اما در پرونده دیگری باز هم فردی به نام روح‌الله با رانندگی بدون گواهینامه منجر به ایراد صدمه بدنی غیرعمدی شده است. دادگاه بدوی رای می‌دهد که دادگاه متهم را

«به پرداخت دو فقره یک صدم از یک سی ام از نصف دیه کامل از بابت بند اول و سه فقره یک صدم از نصف دیه کامل از بابت بند دوم و یک دهم دیه کامل از بابت بند سوم (گواهی پزشکی قانونی شکستگی ستون فقرات تجدید نظرخواه «در ناحیه اولین دومین و سومین مهره کمری (در بخش تنه) و دوازدهمین مهره پشتی (در بخش تنه) که به صورت مطلوب التیام یافته» می‌باشد و پرداخت مبلغ بیست میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می‌نماید.»

از این رای تجدیدنظرخواهی می‌شود و دادگاه تجدیدنظررای می‌دهد نظر به اینکه:

۱- حسب بند سوم نظریه پزشکی قانونی شکستگی ستون فقرات تجدید نظرخواه در ناحیه اولین دومین و سومین مهره کمری (در بخش تنه)و دوازدهمین مهره پشتی (در بخش تنه) که به صورت مطلوب التیام یافته می‌باشد.

۲- دادگاه بدوی در مورد کلیه شکستگی‌های ستون فقرات صرفاً یک فقره ده درصد دیه کامل تعیین کرده است حال آنکه:

اولا، اصل بر عدم تداخل دیات است.

ثانیاً، به لحاظ عدم احراز شرایط موضوع بند ب ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی (آسیب‌های متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود) مقررات موضوع مواد ۵۴۱ و ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی بر موضوع حاکم است و اصل تعدد دیات جاری است.

ثالثاً، تبصره ۱ ماده ۶۴۷ قانون فوق صرفاً در صدد تعریف ستون فقرات و تفکیک مهره‌های گردن و استخوان دنبالچه از مقررات مربوط به آن است و نافی اجرای مقررات مزبور نبوده و قواعد عام مزبور در کلیه صدمات اعضا و منافع جاری است.

میزان دیه بند سوم گواهی پزشکی قانونی به چهل درصد دیه کامل بابت شکستگی چهار مهره از ستون فقرات و میزان دیه بند اول گواهی پزشکی قانونی به دو سه هزارم دیه کامل بابت ساییدگی حارصه خلف بند اول انگشت دوم و سوم اصلاح می‌شود.

به این ترتیب شعب سوم و پنجم دادگاه تجدید نظر استان چهارمحال و بختیاری در خصوص تعیین دیه در مورد شکستگی مهره‌های ستون فقرات با استنباط مختلف از بند ت ماده ۶۴۷ و تبصره آن آراء متفاوت صادر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که

- شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان چهارمحال و بختیاری عقیده به تعیین ده درصد دیه کامل برای شکستن چند داشته است اما
- شعبه پنجم دادگاه تجدید نظر استان چهار محال و بختیاری برای شکستن هر یک از مهره های ستون مهره فقرات ده درصد دیه کامل تعیین کرده است.

در این میان از رهبری نیز یک استفتا شده و نظر ایشان که آذر ۱۴۰۳ اعلام شده این بوده که

«در مواردی که عرفاً طبق نظریه پزشکی قانونی شکستگی و جنایت متعدد محسوب شود هر یک دیه جداگانه دارد خواه با یک ضربه باشد یا چند ضربه»

در نهایت رای دیوان عالی کشور این می‌شود که «دیه شکستگی هر یک از مهره های گردن هرچند بر اثر یک ضربه باشد، یک دهم دیه کامل است.»

نکته

آنچه باید از قانون ساماندهی بازار زمین ومسکن و اجاره‌بها بدانیم

درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۰۸

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

یکی دیگر از قوانین جدید مرتبط با دعاوی ملکی، قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بهاست. این قانون موجب تغییراتی در گستره حاکمیت قانون اجاره سال ۱۳۷۶ شده است که از این حیث به بررسی آن می‌پردازیم. البته باید تاکید کرد که قانون اجاره ۱۳۷۶ کماکان حکم است لیکن تغییراتی در آن رخ داده است که می‌توان گفت دارای اهمیت است.

پیش از هر مطلبی باید بدانیم که قراردادهای اجاره مسکونی پیش از این قانون مشمول قانون زمان انعقاد خود هستند و نه قانون جدید.

نکته دوم این است که به موجب این قانون هرگونه انتقال و واگذاری درحکم قرارداد اجاره است بنابراین آثار عقد اجاره برآن بار می‌شود. به بیان ساده‌تر اگر شما منفعت مالی را به دیگری حتی در قالب عقود دیگر چون صلح واگذار کنید اجاره محقق شده است.

حال این تغییر چه آثاری دارد؟ با توجه به اینکه قانون اجاره سال ۱۳۷۶ دستور تخلیه را با امضای دو شاهد وتنظیم اجاره‌نامه امکان‌پذیر دانسته؛ به موجب قانون جدید، دیگر حتی در صورتی که شرایط ماده ۲ قانون اجاره ۱۳۷۶ را نیز نداشته باشد و دو شاهد هم امضا نکرده باشند و صرفا یک قرارداد کتبی نوشته شده باشد، مشمول قانون ۱۳۷۶ خواهد شد چرا که در قانون جدید صریحا گفته شده، هرگونه واگذاری منفعت نیز همانند اجاره‌نامه‌های مشمول قانون ۱۳۷۶ قابلیت صدور دستور تخلیه را به روش این قانون خواهد داشت.

البته قانون ۱۳۵۶ نیز هرگونه واگذاری منافع را اجاره می‌دانست لیکن قانون ۱۳۷۶ اینگونه نبوده است که با این تغییرات شدنی گشته است.

دوم اینکه ثبت قراردادهای اجاره مسکونی بسیار مهم و تعیین کننده است که در صورت عدم ثبت قرارداد امکان بهره‌مندی از مزایای قانونی امکان پذیر نیست و ضمانت اجرایی که برای آن تعیین شده است به شرح ذیل است:

«موجران املاک مسکونی مکلفند قرارداد اجاره املاک و مستغلات را در سامانه ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور یا در سامانه الکترونیک ثبت اسناد با رعایت قوانین و مقررات مربوطه ثبت نمایند. در صورت انعقاد یا تمدید قرارداد اجاره خارج از سامانه‌های مذکور و بدون ثبت در هیچ یک از آن‌ها ظرف یک ماه، حسب مورد از زمان انعقاد یا تمدید یا ثبت اطلاعات خلاف واقع در سامانه‌های مذکور به تشخیص مرجع قضائی، موجر مشمول تخفیف‌ها و معافیت های مالیاتی موضوع تبصره (۱۱) ماده (۵۳) این قانون نمی‌شود. علاوه بر آن، مرجع رسیدگی به دعاوی تخلیه، مطالبه اجور معوقه و مطالبه اجرت‌المثل مکلف است ثبت قرارداد در سامانه را بررسی و چنانچه عدم ثبت یا ثبت خلاف واقع را احراز نماید، پس از رسیدگی به دعوا، ضمن صدور رأی، موجر را به تأدیه پنجاه درصد (۵۰٪) ارزش اجاره املاک موضوع ماده (۵۴) این قانون در مدت قرارداد به نفع دولت محکوم و نیز مراتب را جهت عدم شمول تخفیف‌ها و معافیت های مالیاتی موضوع تبصره (۱۱) ماده (۵۳) این قانون به سازمان امور مالیاتی کشور اعلام نماید.»

باید توجه داشت که این ضمانت اجرا برای موجر در نظر گرفته شده است نه مستاجر.

نکته بعدی اینکه مدت قرارداد و مبلغ اجاره‌بها مانند قانون ۷۶ بایستی مشخص شود و مطلب جدید اینکه مبلغ ودیعه یا قرض‌الحسنه بایستی ذکر شود. البته مسئله اینجاست که اگر قراردادی فاقد قرض‌الحسنه باشد بایستی در قرارداد آن را صفر ریال درج کنیم. افزودن این سه قید در گذشته نیز وجود داشت و عرفا درهر قراردادی درج می‌شد لیکن در این قانون جدید ثبت تمامی این موارد در یکی از سامانه‌های الکترونیک اسناد و یا ثبت معاملات اسناد کشور الزامی است. لازم به ذکر است که هنوز سامانه‌ها راه‌اندازی نشده است واین همه تکلیف مقرر شده است.

نکته بعدی اینکه قرارداد بایستی به امضای موجر و مستاجر و دو نفر معتمد برسد.

نکته دیگر اینکه بایستی علاوه بر ثبت، کد رهگیری اخذ شود.

نکته بعدی اینکه قانون جدید برای مشاورین املاک نیز الزاماتی را مقرر کرده بدین شرح که:

«در صورت انعقاد قرارداد توسط مشاورین املاک، عدم ثبت قرارداد یا ثبت اطلاعات خلاف واقع در سامانه ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور، علاوه بر مسئولیت قانونی ناشی از عدم ثبت اطلاعات، مصداق کتمان درآمد و جریمه‌های متعلق به آن موضوع ماده (۱۹۲) این قانون و جریمه‌های عرضه خارج از شبکه موضوع ماده (۶۱) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی می‌باشد و سازمان تعزیرات حکومتی مکلف به برخورد با متخلفان است. در مرتبه دوم تخلف، مجوز مشاور املاک متخلف، باطل می‌گردد.»

نکته ششم که بسیار حائز اهمیت است بحث این است که قراردادهای خارج از شمول قانون جدید و قانون ۱۳۷۶ چگونه خواهند بود و قراردادهای مربوطه چگونه خواهد شد؟ پاسخ این است که شما الزام دارید قرارداد اجاره را به ثبت برسانید و اگر ثبت نکردید، تابع قانون مدنی خواهد بود و به عنون یک قرارداد مورد استناد است. البته عدم رعایت تشریفات اجاره مقرر در قانون جدید ما را از ضمانت اجراهای مندرج دراین قانون رها نخواهد کرد.

*** راه ارتباطی با وکیل:**
وب سایت: sahabigroup.com
اینستاگرام: vakil_sahabii@

پارکه / مصطفی آرانی

شریکم هر دو نسخه قرارداد بینمان را پاره کرد؛ چه کنم؟

مروری بر دو نظریه مشورتی قوه قضاییه در مورد تخریب سند عادی و فوت وثیقه گذار

این هفته سوالی از سوی مخاطبان روزنامه به دستمان نرسید و تصمیم گرفتیم دو نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه که اخیرا منتشر شده را با هم مرور کنیم.

استعلام (آذر ۱۴۰۳): چنانچه فردی هر دو نسخه سند عادی تنظیم شده بین خود و دیگری را که نسبت به آن تعهداتی داشته است، پاره (تخریب) کند، آیا مرتکب جرم شده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مبنای محاسبه مجازات وی چیست و ارزش سند چگونه محاسبه می‌شود؟ آیا بر اساس ارزش تعهدات مندرج در سند معدوم شده محاسبه می‌شود و یا آنکه به نحوی دیگر و یا با جلب نظر کارشناس در خصوص ارزش ظاهری و هزینه‌های تنظیم دوباره سند محاسبه می‌شود؟

پاسخ اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

۱ وفق ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) اتلاف اسناد یا اوراق تجاری وغیر تجاری غیر دولتی به طور مطلق و بدون لحاظ میزان خسارت؛ مشروط بر آنکه اتلاف آن‌ها موجب ضرر غیر باشد، دارای وصف مجرمانه است؛ بنابراین، چنانچه یکی از متعاملین سند متعلق به طرف دیگر معامله را تلف کند، موضوع مشمول ماده یادشده است.

۲ ارزش مالی سندی که تلف شده است، بر اساس ماده ۶۸۲ قانون یادشده در تعیین میزان مجازات مؤثر نیست و نصاب مبلغ یکصد میلیون ریال در ماده ۶۷۷ این قانون، به ماده ۶۸۲ همین قانون تسری ندارد.

استعلام (دی ۱۴۰۳): دو دانگ مشاع از یک پلاک ثبتی در وثیقه قرار گرفته و به‌رغم سپری شدن مدت حدود ۵۴ سال از زمان توقیف، تاکنون اقدامی نسبت به آن به عمل نیامده است و ظاهراً مالک و وثیقه گذار نیز در سال ۱۳۷۲ فوت کرده است و ورثه هیچگونه اطلاعی از علت وثیقه قرار گرفتن ملک ندارند. با این وصف و به لحاظ اینکه ورثه وثیقه مذکور حاضر به تودیع مبلغ وثیقه جهت رفع اثر از ملک می‌باشند، خواهشمند است این مرجع را ارشاد فرمایید.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

تعهد وثیقه گذار ابتدائاً تعهدی غیرمالی است؛ هر چند تخلف از آن با تحقق شرایطی ممکن است آثار مالی به دنبال داشته باشد؛ بنابراین اساساً این تعهد با فوت به وراث منتقل نمی‌شود و از این حیث بین مرحله رسیدگی و اجرای حکم تفاوتی وجود ندارد. ماده ۲۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر این که با فوت وثیقه گذار، قرار قبولی وثیقه منتفی می‌شود، حاوی حکم حقوقی جدید و یا تأسیس جدیدی در حقوق ایران نیست؛ بنابراین در فرض سؤال فوت وثیقه گذار صرف‌نظر از قانون حاکم بر زمان فوت از موجبات سقوط تعهد وثیقه گذار خواهد بود؛ اعم از آن که در مرحله رسیدگی یا اجرای حکم باشد؛ لذا موجب قانونی جهت در توقیف ماندن مال موضوع وثیقه وجود ندارد.

پارکه پنجشنبه هر هفته در همین صفحه، به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید:

PR@7sobh.com
Mo.masjedi@gmail.com

روزی روزگاری وکالت (۳۸)

اجرای احکام و چالش اخلاق

در حاشیه محدودیت‌های ترانه علیدوستی

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

در شهرستان دلیجان، منطقه‌ای گردشگری وجود دارد به نام «غار چال نخجیر». این غار آهکی و زنده دوازده کیلومتر طول دارد. نکته مهم تابلویی است که بر سردر این غار زده شده و عمر آن را ۷۰ میلیون سال اعلام می‌کند! در قدمت عمر بشر میان تاریخ‌نگاران اختلاف وجود دارد اما حدود ۵۰۰۰ سال تاکنون آن مستند است. اگرچه بشر مدت‌هاست روی کره خاکی حیات دارد و فراز و فرودهای طولانی را پشت سر گذاشته، ولی در اهداف اصلی خود که همان برآوردن نیازهای اصلی همچون خوراک، پوشاک و مسکن تغییر چندانی نکرده است. البته که روش‌ها در گذر تاریخ متفاوت شده‌اند؛ زمانی برای تهیه گوشت چوب را تراشیده تا به شکل نیزه در بیاید و برای شکار به بیشه می‌رفت، اما امروزه با کارت عابربانک به فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای می‌رود. تنها تفاوت کاهش میزان خشونت در رسیدن به خواسته است که البته اهمیت کمی هم ندارد.

انسان‌های اولیه اگر در مورد مالی به اختلاف می‌خوردند با هم گلاویز شده و پس از زد و خورد هر کس بر دیگری غلبه می‌کرد، مال برای او بود. قدما می‌گفتند: «الحق لمن غلب» (حق با کسی است که پیروز شود) تا دادگستری به وجود آمد و ضرب‌المثل تغییر کرد: «الحق لمن غلب فی الاستدلال» (حق با کسی است که در دلیل آوردن پیروز شود). هدف از دادخواهی فقط گرفتن حکم نیست، مرحله آخر اجرای حکم است. اجرای حکم فرآیندی کمتر از خود مسیر دادخواهی ندارد. به تازگی کتابی درباره اجرای احکام توسط یکی از قضات دیوان عالی کشور در ۵ جلد منتشر شده که بیش از ۳۰۰۰ صفحه دارد! همین حجم نشان می‌دهد که پیچیدگی‌های اجرای حکم تا چه میزان فروش مختلف دارد. در دهه‌های چهل و پنجاه خورشیدی افرادی مشهور به «شرخر» بودند که مردم را از طی فرآیند طولانی دادرسی بی نیاز می‌کردند و با گرفتن وجهی از مالباخته، با زور و ضرب حق او را از بدهکار می‌گرفتند. در فیلم‌های مسعود کیمیایی که به نوعی تاریخ اجتماعی ایران به حساب می‌آید، قهرمانان برای گرفتن حق خود به دادگاه و وکیل دادگستری مراجعه نمی‌کنند و با ابزار ساده‌ای مثل چاقو داد خود را می‌ستانند که نمونه مشهور این گونه فیلم‌ها «قیصر» است.

در ۲۲/مهر/۱۳۹۷ دستورالعملی تحت عنوان «ساماندهی و تسریع در اجرای احکام مدنی» به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید که فلسفه آن تعیین تکلیف سریع‌تر پرونده‌ها در مرحله اجراست. در ماده ۱۸ به منظور ساماندهی اجرای احکام مدنی، وظایفی برای مرکز آمار و فناوری قوه قضائیه در ۸ بند پیش‌بینی شده که در بند «ح» آمده است: «ایجاد ظرفیت جهت ممنوع‌الخدمات کردن و انسداد حساب محکومان مالی موضوع مواد ۱۷ و ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی». اجرای این بند به این معناست که از طریق نامه‌ای که دادگستری خطاب به ثبت احوال صادر می‌کند، محکوم علیه از دریافت کلیه خدمات محروم می‌شود و شماره ملی او مسدود (بلاک) می‌شود. دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد: گروهی محرومیت از دریافت خدمات اجتماعی را خلاف حقوق شهروندی افراد می‌دانند ولی دسته‌ای دیگر این روش را تنها ابزار وصول دین تلقی می‌کنند و با آن موافق‌اند. بهتر بود موضوع به جای دستورالعمل در قالب قانون پیش‌بینی شود و مصادیق آن محدود به موارد خاصی شود. در اعتبار این دستورالعمل دو شبهه وجود دارد: اول رأی دیوان عدالت اداری در لغو آن و دوم وجود بخشنامه دیگری که دستورالعمل را از اعتبار می‌اندازد. متأسفانه این موضوع اختلافی بوده و موضع دستگاه قضا در این باره روشن و شفاف نیست.

انگیزه نوشتن این یادداشت خبر عدم امکان خرید بلیت هواپیما توسط خانم ترانه علیدوستی بازیگر سرشناس سینماست. رسانه‌ها و حقوقدانان از این موضوع با عنوان «ممنوع‌الپروازی» یاد کردند که نشانه کم دانشی در دانستن زبان مادری است؛ زیرا واژه فارسی «پرواز» الف و لام عربی نمی‌گیرد. هنگام انتشار خبر، اولین موضوعی که به ذهن هر وکیل دادگستری می‌رسید، اعمال دستورالعمل «ساماندهی و تسریع در اجرای احکام مدنی» بود که در موارد کیفری هم اجرا می‌شود؛ اما سخنگوی قوه قضائیه آن را تکذیب کرد. با این حال با توجه به مصاحبه وکیل خانم علیدوستی، محدودیت همچنان وجود دارد که اگر توسط مراجع رسمی اعمال شده باشد، به دلیل فقدان مستند قانونی و عدم طی تشریفات، باعث تأسف بوده زیرا قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری نقض شده است. وقتی خبر منتشر شد، بسیاری از وکلای دادگستری با گذاشتن مطلب در اینستاگرام خود موضوع را محکوم کردند و اعمال چنین محدودیت‌هایی را خلاف اخلاق و حقوق بشر دانستند. جالب این که بسیاری از این دوستان روزانه در اجرای احکام مجتمع‌های قضایی، درخواست مسدود کردن شماره ملی محکوم علیه را دارند!

*** وکیل دادگستری. برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یا آی دی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.**
ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

دوسیه

آنچه باید در مورد مالیات نقل‌وانتقال خودرو بدانید

از مسئول پرداخت تا مبلغ و وضعیت مالیاتی ماشین صفر

هانیه اشتغالی
وکیل دادگستری

یکی از انواع مالیات که توسط دولت‌ها از شهروندان اخذ می‌شود، مالیات بر نقل‌وانتقال خودرو است.

از سال ۱۴۰۰ و با تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده مالیات بر نقل‌وانتقال انواع خودرو و موتورسیکلت بر اساس ماده ۳۰ این قانون صورت می‌پذیرد تا پیش از تصویب این قانون این امکان وجود داشت که پرداخت مالیات بر نقل‌وانتقال خودرو را تا زمان صدور سند در دفتر اسناد رسمی به تعویق بیندازند. اما با حذف الزام به ثبت سند خودرو در دفاتر اسناد رسمی و بر اساس قانون جدید ارزش افزوده، مالیات بر نقل و انتقال خودرو باید پیش از مراجعه به مراکز تعویض پلاک و صدور برگ سبز به نام مالک جدید، جهت انتقال مالکیت، پرداخت و پلیس موظف است پیش از صدور برگ سبز از پرداخت آن مطمئن شود. بنابراین در این حالت مرجع دریافت مالیات، مرکز تعویض پلاک نیروی انتظامی خواهد بود.

با وجود عدم نیاز به ثبت انتقال سند خودرو در دفترخانه، اگر شخصی مایل باشد که این انتقال را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند، دفتر اسناد رسمی مکلف به دریافت مالیات است. آن‌چه مهم است این که اگر یکی از این دو مرجع مبادرت به دریافت مالیات بر نقل‌وانتقال خودرو کرده باشند، مرجع دیگر نباید مجدداً آن را دریافت کند و این مالیات باید یک‌بار پرداخت گردد. همچنین با صدور وکالت‌نامه کاری برای خودرو، مالیات بر نقل‌وانتقال اخذ نمی‌شود. اما باید توجه داشت که انتقال خودرو به صورت صلح و هبه نیز مشمول پرداخت مالیات نقل‌وانتقال می‌شود. صراحت تبصره ۲ ماده ۳۰ در این خصوص از استفاده از قالب‌های حقوقی دیگر برای انتقال خودرو با هدف فرار مالیاتی جلوگیری می‌کند.

مالیات بر نقل‌وانتقال خودرو برعهده فروشنده آن است و چنانچه طرفین در این خصوص توافق دیگری داشته باشند، این توافق در برابر سازمان امور مالیاتی قابلیت استناد ندارد و در صورت تخلف مراجع مذکور و عدم پرداخت مالیات مربوطه، ضمن جریمه مراکز مربوطه به میزان دو برابر مبلغ مالیات، سازمان امور مالیاتی فروشنده را به عنوان بدهکار مالیاتی شناسایی کرده و بنابراین، این فرد می‌تواند مشمول فرایند اجرای مالیاتی، از جمله توقیف اموال و ممنوع‌الخروجی، قرار گیرد.

بر اساس تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده اولین انتقال خودرو از جانب سازندگان، مونتاژکنندگان یا واردکنندگان خودرو به خریداران نیز مشمول مالیات نقل‌وانتقال موضوع ماده ۳۰ قانون می‌شود. بنابراین شرکت‌های خودروسازی، مونتاژ یا واردکنندگان خودرو موظف به پرداخت مالیات بر نقل‌وانتقال خودرو هستند که بر اساس اعلام معاون وزیر اقتصاد این پرداخت باید بدون درج در صورتحساب فروش صورت پذیرد. با این وجود بدیهی است که به لحاظ منطق اقتصادی و این واقعیت که این مبلغ به هزینه‌های تولیدکنندگان و واردکنندگان خودرو اضافه می‌شود، عملاً مالیات نقل و انتقال خودروهای صفر در مبلغ نهایی آن محاسبه و از خریدار آن اخذ می‌شود.

بر اساس ماده مذکور مالیات نقل و انتقال خودرو، برای خودروهای داخلی معادل یک درصد و برای خودروهای وارداتی معادل دو درصد ارزش خودروست. تعیین ارزش خودروها برای محاسبه مالیات نقل و انتقال خودرو، کتابچه مأخذ مالیات و عوارض خودرو است که در زمستان هر سال توسط سازمان امور مالیاتی کشور به‌روزرسانی و منتشر می‌شود و برای سال بعد لازم‌الاجراست. مبنای ارزش‌گذاری خودروها ارزش آن‌ها در این کتابچه است و به ازای هر یک‌سال که از سال ساخت آن‌ها بگذرد، ارزش خودرو نیز ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کند. این کاهش ارزش برای شش سال ادامه می‌یابد و در سال ششم ۴۰ درصد ارزش خودرو در کتابچه مربوطه مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین روند کاهش ارزش خودروها در سال هفتم تولیدشان و برای سال‌های بعد از آن، متوقف می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت مالیات بر نقل‌وانتقال خودرو بر اساس سه عامل نوع خودرو، سال تولید و همچنین داخلی یا خارجی بودن آن تعیین می‌شود.

به‌علاوه باید بدانیم بر اساس تبصره ۳ ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده نقل و انتقال انواع خودرو و موتورسیکلت با پلاک انتظامی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مشمول مالیات نقل‌و انتقال نمی‌شود.

*** برای ارتباط با وکیل، از طریق ایمیل hanie.eshteghali@gmail.com یا شماره تلفن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.**

۳۷ نفر با یک درس دارای درصد منفی یا صفر در آزمون وکلا پذیرفته شدند

رئیس کانون وکلای گلستان اعلام کرد: در آزمون ورودی کارآموزی وکالت ۱۴۰۳، ۲۰۹ نفر پذیرفته شدند که از این تعداد، ۱۶۶ نفر سهمیه آزاد و ۴۳ نفر سهمیه ایثارگران هستند. به گزارش جام جم آنلاین، دکتر علی طالع زاری رئیس کانون وکلای دادگستری گلستان گفت: از بین ۲۰۹ قبول شده آزمون وکالت در استان گلستان، ۳۷ نفر با یک درس دارای درصد منفی یا صفر و ۹ نفر با دو درس دارای درصد منفی یا صفر در آزمون پذیرفته شده‌اند.

او گفت: در کانون وکلای گلستان در سال‌های ۹۸ و ۹۹ (دو سال آخر قبل از اجرای قانون تسهیل) میانگین درصد قبول شدگان به نسبت یک درصد بالای شرکت کنندگان آزمون به ترتیب ۹۰ درصد و ۹۳ درصد بوده است که این درصد پس از قانون تسهیل به ۷۰ درصد تنزل پیدا کرده و نتیجه آن شده که افراد با نمرات ۵ و ۶ از ۲۰ در این آزمون پذیرفته شوند. زاری افزود: به طور نمونه تعداد وکلا در کانون گلستان طی نزدیک به دو دهه برابر با سه سال اجرای قانون تسهیل می‌باشند و طی سه سال جمعیت وکلای استان دو برابر شده‌اند. رئیس کانون وکلای دادگستری گلستان اظهار کرد: در شرایط فعلی بسیاری از افراد از مشاغل آزاد و با رشته‌های غیرمرتبط، لیسانس حقوق گرفته و در آزمون وکالت شرکت کرده‌اند و در بسیاری از موارد کارمندان و افراد دارای شغل در آزمون پذیرفته می‌شوند و پس از اجرای قانون تسهیل میانگین سنی قبول شدگان آزمون تغییر و به نحو معناداری بالا رفته است و مشکل اشتغال جوانان حل نشده بلکه این قانون زمینه‌ای شده برای ورود افراد دارای سنین بالاتر و تغییر شغل کارمندان بخش‌های دولتی و مشاغل آزاد و افراد در شرف بازنشستگی و نکته تاسف بار آنکه قبول شدگان در سال‌های اخیر گاهی به وکالت به عنوان شغل دوم نگاه می‌کنند. او گفت: مجموع این عوامل شأن و منزلت نهاد وکالت را به شدت تضعیف نموده و چرخه عرضه و تقاضا را دچار چالش نموده و شرایط اسفناکی را برای نهاد وکالت و وکلای جوان پدید آورده است. پر واضح است که منظور نظر مقنن از تدوین قانون تسهیل حاصل نشده و مضار این قانون بر منافع آن در حوزه مشاغل حقوقی غلبه جدی دارد و حتی در صورت اصلاح قانون تسهیل، بی‌نظمی و هرج و مرجی که در سه سال اجرای این قانون در نهاد وکالت پدید آمده تا دهه‌ها مرتفع نخواهد شد.

آخر هفته

در انتظار یک بازی کلاسیک
صفحه ۱۲

چرا خانم‌ها، لیلا حاتمی را دوست ندارند؟
صفحه ۱۳

حرف های داغ هفته

اصغر فرهادی

هیچ فیلمسازی اندازه مسعود کیمیایی در سینماگر شدن فیلمسازان بعد از خود نقش نداشته است و خیلی‌ها پس از نمایش فیلمی از ایشان علاقه‌مند شدند که فیلم بسازند. در فیلم‌های ایشان یک شوریدگی وجود دارد و من معتقدم تنها فیلمساز دیگری که چنین شوریدگی‌ای داشت، زنده‌یاد داریوش مهرجویی بود. در فیلم‌های ایشان گاهی حس می‌کنی یک رمان‌نویس فیلم ساخته و در جایی دیگر حس می‌کنی یک نقاش حضور دارد. این ویژگی‌ای است که در فیلم‌های دیگر کمتر دیده می‌شود. آقای مسعود کیمیایی آدم بسیار با معرفتی است و این ویژگی جایگاه ایشان را نزد من به شکلی دیگر بالا می‌برد. امیدوارم به زودی شما را ببینم.

بزرگداشت مسعود کیمیایی
۱۰ دی

سیما تیرانداز

کلا از مسئولان توقعات زیادی داریم. یکی از توقعات این است که ممیزی و سانسور در تئاتر کاهش یابد و بشود کار کرد. همچنین افراد خوب و حرفه‌ای باید برگزیده شوند. بیشتر از همه مسائل حمایت دولت از تئاتر اهمیت دارد. در همه جای دنیا دولت از تئاتر حمایت می‌کند. در ایران حدود ۱۵ سال پیش در زمان دولت وقت بخشی از حمایت‌ها را برداشتند. سینما صنعت است. رادیو و تلویزیون هم بودجه عمومی دارند اما تئاتر یک هنر است. برای پرورش یک جامعه فرهنگی و هنری در همه جای دنیا از تئاتر حمایت می‌کنند. ولی ما در کشورمان داریم با چنگ و دندان کار می‌کنیم.

ایرنا
۸ دی

پیمان قاسمخانی

اولین بار که فیلم «من زمین را دوست دارم» را روی پرده دیدم، واقعا توی ذوقم خورد. تصور دیگری داشتم به خاطر اینکه تعریفی از جلوه‌های ویژه ایران در آن زمان نداشتم. سکانسی نوشته بودم که شخصیت «خپیت» انگشت‌هایش را دراز می‌کند و از سرانگشتانش نور می‌ریزد و خانه را رنگ می‌کند. یک آقایی را هم آورده بودند که می‌گفت جلوه‌های ویژه را در حد فیلم «ترمیناتور ۲» درمی‌آورم. روی پرده که فیلم را دیدم خورد توی ذوقم. یک جا خمسه دماغش را می‌کشید که خیلی بد شد یا خبری از سرانگشتان رنگی هم نبود. کات می‌خورد و یک‌مرتبه همه‌جا رنگی می‌شد. بعدتر که همه استقبال کردند، خوشم آمد.

برنامه اکنون
۴ دی

محسن قصابیان

سینمای ما مچاله شده است. علتش هم این است که سینمای بدنه ما هم به دلیل تحریم‌ها و هم به دلیل کرونا شرایط خیلی خوبی واقعا نداشته و ضربه خورده است. سینما در واقع یعنی سینمای بدنه نه الزاما فقط فیلم‌های کمدی که فیلم‌های اجتماعی. امیدوارم دوباره فیلم‌های اجتماعی پا بگیرد و فرهنگ سینما رفتن دوباره برقرار شود. به معنای اینکه خانواده‌ها که سینماروهای اصلی هستند خصوصا جوانان یعنی تا سن نهایتا تا ۲۵ سال که مخاطب اصلی سینما هستند با آن آشتی کنند و برگردند و بیش از آن، خانواده‌ها باز به سینماها بیایند. استقبال جوانان و خانواده‌ها، سینمای ما را در کلیت خود حفظ می‌کند.

ایرنا
۷ دی

مهرانه مهین‌ترابی

من سال ۱۳۵۸ در دوران تحصیل در دانشگاه، استاد زیاد داشتم و چون در فرودگاه مهرآباد، شب کاری می‌کردم و بعد می‌آمدم دانشکده، انتظار داشتم کلاس‌ها چیزی به دانسته‌های من اضافه کند. یک استادی داشتیم با اینکه سه کلاس با سه موضوع متفاوت داشت، چند جمله و حرف مشترک می‌زد و من معترض بودم نسبت به برگزاری کلاس‌هایش. او از من بدش می‌آمد و من هم متقابلا از او بدم می‌آمد. من از سر خستگی و لج، سر کلاس آن استاد می‌خوابیدم. اما یادم می‌آید روز اولی که خانم زینلیان به کلاس آمد، با یک خانم با انرژی، پرجنب و جوش و باانگیزه فوق‌العاده رو به رو شدم.

تقدیر از ادنا زینلیان
۷ دی

چهره هفته

بیتا سحرخیز

بی‌تابی بیتا

«بیتا سحرخیز با لحنی تصنعی و عصبی نقش یک زن قدرتمند را دارد که تماشاگر را اذیت می‌کند.» این بخشی از مطلب نویسنده سایت تابناک درباره یکی از دلایل ناکامی سریال «قهوه پدری» است. مشابه این دیدگاه در میان نظرات کاربران فضای مجازی هم دیده می‌شود. آنها عقیده دارند تلاش مهران مدیری و بیتا سحرخیز برای خلق یک کاراکتر جذاب، به ثمر ننشسته است. با این حال، گروهی می‌گویند اتفاقا رفتار سحرخیز در قالب شخصیت بهار، یکی از معدود اتفاقات خوب سریال «قهوه پدری» است. آنچه نباید فراموش کرد اینکه ذهن مخاطب از شخصیت‌های اغراق‌آمیز، به ویژه در کارهای مدیری پر است و همین کار را برای بازیگر سخت‌تر کرده. فارغ از قضاوت‌های مختلف، درباره بیتا سحرخیز باید گفت او دست به ریسک زده و وارد جلد شخصیتی شده که از تجربیات قبلی‌اش دور است. بهار زنی پرتوقع و افاده‌ای است که بازیگر برای نمایش او، لحنی متفاوت از همیشه انتخاب کرده و حتی حالات صورتش را تغییر داده. حتما کاری سخت است که مقابل دوربین حواس بازیگر به عضلات صورت هم بوده و در عین حال باید حس شخصیت را منتقل می‌کرده. چه حیف که این تلاش به دل خیلی‌ها ننشسته.

این فیلم ها را ببینید

زیر نور ماه / جمعه ساعت ۲۰:۳۰ / شبکه چهار

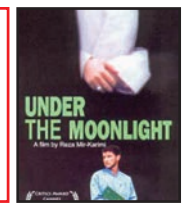

- کارگردان: سیدرضا میرکریمی
- تهیه‌کننده: منوچهر محمدی
- نویسنده: سیدرضا میرکریمی
- بازیگران: شقایق دهقان، مهران رجبی، علی بکائیان، حسین پرستار
- محصول: ایران / ۱۳۷۹

داستان این فیلم درباره طلبه‌ای به نام سیدحسن است که معتقد است چون مانند پدربزرگش میان مردم نیست و نفسش تأثیری ندارد، نمی‌تواند لباس روحانیت را بپوشد و تنها برای دلخوشی خانواده‌اش چنین می‌کند. روزی که لباس روحانیت را می‌خرد، در مترو پسرکی لباس او را می‌دزدد. جست‌وجوی او برای لباس موجب آشنایی او با بی‌خانمان‌های زیر پل رسالت می‌شود. او سرانجام همه کتاب‌هایش را می‌فروشد تا بتواند به آنها کمک کند. خواهر آن کودک نیز یک زن خیابانی است که اقدام به خودکشی می‌کند. سیدحسن با این مشاهدات تغییر می‌کند.

خداحافظ رفیق / پنجشنبه ساعت ۱۳ / شبکه نمایش

- کارگردان: بهزاد بهزادپور
- تهیه‌کننده: سیدسعید سیدزاده
- نویسنده: بهزاد بهزادپور
- بازیگران: کاوه خداشناس، کاوه مهدوی، بابک اسلامی، جلال خباز
- محصول: ایران / ۱۳۸۲

داستان فیلم درباره جانباز شیمیایی به نام مسلم است که همسرش او را ترک کرده و با دوستان شهیدش در بهشت زهرا قرار می‌گذارد. او به همراه دوستان شهیدش با موتورسیکلت از میدان‌ها مختلف تهران، مکان‌ها و دوستان مختلف از جمله جانباز قطع نخاعی به نام اصغر در بیمارستان، بازدید می‌کند و از اصغر می‌خواهند که زندگی مادی این جهان را رها ساخته و همراه آنان شود. او نیز می‌پذیرد و همراه آنان به بهشت زهرا بازمی‌گردد. هنگام خداحافظی، مسلم گریه و زاری می‌کند و از شهیدان می‌خواهد که او را نیز با خود ببرند.

نابخشودنی / پنجشنبه ساعت ۲۱:۳۰ / شبکه فراتر

- کارگردان: نورا فینگشیت
- تهیه‌کننده: ساندرا بولاک، گراهام کینگ
- نویسنده: کریستوفر مک‌کوری
- بازیگران: ساندرا بولاک، ویولا دیویس، وینسنت دونوفریو
- محصول: آمریکا / ۲۰۲۰

روث اسلتر دختر جوانی است که با خواهر ۵ ساله‌اش زندگی می‌کند و پدر و مادر آن دو مدتی قبل فوت کرده‌اند. به‌دلیل بدهی به بانک، وقتی که کلانتر و مامور بانک برای بیرون انداختن آنها از خانه‌شان مراجعه می‌کنند، در اثر یک حادثه کلانتر مضروب شده و کشته می‌شود. روث به‌خاطر این قتل ۲۰ سال به زندان می‌افتد و خواهر خردسالش را برای سرپرستی به خانواده‌ای دیگر می‌دهند. حالا او بعد از ۲۰ سال به‌خاطر رفتار خوب عفو مشروط گرفته و از زندان بیرون آمده و قصد دارد خواهرش را ملاقات کند.

پیشنهاد ویژه هفته

عطر آلود | اکران آنلاین

نمای کلی

- کارگردان: هادی مقدم‌دوست
- نویسنده: حسین حسنی
- تهیه‌کننده: یوسف منصوری
- بازیگران: مصطفی زمانی، هدی زین‌العابدین، کورش تهامی، همایون ارشادی
- محصول: ایران / ۱۴۰۱
- زبان: فارسی
- زمان: ۹۵ دقیقه

درباره فیلم

«عطرآلود» از آن دست فیلم‌هایی است که شاید بهتر است در خلوت به تماشای آن بنشینید. هادی مقدم‌دوست مسیر فعالیت حرفه‌ای در سینما را با فیلمنامه‌نویسی آغاز کرد و همزمان هم در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی دستی به قلم داشت. یکی از ویژگی‌های مهم فیلمنامه‌های او هم خلق کاراکترهایی منحصر به فرد با مشغله‌هایی به‌ظاهر روزمره اما به‌شدت عمیق است. او که پیش‌تر با حمید نعمت‌الله در خلق جهان تحسین‌برانگیز سریال «وضعیت سفید» مشارکت داشت، در اولین فیلم بلند سینمایی خود یعنی «سر به مهر» سراغ ایده چالش‌های یک دختر برای نمازخوانی رفت و حالا در فیلم تازه‌اش یعنی «عطرآلود» روایتگر زندگی جوانی شده است که در آستانه تجربه مرگ، می‌خواهد به تعاریف تازه‌ای از نسبت میان زندگی خود و دیگران برسد. مقدم‌دوست این‌بار البته فیلمنامه‌نویسی را به فرد دیگری سپرده است.

درباره داستان

برگ‌برنده اصلی «عطرآلود» ایده مرکزی و موقعیت داستانی درگیرکننده آن است؛ در خلاصه داستان فیلم آمده است: «فهم و درک فرصت کوتاه زندگی، علی را که استعداد خوبی در عطرسازی دارد و در آستانه پدر شدن است، با چالش‌های جدیدی مواجه می‌کند؛ او می‌خواهد یک عطر بسازد که دیگران تجربه‌ای از استشمام آن نداشته‌اند و گام‌های اولیه تحقق این رویا را هم در کارگاهی خانگی و در حریم عاشقانه زندگی مشترک با عاطفه، برمی‌دارد اما این مسیری نیست که بدون چالش بتواند به مقصد برسد.» براساس همین خط داستانی، عطرآلود قصه یک زندگی در تاروپودی از خاطرات و عطرهاست که به قلم حسین حسنی تبدیل به یک ملودرام عاشقانه با ترکیبی از رنج، ترس و وجدان شده است و در ادامه سینمای انسانی مقدم‌دوست، چالش‌های یک زوج را در مسیر استحکام زندگی‌شان تصویر می‌کند.

درباره نقدها

هادی مقدم‌دوست از کارگردانانی است که هرچند اصراری بر استفاده از چهره‌ها ندارد اما در انتخاب بازیگر، بسیار خوش‌سلیقه است. مصطفی زمانی بازیگر اصلی «عطرآلود» است. او ایفاگر نقش علی رزاقی است که هم تلاش می‌کند دنیا را با «دماغ» ببیند و هم تخصص ویژه‌ای در ساخت عطر دارد. چالش اصلی فیلم یعنی مواجهه با خبر مرگ در آینده‌ای نزدیک هم برای او رقم می‌خورد. زمانی اجرایی به‌قاعده در این نقش داشته و به همین دلیل هم برای آن کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین بازیگری شد. در کنار او هم هدی زین‌العابدین نقش عاطفه را ایفا کرده است. دختری که به‌صورت اتفاقی با علی رزاقی هم‌مسیر و بعد از دل‌بستگی، زندگی مشترک‌شان آغاز می‌شود. زین‌العابدین هم که مدتی است دوران پختگی خود را در بازیگری سپری می‌کند، برای این نقش کاندیدای سیمرغ شد.

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه ۱۳ دی
خداحافظ رفیق / ساعت ۱۳
شمالگان / ساعت ۱۵
ایستاده در غبار / ساعت ۱۷
بی‌نظمی / ساعت ۱۹
آفت / ساعت ۲۱
تلفن زمان / ساعت ۲۳
جمعه ۱۴ دی
شرق جاوه / ساعت ۱
زخم زیتون / ساعت ۱۱
انار / ساعت ۱۳
آغاز / ساعت ۱۹

شبکه یک
جمعه ۱۴ دی
آبادان یازده ۶۰ / ساعت ۱۶

شبکه دو
جمعه ۱۴ دی
موقعیت مهدی / ۵ دقیقه بامداد
میراث یک پدر / ساعت ۱۷:۴۵

شبکه سه
پنجشنبه ۱۳ دی
غریب / ۱۰ دقیقه بامداد
جمعه ۱۴ دی
۶۵ / ۳۰ دقیقه بامداد
سرپرست بچه‌ها / ساعت ۸:۳۰
تکاپو / ساعت ۱۴:۳۰

شبکه چهار
پنجشنبه ۱۳ دی
۱۹۹۲ / ساعت ۲۰:۳۰
جمعه ۱۴ دی
زیر نور ماه / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه ۱۳ دی
بی‌پلاک / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه ۱۴ دی
صحرا / ساعت ۹
پسرم رسول / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه ۱۳ دی
توماس و دوستان / ساعت ۱۴
جمعه ۱۴ دی
وومبت مبارز / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه ۱۳ دی
سربازان کوچک / ساعت ۱۸
جمعه ۱۴ دی
برادران سیاه / ساعت ۱۸

شبکه افق
جمعه ۱۴ دی
کوهنوردان / ساعت ۱۰
استشهادی برای خدا / ساعت ۱۸:۳۰

شبکه سلامت
جمعه ۱۴ دی
یک خداحافظی طولانی / ساعت ۱۱

شبکه فراتر
پنجشنبه ۱۳ دی
نابخشودنی / ساعت ۲۱:۳۰

عکس هفته

بار دیگر گل یا پوچ

مجوز تولید «گل یا پوچ ۲» در جدیدترین جلسه شورای صدور مجوز ساترا اعطا شد. به گزارش روابط عمومی سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی، ساترا در راستای ارتقای کیفیت، سلامت و جذابیت آثار رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی مجوز تولید «گل یا پوچ ۲» را صادر کرد. اعضای شورای صدور مجوز سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی ضمن تقدیر و تشکر از علی اسدزاده تهیه‌کننده و کارگردان «گل یا پوچ ۱» در جلسه شورای صدور مجوز این سازمان، با صدور مجوز تولید «گل یا پوچ ۲» موافقت کردند. رئالیتی‌شوی «گل یا پوچ ۱» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی اسدزاده با اجرای مهران مدیری از مردادماه امسال در سکوی فیلیمو منتشر شد. این مسابقه با شرکت مردم عادی خیلی زود جای خود را باز کرد و تبدیل به یکی از محبوب‌ترین محصولات نمایش خانگی شد.

ترین‌های هفته

دورخیز هفته | خاتی در راه جشنواره فیلم فجر

نسخه نهایی فیلم سینمایی «خاتی» به کارگردانی فریدون نجفی، نویسندگی احمد رفیع‌زاده و تهیه‌کنندگی محمد کمالی‌پور آماده و به دبیرخانه چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر تحویل داده شد. اصلاح رنگ توسط مهران دوستی، جلوه‌های ویژه توسط بهنام خاکسار و رضا انصاریان و طراحی صدا و صداگذاری توسط مهرداد جلوخانی از جمله آخرین کارهای فنی انجام شده فیلم بود. سارا بهرامی، آناهیتا افشار، سعید آقاخانی، فرید سجادی حسینی، علی عامل‌هاشمی، کاظم نوربخش، آرمیتا مرادی، شادی خلیلی، داود باقری، کامران کاظمی، میلاد آرمند، سحر خطیبی، علیرضا حیاتی و بازیگران خردسال اشکان اردستانی، ارغوان عزیزی و دنیز بیک‌محمدی گروه بازیگران «خاتی» را تشکیل می‌دهند.

انتقاد هفته | تداوم اکران فیلم‌های کم‌فروش

هفته‌هاست که آثاری با فروش کمتر از ۲۰ میلیون یا ۱۰ میلیون تومان در هفته همچنان اکران می‌شوند و مشخص نیست چرا با وجود این عدد فروش بیش از چند هفته متوالی همچنان روی پرده سینما هستند! این نقد خبرگزاری مهر از ساز و کار اکران است و برای نمونه اشاره کرده: «فیلم «شبگرد» که از ۹ آبان به پرده سینماها آمده است، همچنان نتوانسته فروش خوبی داشته باشد، این فیلم در هفته گذشته حدود ۲ میلیون تومان فروخته است و در جایگاه بیست و دوم قرار می‌گیرد.» فیلم‌هایی مثل «نبودنت» و «ایلیا؛ در جست‌وجوی قهرمان» هم شرایطی مشابه دارند.

توضیح هفت صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر نشده است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

چهره‌های ارمنی روزگار ما

خرد در روایت‌های شهر شلوغ | چهره‌های معروف بزرگ‌ترین اقلیت دینی در ایران

مصطفی آرانی

۱۸ دی‌ماه، یعنی سه‌شنبه آینده به روایت ارامنه که گفته شده حدود ۱۲۰ هزار نفر از آنان در ایران زندگی می‌کنند؛ روز میلاد مسیح و کریسمس واقعی این گروه دینی است. به این بهانه این هفته نگاهی گذرا کردیم به فهرست بلندبالایی از چهره‌های ارمنی که در تاریخ حضور از حدود ۱۰۰سال پیش تا همین سال‌های ماه‌هایی که داریم زندگی می‌کردند و هر یک نقشی پررنگ در این تاریخ گشوده‌اند. البته که در مورد خوب یا بد بودن تاثیر این نقش‌ها می‌توان به مباحثه نشست چه اینکه میرزا ملکم‌خان از ادبیات رسمی ایران چهره و چیچی نیست ولی باز هم نمی‌توان تاثیرگذاری او را انکار کرد.

فهرست ما که البته حتما نقایص زیادی دارد؛ در سه بخش اصلی ورزش، سینما، موسیقی و یک بخش که چهره‌های شاخصی از علم و فرهنگ ارمنی را در آنجا جای دادیم دسته‌بندی شده است. مشاور ما در نگارش این مطلب گفت که در همین ابتدای مطلب یاد احمد نوری‌زاده را هم زنده کنیم. ادیب، مترجم و پژوهشگر ایرانی که بنیانگذار ارمنی‌شناسی فارسی در ایران بود و باوجود اینکه غیرارمنی بود ولی آن قدر به این زبان مسلط بود که به ارمنی شعر هم می‌گفت. یاد او که در سال ۱۴۰۰ در ۶۹ سالگی درگذشت هم گرامی باشد.

فوتبالیست‌ها؛ از کارو تا آندرانیک

باشگاه ارامنه ایران یکی از قدیمی‌ترین باشگاه‌های ایران است و تیمه اسیرت ارامنه در سال ۱۳۰۲ تاسیس شده و در اولین دوره رسمی جام باشگاه‌های تهران در آن سال حضور داشته است. از سال ۱۳۲۳ هم باشگاه ورزشی آرارات تاسیس شده که ۴ بار سابقه حضور در بالاترین سطح لیگ فوتبال ایران را داشته است. از سوی دیگر آرتوش اساطوریان هم در نخستین تیم ملی ایران که در سال ۱۳۲۰ که با تیم ملی افغانستان در کابل بازی کرد حضور داشت. با این حال در این مدت، بازیکنانی ارمنی در فوتبال ایران توپ زدند که جزو شاخص‌ترین بازیکنان باشگاهی و حتی ملی زمانه خود بودند.

دی‌ماه ۱۳۹۰ روزنامه شرق یک منتخب از این بازیکنان را جدا کرد و ادموند بزیک را در پست مهاجم گذاشت و پشت سر او کارو حق‌وردیان، مانیس میناسیان و لوون استپانیان را قرار داد و در مرکز زمین ژرژ مارکاریان و آندرانیک تیموریان را گذاشت و در دفاع هم از مارکار آقاجانیان، هنریک سرکسیان، یاغدیک آبدیان و آندرانیک اسکندریان استفاده کرد و در دروازه هم آرماتک پطروسیان را قرار داد با این توضیح که استپانیان و پطروسیان ایرانی نبودند ولی سابقه بازی در تیم‌های ایرانی را داشتند. (به این فهرست البته می‌توان اسم‌های دیگری مثل ادموند اختر و فرد ملیکان) را هم اضافه کرد.

ما از این تیم سه نفر را انتخاب کردیم: کارو حق وردیان، آندرانیک اسکندریان و آندرانیک تیموریان.

۱ کارو یا عزیز حق‌وردیان متولد سال ۱۳۲۴ در منطقه مجدیه تهران بود. ۱۳ ساله بود که به عضویت تیمی تحت عنوان «گوهر» درمی‌آید و در ۱۸ سالگی در مسابقات محله‌ای در مجدیه مورد توجه گارنیک محرابیان مربی آن موقع تیم آرارات قرار می‌گیرد. پست اولیه او دفاع چپ بود ولی کم‌کم به مرکز زمین (هافبک) منتقل می‌شود و پس از سه فصل بازی در آرارات به عنوان یکی از بازیکنان تیم ملی جوانان انتخاب می‌شود. او در ۲۲ سالگی برای نخستین بار به تیم ملی فوتبال بزرگسالان دعوت می‌شود.

او از سال ۱۳۴۷ به تیم تاج آن زمان که در واقع استقلال کنونی است، می‌پیوندد و ۹ سال برای این تیم بازی می‌کند. در این ۹ سال او می‌تواند با استقلال به ۱۱ جام من‌جمله پنج بار قهرمانی باشگاه‌های تهران، جام منطقه‌ای ایران و تخت‌جمشید و یک قهرمانی در آسیا دست پیدا کند.

او همچنین با ۱۷ حضور در دربی تهران (۱۶ حضور رسمی و یک حضور دوستانه) یکی از رکوردداران این مسابقه است. او در ۱۶ مسابقه از این جمع، ۹۰ دقیقه را در زمین بوده است و دو گل هم برای استقلال به ثمر رسانده است.

او در حال حاضر در ایالات‌متحده زندگی می‌کند.

۲ آندرانیک اسکندریان متولد سال ۱۳۳۰ است. او هم مثل کارو، بازی خود را از یک تیم محلی به نام «آرمین» آغاز کرده است. گارنیک محرابیان او را نیز مثل کارو کشف کرد و به تیم پولاد برد و مبانی فوتبال را به او یاد داد و سپس اسکندریان به تیم آرارات پیوست.

او از ۲۲ سالگی، از آرارات به تیم تاج رفت و ۶ سال بعدی را در این تیم توپ زد. پست او دفاع چپ بود. در این مدت تاج یک بار قهرمان جام تخت‌جمشید شد. این همان آخرین قهرمانی کارو با تیم تاج هم است. او نخستین ارمنی‌ای بود که در تیم ملی ایران در جام‌جهانی بازی کرد و در بازی برابر اسکاتلند نیز یک گل به دروازه خودی زد که البته ایرج دانایی‌فرد در نیمه دوم آن را جبران کرد. (نخستین ارمنی‌ای که کاپیتان تیم ملی شد، مارکار آقاجانیان بود).

موفقیت بعدی آندرانیک این بود که برای بازی خداحافظی پله توانست به تیم ملی منتخب جهان دعوت شود و پس از آن به تیم کاسموس نیویورک که آن روزها پله در آن بازی می‌کرد، پیوست و در نهایت در اوایل دهه ۷۰ و در حوالی ۴۰ سالگی به کار خود در فوتبال پایان داد.

او نیز در حال حاضر در ایالات‌متحده زندگی می‌کند.

علم و فرهنگ و سیاست؛ از آلنوش تا آرسن

در دل تاریخ اگر بروبم میرزا ملکم‌خان یکی از ارمنی‌هایی است که تاثیرگذاری زیادی در تاریخ ایران به ویژه در حوزه مشروطه داشته ولی در مورد سفید یا سیاه بودن شخصیت او اختلاف زیادی وجود دارد. او در اواخر قرن دوازدهم شمسی (حوالی سال ۱۱۹۸ خورشیدی) در اصفهان به دنیا آمد. همین جا یک اختلاف مهم بین مورخان به وجود می‌آید و آن هم این است که پدر او ارمنی بود یا مسلمان شده بود. اختلافی که البته بعدها ادامه پیدا می‌کند و در مورد خود ملکم خان هم به یک دوراهی تاریخی ختم می‌شود.

با این حال حل ماجرایی که باعث شده در مورد او در تاریخ حرف زیاد باشد؛ سه مطلب است. نخست نقش او در قراردادهایی یک طرفه به نفع بیگانگان مثل امتیازنامه رویترز و فرامونشاخه در ایران داشت که محلی برای ایده‌های فراماسونری در نظر گرفته می‌شود و سومی نقش او در ترویج ایده‌های غربی در خصوص دنیای نو، مدرنیته و حکومت قانون که قشر مذهبی با دیدی منفی و به مثابه دین‌ستیزی به آن می‌نگریسته است.

همین وجه خاکستری در مورد یک ارمنی دیگر در دوران مشروطه هم وجود داشت. بیرم خان ارمنی. بیرم خان حدودا پنجاه سال پس از میرزا ملکم خان به دنیا آمد و تقریبا تا ۴۱ سالگی حود یعنی زمانی که یکی از نیروهای فاتح تهران و نجات دهنده از استبداد صغیر محمدعلی شاه بود؛ چهره‌ای سفید در تاریخ دارد ولی پس از آن تا حدود سه سال بعد، قطعا اجابتی از او سر می‌زند که باعث می‌شود سیاهی انبوهی وارد قضاوت تاریخی از او شود. این فعالیت‌ها از مشارکت در خلع سلاح نیروهای ستارخان در پارک اتابک (محل سفارت فعلی روسیه در تهران) هست تا مشارکت در صدور حکم اعدام برای شیخ فضل‌الله نوری.

اما به جز این دو باید یادی کنیم از آلنوش طربان؛ یک زن ایرانی و ارمنی که یکی از شاخص‌ترین دانشمندان معاصر ایران بود. او در سال ۱۲۹۹ متولد شد و در اسفند سال ۱۳۸۹ از جهان رفت. به او لقب «بانوی اختر فیزیک ایران» و «مادر ستاره شناسی ایران» داده‌اند.

طربان دکترای فیزیک از دانشگاه سوربن فرانسه دارد و از سال ۱۳۴۳ استاد اخترفیزیک در دانشگاه تهران بودند. او در سال ۱۳۴۵ شمسی اولین رصدخانه فیزیک خورشیدی و اولین تلسکوپ خورشیدی را در ایران بنیان کرد و بین سالیان ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ شمسی در رصدخانه مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران نقشی پررنگ داشت. مهم‌ترین تخصص او در خورشید شناسی بود. طربان در سال‌های پایانی عمر خود به خانه سالمندان رفت و خانه‌اش را هم به گروهی نیازمند اهدا کرد.

و دست آخر یادی کنیم از آرسن میناسیان. مردی که به «مسیح رشت» معروف است. او در سال ۱۲۹۵ متولد شد. زندگی خرفه‌ای، ساخت داروهای سنتی بود. فنی که از یک داروساز در قزوین یاد گرفته بود. او پس از آن به راه‌گاه خود در گیلان بازگشت و داروخانه خود را در این شهر را تاسیس کرد. خدمات او به مردم گیلان به ویژه در بحبوحه جنگ جهانی دوم که بیماری تیفوس و تیفوئید در گیلان بیداد می‌کرد؛ باعث شد که دانشگاه تهران به او مدرک افتخاری داروسازی بدهد و او بتواند نخستین داروخانه شبانه‌روزی ایران را تاسیس کرد. البته او موسس اولین ایستگاه خبریه سالمندان در ایران هم بود؛ او در همین آسایشگاه و در هنگام خدمت به سالمندان در سال ۱۳۵۶ درگذشت.

به این فهرست البته می‌توانیم اسم‌های دیگری را هم اضافه کنیم. مثلا گاسپار ایگیان که نخستین رئیس بلدیه یا شهردار تهران بود و برای نخستین بار نور را به خیابان‌های تهران آورد، سومیات هاکوبیان که بنیان گذار برندی به همین نام در حوزه کت و شلوار است و لئون آهارونیان، تأسیس کارخانه فرآورده‌های گوشتی «آندره»، و البته زوریک مرادیان، سرباز وظیفه ایرانی ارمنی تبار که نخستین شهید ارمنی در جنگ ایران و عراق بود.

سینماگرها؛ از مادام تا ماهایا

برخی از نخستین‌های سینمای ایران ارمنی هستند. مثلا مادام سیرانوش با نام کامل «سیرانوش ملکونیان» که بازیگر فیلم صامت «آبی و رابی» در سال ۱۳۰۹ بوده یک ارمنی است. با این حال مهم‌تر از او کارگردانی است به نام «اوانس اوهانیانس» یا اوگانیاس که متولد سال ۱۲۷۹ بود. او به رهایی در سال ۱۳۴۵ شمسی در تهران به دنیا آمد و زاده شده بود. او در سال ۱۳۰۹ یک مدرسه با نام «مدرسه آرتیستی سینما» را تاسیس کرد و در همان سال، نخستین فیلم سینمای ایران را هم ساخت که روز جمعه ۱۲ دی ۱۳۰۹ در ساعت ۲ بعدازظهر در سینما مایاک به نمایش درآمد ولی متاسفانه هیچ نسخه‌ای از آن به دلیل آتش‌سوزی این سالن سینما در سال ۱۳۱۱ در دست نیست. این فیلم همان فیلم «آبی و رابی» بود. و بعدها یک فیلم دیگر هم ساخت به نام «حاجی آقا کنور سینما» که آن هم فیلم صامت و البته کمدی بود. او در سال ۱۳۴۰ درگذشت.

«ساموئل خاچیکیان»، یکی از تاثیرگذارترین کارگردان‌های ایرانی است و برخی او را به عنوان هیچ‌سال‌گرای ایران یاد می‌کنند. او متولد سال ۱۳۰۲ بود. خانواده‌ای فرهنگی داشت و از سن نوجوانی پایش به تئاتر باز شد. بیست و چهار، پنج‌ساله بود که اساسا با همین خانواده یک گروه تئاتر را راه‌اندازی کرد و این در حالی بود که چهار سال قبل از آن نخستین فیلم خود با نام «بازگشت» را ساخته بود. به این ترتیب او در حدود ۵۰ سال، ۳۴ فیلم را کارگردانی و دو فیلم را تهیه کرد. البته به جرات می‌توان گفت که هیچ کدام از فیلم‌های او به اندازه فیلمی که در سال ۱۳۶۳ ساخت و «عقاب» هاش نام داشت دیده نشد. فیلمی جنگی که رویدادی واقعی در مورد یک خلبان نیروی هوایی ایران یعنی «بدالله شریفی‌راد» را به نمایش می‌گذارد که در محدوده کردستان عراق سقوط می‌کند و خلبان او با کمک کردهای عراقی نجات پیدا می‌کند. گفته شده این فیلم نزدیک به ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر را به سینماها کشیده و این در حالی است که فیلم بارها و بارها نیز پس از آن از تلویزیون پخش شده است. ساموئل خاچیکیان که توسط برخی از دوستانش با عنوان «سام‌ول» هم خوانده می‌شد، در سال ۱۳۸۰ درگذشت.

دیگر سینماگر ارمنی که متاسفانه او را نیز از دست دادیم «لوون هفتوان» نام دارد. او در سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمد و به طور کلاسیک درس‌خوانده هنر بود و فارغ‌التحصیل هنرهای نمایشی از دانشگاه تهران. هفتوان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ در روسیه و کانادا زندگی کرد و پس از بازگشت به ایران نیز در ۱۰ فیلم سینمایی بازی کرد که بیش از همه بازی او در فیلم «دراکولا»ی رضا عطاران به چشم مخاطب آمد. هفتوان متاسفانه در اسفند سال ۱۳۹۶ بر اثر سکته قلبی در سن ۵۱ سالگی درگذشت.

اما در میان سینماگران ارمنی که در قید حیات هستند بایدبه «لاورژ کریم مسیحی» اشاره کنیم. زاده فروردین سال ۱۳۳۱ در شهر اراک که در جوانی می‌خواست پزشکی بخواند اما به عنوان تحصیل و حرفه خود انتخاب کند ولی آشنایی او از طریق یک دوست با یک بازیگر تئاتر و سینما باعث شد که به عنوان بازیگر وارد این عرصه شود و یک سال بعد به عنوان دستیار و منشی صحنه در فیلم «گربار» بیضایی فعالیت خود در این هنر را آغاز کند. لاورژ پس از ان دستیاری کارگردان مطرحی در فیلم‌های شاخصی را انجام داد مثلا «تنگسیر» از «امیر نادری» در سال ۱۳۵۴ اثر امیر نادری و «شناده احتجاب» از «بهمن فرمان آرا» در سال ۱۳۵۳. او که مدت‌هاست در سینمای ایران فعالیتی ندارد تاکنون دو بار برنده سیمرغ بلورین جشنواره فجر شده است. یک بار برای فیلم «پرده آخر» در سال ۱۳۶۹ و بار دوم برای تدوین فیلم سینمایی «ندارها» در سال ۱۳۸۹.

در میان بازیگران ارمنی هم باید به «ماهایا پطروسیان» اشاره کنیم. او که متولد سال ۱۳۴۸ است از حدود ۲۱ سالگی به عرصه سینما گذاشت و اتفاقا در همان فیلم سینمایی پرده آخر لاورژ کریم‌مسیحی در سال ۱۳۶۹ بسیار دیده شد و توانست در دومین سال بازیگری خود برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم یا مکمل زن شود. همین اتفاق ۱۰ سال بعد هم برای او تکرار شد و آن برای ایفای نقش در فیلم سینمایی «کمکم کن» ارسول ملاقلی‌پور» بود. آخرین کاری که از او در کارنامه‌اش باقی مانده بازی در فیلم «لس آنجلس تهران» اثر خانم «تینا پاکوران» است.

در پایان این بخش اشاره‌ای کوتاه هم بکنیم به نام آرمان هوسپیان که برنده جایزه بهترین بازیگر مرد سال در سال ۱۳۳۴ به خاطر فیلم چهارراه حوادث شد و لورپک میناسیان دختر او که نقش او در سریال کارآگاه شمسی و دستیارش مادام ساخته مرضیه برومند در ذهن‌ها باقی مانده است.

موسیقی؛ از ویگن تا لوریس

موسیقی ایران چهره‌های ارمنی بسیاری دارد که شاید پاپ یا محبوب‌ترین آن‌ها «ویگن» باشد. ویگن متولد سال ۱۳۰۸ و اهل همدان بود. او از نوجوانی به موسیقی علاقه داشت و کمی بعد به خاطر صدای خوبی و استعدادش در خواندن ترانه به زبان‌های مختلف در کافه‌های شهر همدان اجرا می‌کرد. از ۲۲ سالگی به تهران آمد و تبدیل به خواننده اصلی کافه رستوران باغ شمیران شد. رستورانی در تقاطع خیابان فردوسی و استانبول کنونی. او همچنین از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۳۵ در حدود ده فیلم سینمایی نیز بازی کرد ولی شهرت او به خاطر همان موسیقی جاز و ترانه‌هایی مانند «مرابیوس» باقی ماند. ویگن در سال ۱۳۵۰ به آمریکا مهاجرت کرد و در سال ۱۳۸۲ در لس‌انجلس درگذشت.

از میان چهره‌های موسیقایی قبل از انقلاب باید به واروژ هاخباندیان با نام هنری واروژان نیز اشاره کرد که از او به عنوان یکی از بنیانگذاران موسیقی پاپ در ایران و پدر ترانه‌سازی نوین ایران نیز یاد شده است.

او به شکل آکادمیک در مدرسه عالی موسیقی تهران و نیز مدرسه عالی موسیقی آمریکا درس خواند و از سال ۱۳۴۷ یعنی در ۳۲ سالگی تا سال ۱۳۵۶ به اهنگسازی برای خوانندگان پاپ شاخص آن زمان مانند فرهاد و داریوش و ابی و نیز گوگوش یا همسان خانم فائقه آتشین پرداخت. او همچنین اهنگسازی ۲۵ فیلم سینمایی را برعهده داشت. اگر دوست دارید یکی از اهنگ‌های او را بشنوید می‌توانید به ترانه «پوست شیر» رجوع کنید. او در سال ۱۳۵۱ به خاطر تهیه موسیقی متن فیلم «صبح روز چهارم» برنده جایزه سیاس هم شد که معادل جایزه جشنواره فیلم فجر است و پس از انقلاب بود. او در شهریور سال ۱۳۵۶ بر اثر سکته قلبی درگذشت.

و بالاخره باید یادی کنیم از استاد لوریس چکناوریان. او متولد سال ۱۳۱۶ در بروجرد است و یکی از چهره‌های شاخص و بین‌المللی موسیقی ایران. پدر و مادر او از پناهندگانی بودند که در جریان نسل‌کشی ارامنه به ایران آمدند. با این حال هر دو روحیه فرهنگی و طبع لطیف خود را حفظ نکردند و تمایل داشتند که هر سه فرزندشان موسیقی را بلد شوند و لوریس در ۸ سالگی کار با ویولن را آغاز کرد. او در سال ۱۳۳۲ وارد هنرستان عالی موسیقی ایران شد و سپس توسط خانواده و برای ادامه تحصیل به وین فرستاده شد. او در نهایت توانست از اکادمی موسیقی این شهر که در سطح جهانی به شهر موسیقی معروف است فارغ‌التحصیل شود و همچنین دوره‌ای برای رهبری ارکستر را در دانشگاه میشیگان بگذراند.

در این میان او البته کارهای شاخص در حوزه عملی هم انجام داد. مثلا در زندگینامه او آمده که حتی پیش از رسیدن به سن قانونی هجده سالگی و در ۱۷ سالگی خود توانست برای نخستین بار هدایت ارکستر سمفونی تهران را بر عهده بگیرد و مدتی هم در کنسراتور موسیقی تهران، تئوری موسیقی تدریس کرد.

او تقریبا از اواخر دهه چهل فعالیت حرفه‌ای خود را در ایران آغاز کرد و اپراهای زیادی را روی صحنه برد و تاکنون نیز فعال است. به این ترتیب می‌توان گفت که او حدود ۵۵ سال از عمر خود را صرف فعالیت حرفه‌ای در حوزه موسیقی کرده است. علاوه بر این او در زمینه نمایشگاه نقاشی و نیز نویسندگی هم دستی بر آتش داشته است. مجموع این‌ها باعث شده که او در سال ۱۳۸۱ نشان درجه یک هنری را کسب کند و جالب اینکه او پیش از انقلاب هم از سوی همسر شاه پیشین نشانی تحت عنوان همایون گرفته بود.

نکته جالب‌تر در مورد چکناوریان این است که او با وجود ارمنی بودن، به عزاداری محرم برای امام حسین و شخصیت‌های عاشورایی علاقه دارد تاحدی که یک قطعه به نام «شب قبل از عاشورا» نیز ساخته که توسط ارکستر سمفونیک البرز و گروه کر فلارمونیک ایران اجرا شده است.

قاب ایرانی

احمدرضا عابدزاده؛ این هفته از پارکینگ خودروهای قدیمی و تاریخی زائدالمری دیدن کرد

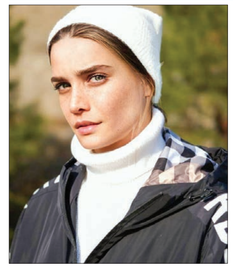

تینا آخوند تبار هنربیشه و بوکسور، این روف آندرانیک تیموریان نشسته داره املت می‌زنه یا نون سنگک. از نوینتر جورج روستایی

شب کریسمس ملت در به در افتادن دنبال درخت کاج، این وقت آندرانیک تیموریان نشسته داره املت می‌زنه یا نون سنگک. از نوینتر جورج روستایی

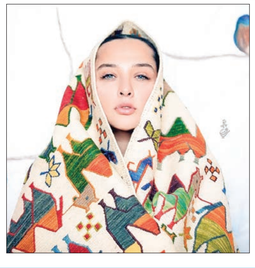

آناهیتا درگاهی با انتشار این عکس در اینستاگرامش نوشت کاش برف بیاد زمستون قشنگ بشه.

شب برفی ایستگاه راه‌آهن نیشابور. عکس از محسن مهرنگار

قاب فرنگی

ایلان ماسک از طرف شرکت اسپیس ایکس در روز کریسمس به مادرش سیج حرازی استارشیپ هد به داد

بیانسه به این شکل، بین دو نیمه مسابقه فوتبال آمریکایی ویژه روز کریسمس بهترین آهنگ‌های آلبوم آخرش را اجرا کرد

کریستیانو رونالدو در دوبی، برنده جایزه بهترین بازیکن فاوربیمانه شد و جایزه افتخاری بهترین گلزن تاریخ را هم دریافت کرد.

اینستاگرام ۴۲۳ این تصویر را از رونالدو و وینی جونیور منتشر کرده و نوشته: استاد و شاگرد!

تصویری که پاپارازی‌ها در آخرین روزهای سال ۲۰۲۴ از تیلور سوئیفت و نویس کلسی ثبت کردند.

خانواده پرنس ویلیام و کیت میدلتون این عکس را به مناسبت کریسمس به اشتراک گذاشتند

ویدئوهای پربازدید هفته

قدردانی خاکپور، جمله طلایی تهامی و محبوبیت دایی

این هفته و ابرال‌ترین ویدیو مربوط به صحبت‌های جنجالی محمد خاکپور در ورزشگاه آزادی بود. او قبل از شروع بازی پیشکسوتان پرسپولیس و استقلال با تیم ملی نسل ۹۸، در مصاحبه با محمدرضا احمدی روی آنتن زنده شبکه سه گفت: «من به عنوان کسی که سال‌های زیادی رو تو ورزش این مملکت گذروندم و تو این استادیوم بازی کردم، جا داره که قدردانی یکنم از شخصی که ۵۰ و خردهای سال گذشته این استادیوم را ساخت و باعث آبروی ملت ما شد.» احمدی حرف او را قطع کرد و گفت: «به هر حال الان ما نگاه می‌کنیم هم همینطوره. شاید تو مجموعه‌های ورزشی آسیا بی‌نظیر باشیم. امیدوار باید باشیم که حفظ بشه.» خاکپور ادامه داد: «حرف من هم همینه. یه شخصی که واقعا میهنش‌رو دوست داشته این استادیوم‌رو ساخته ولی تو چند هفته گذشته مسئولین ما نتونستن اون‌رو حفظ کنن. حتی ما از درست کردن چمن استادیوم عاجز بودیم و ...» ابراهیم تهامی که سال‌ها پیش به خاطر گفتن جمله «اگر از خودم تعریف نباشه دیگه مثل من نمیاد» حاشیه‌ساز شده بود، این هفته دوباره ادعای خود را تکرار کرد و گفت: «من تا زمانی که زنده‌ام می‌دونم که کسی مثل من نمیاد. وقتی تو لیگ برترمون مهاجم تک به تک نمی‌تونه از یک مدافعی که عقب عقب میره رد کنه، دیگه مثل من نمیاد. مطمئن باش.» علی دایی به آسایشگاه کهریزک کرج رفت و استقبال گرمی از او شد. یکی از زنان آسایشگاه به او گفت: «آقای دایی انقدر دنیا کار خیر کردی که خدا بهشتش رو این پایین به تو نشون داد. بهشت خدا اینجاست. خیلی خوش اومدی.» رضا عطاران هم که به یک نمایشگاه ماشین رفته بود، با استقبال گرم مردم رو به رو شد و رفتار گرم و صمیمانه‌اش مورد توجه قرار گرفت. اگر یادتان باشد خیلی سال پیش یک مسابقه تلویزیونی در شبکه دو پخش می‌شد به اسم ثانیه‌ها. در آن سال‌ها جواب‌های غلطی که برخی از خانم‌های شرکت‌کننده به مجری برنامه، داریوش کاردان داده بودند، سوژه فضای مجازی شده بود. مثلا خانم شماره ۳ در جواب به سوال «بیماری التهاب در کبد را چه می‌گویند؟» گفته بود «چربی». واکنش خود آقای کاردان هم البته بامزه بود. حالا به تازگی داریوش کاردان در یک مصاحبه از این ماجرا گله کرده و گفته: «من از تمام کسانی که از من سوال کردند این خانم‌ها رو از کجا پیدا کردی، پرسیدم کدام مجلس انقراض سلطنت قاجار رو تصویب کرد؟ موندند! شما می‌خندید چون اون‌ها بلد نبودند اما خودتون هم بلد نیستید. نه اینکه شما بیاید هفت سال یکسری خانم رو مورد تمسخر قرار بدید. یک بار پخش شد کافیه دیگه.»

سوژه هفته

رفوزه‌های بامزه

این هفته کاربری به اسم «محمدم نه ممد» پرسید: «دوستان کمترین نمره‌ای که ایام دانشجویی و دبیرستان گرفتید، چند بوده؟» بعضی‌ها جواب‌های بامزه‌ای دادند.

هیتانا: اول دبستان املا ۲۵صدم گرفتم بعد فهمیدم که باید این چیزایی که بهمون یاد میدن‌رو تمرین کنم.

سفران: وقتی برگشته بودم ایران، سال سوم راهنمایی اولین املای فارسی‌رو دیدم بهم داده هشت. اسمم‌رو خوند و کشید منو کنار و گفت تو در اصل ۲۸ تا غلط املایی داشتی و با یه چهره عاقل اندر سفیه بهم خیره شد که یعنی به عبارتی تست ریاضی هم ازم گرفت اون وسط.

ط: استاد ریاضی ۱ بهم ۹ داده بود، اعتراض کردم. برگه‌مرو آوردن جلوی خودم صحیح کردن شدم ۷۵ صدم.

بنزین: اعتقادم این بود درسی که قراره بیفتم‌رو خب چرا از خوابم بزنم برم امتحان بدم؟ برای همین کارنامه دوم دبیرستانم‌رو که ببینید ۷ تا از درس‌هارو زده غایب.

رام: صفر! اون هم اول دبستان. دلیلش هم تقلب در دیکته. چرا؟ برای اینکه سه دیکته قبلی‌رو ۲۰ نگرفته بودم و خانواده فشار آوردن که بعدی‌رو باید ۲۰ بشی و یادم نمی‌اومد تیغ یا کدوم «ق» نوشته می‌شه! این فشار در حالی بود که تا پنجم دبستان معدل بنده ۲۰ شد.

اشکان: یک بار منفی ۳ گرفتم بعد معلم قرار بود اسم نخونه. تا آخر کلاس فقط داشت منو نگاه می‌کرد و سرش‌رو تکون می‌داد. بعد من اینجوری بودم که وا.

تاماکتی جون: همین دو سال پیش ۱ شدم. به استاد پیام دادم گفتم کل کلاس چهار نفره. سه‌تاشون پاس شدن. واقعا ترم بعد می‌خوای منو تنها ببینی سر کلاس؟ ۱۶ بهم داد.

موزان: بچه‌ها من تو دبیرستان به بار ادبیات شدم ۰/۵ - جدی. منفی شدم. برای هر غلط نیم نمره کم می‌کرد و من منفی شدم. همون نمره رو هم وارد لیست نمراتش کرد.

مهدی زاده: استاد جوانم را در جایی که نباید دیدم، استادی به غایت سخت‌گیر بود، میان ترم در حد ۱۲ نوشته، ۱۹ گرفته، پایان ترم هیچی ننوشتم و باز ۱۹ گرفتم، پیامی داد که حالا از ما یک آتویی داری ولی حداقل ۴خط خاطره بنویس آموزش بهمون گیر نده.

عماد: دوره کارشناسی به استاد جوون داشتیم به شدت با ما رفیق شده بود. تو واتساپ حرف می‌زدیم و حتی جوک و کلیپ می‌فرستادیم برای هم. بعد امتحان بهش پیام دادم: «دکتر جون چند شدم؟!» پیام داد: «سلام داداش چطوری. ۴ شدی.» و همون ۴ رو هم ثبت نهایی کرد.

دث: فکر می‌کنم شیمی ۷۵صدم شدم. جالب اینجاست که با اعتماد به نفس کامل داروسازی می‌خونم.

وعده وحید: استاد ازم درس پرسید، هیچی بلد نبودم. گفت ۲ شدی. گفتم آخ جون هیچی بلد نبودم ۲ نمره گرفتم. خطش زد گردش صفر.

بدون شرح از ایکس عطا

رویداد هفته

۲۰۲۵ شروع شد و ما هنوز در ناباوری به‌سر می‌بریم

دیروز اولین روز سال نوی میلادی بود. گذر عمر متاسفانه آنقدر زود می‌گذرد که خیلی‌ها در ایکس هنوز نتوانسته‌اند با این مسئله که ۲۰۱۹ تمام شده کنار بیایند.

بوجک: ۲۰۲۵ شروع شد. این یعنی پنج سال از کرونا گذشته، ۲۰۱۷ شده هشت سال پیش، جام‌جهانی برزیل رو ۱۱ سال پیش از تلویزیون دیدیم و ۱۳ سال پیش همین موقع‌ها بود که فکر می‌کردیم دنیا قراره تموم شه.

درسر کم: امیدوارم بابانوئل امسال برات یه کم احساس گناه بابت کاری که کردی بیاره.

علی اردم: انقدر از وقایع روز دورم که از اسوتری‌های دوستان فهمیدم دیروز اول ژانویه بود.

پیروز نهاوندی: به سر به اسوتری اینستاگرام زدم فهمیدم جشن سال نوی میلادی رو ما ایرانی‌ها بسیار باشکوه‌تر از آمریکا برگزار می‌کنیم.

اتم: می‌دونستید ۲۰۲۵ مربع کامله و می‌شه ۴۵ به توان دو؟! آخرین باری که این اتفاق افتاد ۸۹ سال پیش بود و دفعه بعد هم ۹۱ سال دیگه‌ست. ممنون.

علی: شاید باورتون نشه ولی الان به ۲۰۳۰ نزدیک‌تریم تا ۲۰۱۹.

کلینت: بعد از تحویل سال نوی میلادی، بابای خانواده ۱۰ دلاری نو از لای انجیل درمیاره میده به اعضای خانواده.

محمدجواد: الان اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دارن تقویم‌رو چک می‌کنن ببینن ۱۳ ژانویه چند شنبه میفته.

حانیتا: برنامه واسه سال ۲۰۲۵ اینجوریه که با این قضیه که سال ۲۰۱۹ تموم شده کنار بیام.

رواتشاس روانی: من تصمیم گرفتم که از ۲۰۲۵ دوباره از مغزم استفاده کنم، به‌نظرم دیگه این همه استراحت کافیشه.

مانی: واقعا فرقی نداره، کریسمس، عید، یلدا، چهارشنبه سوری، اصلا هالووین، هرچی خلاصه به چیزی باشه به بهونه و ادایی برای خوش گذشتن. واقعا چی بهتر از این.

بهمن پگینژ: اسم کسانی که می‌گن «۲۰۲۵ سال منه» رو یادداشت می‌کنم اگه سالشون بود بهتر بیان جواب پس بدن.

زهرا: تا اینجا ۲۰۲۵ جالب نبود واقعا.

اتنگرال: از اونجایی که ۲۰۲۵ به پنج بخش پذیره، احساس آرامش بیشتری دارم.

مینیوس: من از اعداد رند و نسبتا رند خوشم نمیاد. برای همین کلا با سال ۲۰۲۵ تو قیافه‌ام. اصلا هم کاری ندارم چه اتفاقاتی در این سال میفته.

خسته‌ترینش: پاییز خارج خیلی تند و ترسناکه. از هالووین میفتی تو بلک‌فرایدی و روز شکرگزاری و تو کریسمس و بعدشم زمستون سال نو و تمام!

شادی: هر سال اینطوریه که سال نو میلادی میگم ما ایرانی هستیم، خونه‌تکونی هم سنت نوروزه و طفره میرم از تمیزکاری. عید نوروز که میشه میگم ما که اینجا فامیلی به این صورت نداریم در عین حال نو

نکته بازی

نکونام حالاحالاها از یاد نمی‌رود!

سه روز پیش بود که خبر تمدید قرارداد اوستون اورونوف با پرسپولیس منتشر شد. این احتمالا بهترین خبری بود که می‌توانست هواداران پرسپولیس را خوشحال کند. اورونوف با وجود اینکه در فصل جدید مصدومیت‌هایی طولانی‌مدت داشته اما همچنان موثرترین و کلیدی‌ترین بازیکن پرسپولیس است که درخشش او باعث شده بود احتمال جدایی‌اش و پیوستنش به تیم‌های عربی زیاد شود اما او حالا قراردادش را دو سال دیگر تمدید کرده و خیال هواداران پرسپولیس از این بابت راحت شده است. با این اتفاق، یک بار دیگر هواداران استقلال به یاد ماجرای عدم جذب او توسط جواد نکونام افتاده‌اند! جالب اینکه این اتفاق با دردسری که فرشید اسماعیلی در مس رفسنجان درست کرده همزمان شده و داغ دل هواداران استقلال را تازه کرده است. در نیم‌فصل لیگ قبل، جواد نکونام، جذب اورونوف را مشروط به جذب فرشید اسماعیلی و فرشید باقری کرده بود اما چون مدیران وقت استقلال نتوانستند یا نخواستند این دو هافبک پا به سن گذاشته را جذب کنند، نکونام هم از جذب اورونوف سر باز زد! حالا بعد از گذشت یک فصل، اورونوف ستاره پرسپولیس است و فرشید اسماعیلی با صفر گل و صفر پاس گل و مصدوم کردن بازیکن خودی روی نیمکت و محرومیت، کاملا بلاتکلیف است! فکرش را بکنید! نکونام به خاطر این اسماعیلی، بی‌خیال اورونوف شد و جالب اینکه همین اورونوف فصل گذشته عامل اصلی قهرمانی پرسپولیس و نایب قهرمانی استقلال با هدایت جواد نکونام شد! با شرایطی که این هافبک تکنیکی ازبک دارد، هواداران استقلال از این به بعد هم بارها به یاد لجبازی عجیب نکونام خواهند افتاد و از او در فضای مجازی و استادیوم‌ها یاد خواهند کرد!

مگر پیاز خریدی که تعهد نمی‌دهی؟

رضا درویش مدیرعامل باشگاه پرسپولیس در مراسم تمدید قرارداد با اوستون اورونوف گفت: «تیم ما در چند سال اخیر قهرمان بوده اما تیم رقیب ما خیلی جایگاه پایین‌تری از ما دارد ولی چیزی برای آنها درست نمی‌کنند.» واقعا نمی‌دانیم مدیرعامل یک باشگاه در پاسخ به عملکرد خودش، چرا باید از این ناراحت باشد که چرا چیزی (حاشیه‌ای) برای تیم رقیب درست نمی‌شود! اصلا رقیبی که در نیمه دوم جدول قرار دارد، جایی هم برای حاشیه دارد؟ استاد در بخش دیگری از این مراسم و در پاسخ به سوالی درباره جذب بازیکنان خارجی گفت: «من ۴ بازیکن انتخاب کردم. لوکادیا، باهویی، ارونوف و عبدالکریم بازیکنانی بودند که نظر من بودند. من همانگونه فکر کردم که لوکادیا به درد می‌خورد فکر کردم نبیل هم خوب است. مگر تعهد دادیم هر بازیکنی که آمد بتواند عملکرد خوبی داشته باشد؟» عرض کنیم خدمت آقای درویش که ما همین دیشب یک کیلو میوه برای منزل خریدیم و خانم خانه، میوه را پسند نکرد! هر چقدر گفتیم که ما تعهد ندادیم که میوه‌ها خوب باشند، پذیرفته نشد و مجبور شدیم برویم و با چیز دیگری تعویض کنیم! حالا چطور ممکن است شما از بودجه باشگاه با تصمیم شخصی خود میلیاردها تومان هزینه جذب بازیکنان خارجی کنید و بعد خیلی راحت و با لحنی حق به‌جانب اعلام کنید که تعهد نداده‌اید که بازیکنان خارجی عملکرد خوبی نداشته باشند؟ مگر فراموش نکرده‌اید که وقتی نام همین بازیکنان لو می‌رفت، رسانه‌ها و کارشناسان رزومه آنها را بررسی می‌کردند و به شما هشدار می‌دادند که فلانی کارنامه خوبی ندارد؟ البته حتی بدون این هشدارها هم باید پاسخگو باشید! از جیب خودتان که خرج نکرده‌اید!

در انتظار یک بازی کلاسیک

رویارویی امشب استقلال و سپاهان نوید یک بازی تماشایی را به فوتبال ایران می‌دهد

بازی امشب استقلال و سپاهان می‌تواند تبدیل به یک بازی کلاسیک شود. حضور دو مربی خارجی و چند بازیکن ویژه در این بازی، این توقع را ایجاد می‌کند که منتظر یک نمایش زیبا، باکیفیت و شاید خاطره‌انگیز باشیم.

پیتسو موسیمانه از زمان حضورش روی نیمکت استقلال در کنار ضعف‌های فنی فهرست آبی‌پوشان که همواره مورد انتقاد سرمربی آفریقایی بوده، با یک چالش مهم دیگر هم مواجه شده که آن هم بحث عدم آمادگی جسمانی بالای بازیکنان استقلال بوده است؛ به‌طوری که سریال مصدومیت‌های بازیکنان، پیتسو را وادار به انجام تغییرات اجباری در ترکیب تیمش می‌کرد و در آخرین فقره، روزبه چشمی که جزو ارکان کلیدی ترکیب استقلالِ موسیمانه بود، آسیب دید و از دایره بازیکنان در دسترس پیتسو موسیمانه خارج شد.

روزبه، آماده بازگشت به ترکیب اصلی استقلال

سرمربی آفریقایی استقلال برای مصاف حساس عصر امروز مقابل سپاهان، چشمی را در دسترس خود می‌بیند؛ هرچند بازیکنانی نظیر محمدحسین مرادمند و زبیر نیک‌نفس نمی‌توانند استقلال را در این بازی حساس همراهی کنند اما بازگشت چشمی می‌تواند خود خبر خوشی برای موسیمانه باشد. در غیاب چشمی، استقلال برابر آلومینیوم اراک و چادرملو اردکان به میدان رفت که یک گل در این ۲ مسابقه دریافت کند و آنچه به چشم می‌آمد، ناکامی در انتقال توپ از دفاع به حمله بود.

زکی‌پور قربانیِ بازگشت چشمی؟

سپاهان عناصر تهاجمی سرعتی دارد و بهترین خط حمله لیگ بیست‌وچهارم را داراست و استقلالی‌ها که دومین خط دفاعی ضعیف لیگ را دارند، باید بتوانند مقابل حریف پرستاره خود مقاومت کنند. موسیمانه برای ایستادن برابر بهترین خط حمله فصل، امید به درخشش چشمی دارد و می‌خواهد روزبه را به ترکیب اولیه آبی‌پوشان بازگرداند؛ به‌طوری که او با توجه به نمایش‌های قابل‌قبول ایمان سلیمی و میلاد زکی‌پور در فاز دفاعی، مردد است که کدام یک را نیمکت‌نشین کند و به نظر می‌رسد که زکی‌پور از شانس کمتری برای ماندن در ترکیب اولیه آبی‌پوشان برخوردار است.

سلیمی و موقعیتی که احتمالاً حفظ می‌کند

روزبه چشمی اگر جانشین میلاد زکی‌پور شود، احتمالاً آبی‌پوشان با حضور او در رأس خط دفاع و بازی کردن رافائل سیلوا در قامت مدافع میانی متمایل به سمت راست و ایمان سلیمی در نقش مدافع میانی متمایل به سمت چپ، کار خود را برابر سپاهان دنبال می‌کنند. اگر هم ایمان سلیمی از ترکیب بیرون برود که ماموریت او در سمت چپ به میلاد زکی‌پور سپرده خواهد شد اما با توجه به حضور وینگرهایی مثل محمدمهدی محبی و مهدی لیموچی در ترکیب سپاهان، حضور مدافع ایستایی مانند سلیمی می‌تواند بیشتر به کمک استقلال بیاید و احتمالاً او در ترکیب آبی‌پوشان جایگاه خود را حفظ می‌کند.

چهره‌های ویژه سپاهان

در آستانه رویارویی دوباره استقلال و سپاهان به بررسی وضعیت فنی چند بازیکن شاخص این روزهای سپاهان پرداخته‌ایم که سابقه بازی در استقلال را دارند اما به جز یکی از آنها بقیه با شرایط فنی با ثباتی به این مسابقه نمی‌رسند.

دوران حضور صالح حردانی در سپاهان با فرار و نشیب زیادی همراه بوده است. او فصل را با عملکردی انتقادبرانگیز آغاز کرد اما پس از چند هفته توانست جایگاه خود را بهبود ببخشد. در این مدت حردانی هم در سپاهان و هم در تیم ملی نمایش‌هایی توام با تحسین و انتقاد را پشت سر گذاشت. او مصاف با پرسپولیس و گل‌گهر را به دلیل مصدومیت از دست داد و آریا یوسفی در این دو مسابقه جای او را در ترکیب اصلی گرفت. کارترون که نشان داده اعتقاد ویژه‌ای به آریا یوسفی دارد، در دیدار برابر هوادار نیز باوجود اینکه حردانی را در اختیار داشت، به او فرصت بازی نداد. در این شرایط بعید است سرمربی فرانسوی در مصاف با استقلال هم قصدی برای ایجاد تغییر در پست دفاع راست تیمش داشته باشد.

محمد دانشگر با ثبات‌ترین بازیکن این روزهای اردوی سپاهان است که سابقه بازی در استقلال را هم دارد. او البته برخی مسابقات این فصل تیمش را به دلیل تلاش نافرجام برای جدایی از سپاهان از دست داد. با این حال همچنان با انجام ۱۸ مسابقه در ترکیب طلایی‌پوشان طی ۳ تورنمنت مختلف از فعال‌ترین بازیکن اردوی سپاهان بوده و در مصاف با استقلال هم زوج محمدامین حزباوی در قلب خط دفاعی تیمش خواهد بود. او به مانند حزباوی در ضربات ایستگاهی هم زهردار است و علاوه بر اینکه مهاجمان استقلالی کار سختی مقابل او دارند، در فاز دفاعی هم عناصر تدافعی تیم سابقش باید مراقب حرکات او باشند. ثبت ۲۹۶ دقیقه حضور در لیگ‌برتر و لیگ قهرمانان آسیا ۲ نشان می‌دهد سیاوش یزدانی به طور کامل از روزهای اوج خود فاصله گرفته است. او در این فصل تنها ۳ مرتبه در لیگ برتر (جمعاً ۱۸۱ دقیقه) و دو بار در لیگ قهرمانان آسیا (جمعاً ۱۱۵ دقیقه) برای طلایی‌پوشان بازی کرده تا جایگاه متزلزل و بی‌ثبات او در اردوی طلایی‌پوشان واضح باشد. شاید اگر ژوزه مورایس بود، شرایط برای سیاوش هم کمی امیدوارکننده‌تر به نظر می‌آمد. حالا اما با حضور کارترون که نشان داده به دنبال پیدا کردن ترکیب اصلی خود است، محمدامین حزباوی و محمد دانشگر جایگاه‌شان را به عنوان دو مدافع میانی سپاهان تثبیت کرده‌اند. در این شرایط یزدانی که بازیکن محبوب هواداران استقلال به شمار می‌رود، شانس بسیار پایینی برای بازی مقابل تیم سابقش دارد.

گزارش

آزاد شدیم بله!

چندین نام بزرگ در ماه‌های آینده رایگان از باشگاه خود جدا می‌شوند

تعداد زیادی از ستاره‌های برجسته فوتبال اروپا به تازگی وارد ۶ ماه پایانی قرارداد خود شده‌اند و حالا با باز شدن پنجره نقل و انتقالات زمستانی می‌توانند با تیم فصل بعدی خود پیش‌قرارداد امضا کنند.

لروی سانه

بعید به نظر می‌رسد سران بایرن قرارداد این ستاره را تمدید کنند چون در فصل جاری، اولیسه سمت راست خط حمله مونیخ را در اختیار خودش گرفته و کمپانی اعتقاد چندانی به سانه ندارد. این بازیکن ۲۸ ساله با وجود فرم نه‌چندان خوبش، مشتریان کمی نخواهد داشت و اخیرا به علاقه همیشگی برای بازگشت به لیگ‌برتر اعتراف کرده است.

ویرجیل فن دایک

یکی از ۳ مشکل بزرگ قراردادی که لیورپول با ورود به سال ۲۰۲۵ با آن مواجه است. ویرجیل فن‌دایک بین صلاح و آرنولد بیشترین احتمال ماندن را دارد. این مدافع میانی هلندی گفته می‌خواهد در آنفیلد ادامه دهد و تلاش دارد در ۳۳ سالگی بهترین قرارداد را از لحاظ زمان و دستمزد امضا کند.

کوین دی‌بروینه

داستان کوین دی‌بروینه با منچسترسیتی به فصل پایانی خود رسیده و همه نشانه‌ها حاکی از خروج تابستانی پس از ۹ سال پر جام در منچستر است. مدیربرنامه هافبک بلژیکی اخیرا اعتراف کرده با توجه به مشکلات تناسب اندام کوین، هیچ تغییری در قرارداد جدیدش صورت نگرفته و در ۳۳ سالگی در گرگ و میش دوران حرفه‌ای خود قرار گرفته. عربستان و آمریکا مقصدهای احتمالی او هستند. هرچند گفته می‌شود علاقه عربستانی‌ها برای جذب دی‌بروینه بیشتر است و حتی النصر مذاکرات را شروع کرده.

ترنت آرنولد

وقتی صحبت از معاملات رئال مادرید به میان می‌آید، دود بدون آتش وجود ندارد. همه نشانه‌ها در رسانه‌های اسپانیایی حاکی از آن است که لوس بلانکوس در مورد جذب آرنولد به صورت رایگان مطمئن هستند. به نظر می‌رسد در آنفیلد هم مذاکرات بر سر قرارداد جدید متوقف شده. ترنت به لیورپول از قصد خود برای نقل مکان به برنابئو و پیوستن به دوست صمیمی‌اش جود بلینگام در تابستان اطلاع داده. البته شادی پس از گل او مقابل وستهام باعث شده برخی از هواداران قرمزها امیدوار باشند هنوز می‌خواهد در لیورپول بماند.

یوشوا کیمیش

کیمیش با اینکه کاپیتان بایرن مونیخ شده و یک پیشنهاد جدید پرسود روی میز دارد، در مورد ماندن در آلیانس آرنا دچار تردید شده. کیمیش در سن ۲۹ سالگی به عنوان یکی از بهترین هافبک‌های دفاعی اروپا به خوبی می‌داند می‌تواند انتخاب‌های زیادی داشته باشد. بارسلونا و منچسترسیتی به او تمایل زیادی دارند.

جاناتان دیوید

جاناتان دیوید یکی از مهاجمان پرخواهان سال‌های اخیر در ماه‌های آینده دوباره در کانون توجه قرار خواهد گرفت زیرا سرانجام با پایان قراردادش با باشگاه فعلی‌اش لیل می‌رسد. بازیکن کانادایی در این فصل پرکار بوده و ۱۷ بار به عنوان بازیکن اصلی در ۲۶ بازی به میدان رفته و در بزرگترین صحنه اروپا در لیگ قهرمانان اروپا درخشیده. او با بایرن مونیخ، بارسلونا و یوونتوس مرتبط بوده اما شاید در لیل بماند.

آلفونسو دیویس

این مدافع چپ که با سرعت انفجاری‌اش شناخته می‌شود، مدتی است سر و صدا کرده اما این حس وجود دارد در مورد آینده آلفونسو دیویس به یک راه‌حل نهایی نزدیک می‌شویم. مدافع چپ، مورد علاقه رئال مادرید، منچستریونایتد و لیورپول است اما او با از سرگیری دوباره مذاکرات می‌تواند در آلیانز آرنا بماند. همه چیز باید در ماه‌های آینده روشن شود.

محمد صلاح

او می‌ماند یا می‌رود؟ از لیورپول اصرار، از صلاح انکار. این داستان ماه‌های اخیر صدرنشین لیگ برتر انگلیس بوده. اکثر رسانه‌های انگلیسی هفته گذشته از توافق بین طرفین و تمدید ۲ ساله حرف می‌زدند اما ستاره مصری در جدیدترین مصاحبه‌اش باز هم اعلام کرد فاصله زیادی با تمدید قرارداد دارد. هواداران لیورپول جدایی بازیکنی که در ۲۶ بازی روی ۳۷ گل تاثیر مستقیم گذاشته را نمی‌پذیرند و به نظر می‌رسد بالاخره فرعون با افزایش چشمگیر دستمزد در آنفیلد خواهد ماند.

سوژه روز

امانتدار مثل آقا کریم

پرسپولیس دومین بازی خود را هم با هدایت کریم باقری با پیروزی پشت سر گذاشت. این تیم در شب خوب مهاجمانش با نتیجه ۵ بر صفر تیم نگونبخت هوادار را مغلوب کرد و حالا تراکتور و سپاهان، صدای نفس‌های این تیم را پشت سرشان می‌شنوند. پرسپولیس با این پیروزی ۲۹ امتیازی شد و با یک بازی بیشتر، با تراکتور هم‌امتیاز شد و البته همچنان دو امتیاز از سپاهان کمتر دارد.

حالا کریم باقری امانتی را که با حالی ناخوش از گاریدو گرفته بود، با یک حال خوب تحویل مدیران می‌دهد تا آنها سرمربی جدید را بدون استرس و با خیالی راحت انتخاب کنند. هرچند ضعیف بودن هوادار را هم نباید نادیده گرفت. این تیم هفته پیش هم ۵ گل از سپاهان خورده بود.

مرد اول این بازی بی‌شک علی علیپور بود. او که در بازی قبل مقابل خیبر خرم‌آباد، دو نیمه متفاوت را پشت سر گذاشته و از جهنم نیمه اول و شعارهای هواداران با زدن یک گل عبور کرده بود، مقابل هوادار یک شب رویایی را پشت سر گذاشت.

او نه‌تنها برای اولین بار هت‌تریک کرد، بلکه به صدر جدول گلزنان هم صعود کرد. هرچند به صدرنشینی در این جدول با زدن ۷ گل در ۱۵ بازی، خیلی هم نمی‌شود افتخار کرد! علیپور در این بازی یک پاس گل هم به آل کثیر داد.

گلزنان دیگر پرسپولیس در این بازی عیسی آل کثیر و اورونوف بودند. آل کثیر برای دومین بازی متوالی گلزنی کرد تا به هواداران این امید را بدهد که موتور گلزنی‌اش روشن شده است. اورونوف هم اولین گلش را پس از تمدید قرارداد با پرسپولیس به ثمر رساند و حالا هواداران پرسپولیس بیشتر از قبل به آینده تیم‌شان با او امیدوارند.

با این بازی، احتمالا تکلیف دو بازیکن خارجی پرسپولیس هم مشخص شده است. ایوب العملود که ۹۰ دقیقه روی نیمکت نشست، شاید جایی در فهرست نیم‌فصل دوم تیم نداشته باشد و مدیران و سرمربی جدید، ترجیح بدهند به جای او یک بازیکن خارجی موثرتر به خدمت بگیرند. لوکاس ژوائو هم بعید است شانسی برای ماندن در تیم داشته باشد، به ویژه اینکه علیپور و آل کثیر روی دور گلزنی افتاده‌اند!

آخرین سوژه این بازی هم امیدرضا روانخواه سرمربی جوان هوادار بود. تیم او در دو بازی اخیر مقابل سپاهان و پرسپولیس ۱۰ گل دریافت کرده و آینده خوبی ندارد. مگر اینکه مدیران باشگاه دست بجنبانند و با تقویت تیم در نیم‌فصل، شرایط را تغییر بدهند. با این دست‌فرمان، هم هوادار سقوط می‌کند و هم روانخواه یک نمره بد در کارنامه‌اش ثبت خواهد کرد.

گوشه و کنار مستطیل سبز

چراغ سبز آموریم برای جدایی ۳ بازیکن منچستریونایتد

روبن آموریم سرمربی پرتغالی منچستریونایتد که اخیراً جانشین اریک تن‌هاگ هلندی شد، در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «اسکای اسپورت» گفته است در صورتی که باشگاه بازیکنی نفروشد، نمی‌تواند در پنجره نقل‌وانتقالات زمستانی جاری فعالیتی داشته باشد. نشریه انگلیسی «تایمز» خبر داد؛ باشگاه منچستریونایتد گزینه فروش یا قرض دادن مارکوس رشفورد را مد نظر دارد. مدیران این باشگاه لیگ‌برتری از مشتریان این مهاجم انگلیسی می‌خواهند که در صورت تمایل‌شان به جذب قرضی دستمزد او را به طور کامل بپردازند، اگرچه این احتمالاً تنها یک موقعیت آغازین در مذاکرات خواهد بود. نشریه «دیلی میل» انگلیس هم خبر داد؛ جاشوا زیرکزی مهاجم هلندی منچستریونایتد که تابستان اخیر با امضای قراردادی پنج ساله و در انتقالی به ارزش ۳۵/۵میلیون پوند از بولونیا به منچستریونایتد پیوست، مورد توجه دو باشگاه یوونتوس و ناپولی قرار دارد اما او در حال حاضر تنها روی منچستریونایتد تمرکز دارد و می‌خواهد برای جایگاهش در این تیم بجنگد. پایگاه خبری «گیو می اسپورت» هم مدعی شد؛ روبن آموریم برای قرار گرفتن مارکوس رشفورد، آنتونی و کریستین اریکسن در لیست خروجی این تیم در ماه ژانویه چراغ سبز نشان داده است.

سرنوشت مبهم اولمو در پایان مهلت بارسلونا

روز سه‌شنبه آخرین مهلت باشگاه بارسلونا برای ثبت‌نام دنی اولمو و پائو ویکتور در فهرست بازیکنان این تیم در سازمان لیگ اسپانیا بود اما مدارک ارائه شده از سوی این باشگاه مورد تأیید مدیران لالیگا قرار نگرفت. به دلیل پر بودن سقف باشگاه برای پرداخت حقوق به بازیکنانش، بارسایی‌ها جهت ثبت‌نام اولمو و ویکتور دو راه داشتند. یکی فروش بازیکن و اختصاص حقوق آنها به دو بازیکن تازه‌وارد و دیگری افزایش منابع مالی باشگاه برای بهره‌مندی از قانون یک در ازای یک لالیگا که به باشگاه‌ها اجازه می‌دهد به اندازه سرمایه‌ای که دارند بازیکن جدید بخرند. آخرین گزارش‌ها حاکی از توافق بارسلونا با یک شرکت قطری برای واگذاری امتیاز بلیت‌فروشی جایگاه VIP ورزشگاه نیوکمپ در ازای ۱۲۰ میلیون یورو بوده است. بارسلونا هم گویا با ارائه مدارک مربوط به همین توافق قصد داشته از لالیگا مجوز ثبت نام اولمو و ویکتور را بگیرد اما سازمان لیگ اسپانیا این مدارک را کافی ندانسته است. بارسایی‌ها همچنان خوشبین هستند و امیدوارند اولمو در نهایت در لالیگا ثبت‌نام شود و در نیمه دوم فصل به تیم تحت هدایت هانسی فلیک خدمت کند. دلیل این خوش‌بینی هم به دلیل وجود امکان بازبینی مدارک است.

لوئیز دیاز برچسب خورد: غیرقابل‌فروش

لیورپول از لوئیز دیاز راضی است و علی‌رغم اینکه در این هفته‌ها تمرکز بر تمدید قرارداد محمد صلاح، ویرژیل فن‌دایک و الکساندر آرنولد بوده، تمدید با دیاز نیز به دلیل عملکرد برجسته‌اش مورد توجه مدیران لیورپول قرار گرفته است. چندین ماه است که این بازیکن به دنبال بهبود در قراردادش است، زیرا یکی از ستاره‌ها با کمترین دستمزد در تیم است. مدیریت لیورپول و اشلوت با ایجنت لوئیس دیاز و خود بازیکن ملاقات کرده‌اند و به صراحت گفته‌اند نمی‌خواهند او را در پنجره نقل و انتقالات بعدی قرار دهند. لوئیز دیاز تا ژوئن ۲۰۲۷ قرارداد دارد. او در این فصل تحت هدایت اشلوت در تمام پست‌هایی که مربی هلندی او را قرار داده، نمایش‌های چشمگیری داشته است. به عنوان مهاجم کاذب ۹ که یک پست جدید برای اوست، عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته و در آستانه ثبت بیشترین گل‌های فصل خود (۱۲ گل در لیگ برتر، لیگ قهرمانان و جام اتحادیه) در لیورپول قرار دارد. در ماه‌های گذشته، بارسلونا و پاری‌سن‌ژرمن به دیاز نزدیک شده‌اند و علی‌رغم خوشحالی از نقش مهمش در لیورپول، او ناراضی از دستمزد خود بود. تیم انگلیسی می‌خواهد دیاز را به هر قیمتی برای تمدید راضی کند و دستمزد خوبی نیز به او پیشنهاد داده است.

رونمایی از جزئیات و رقم قرارداد جدید اورونوف

باشگاه پرسپولیس قرارداد اوستون اورونوف را به مدت دو فصل دیگر تمدید کرد تا خیال هواداران این تیم بابت ستاره ازبک سرخپوشان راحت شود. شایعات زیادی پیرامون رقم قرارداد جدید اورونوف و بندهای موجود در آن منتشر شده است که برخی از آنها صحت ندارد. مدت قرارداد جدید اورونوف با پرسپولیس دو ساله خواهد بود و برخلاف شایعات، هیچ بند فسخی در آن گنجانده نشده است و ستاره ازبک سرخ‌ها در صورتی که در طول مدت قرارداد خود هر پیشنهادی دیگری هم داشته باشد، باید مذاکره از طریق باشگاه پرسپولیس صورت بگیرد. درباره رقم قرارداد اورونوف نیز پیگیری‌ها نشان می‌دهد قرارداد سال اول او یک میلیون دلار به‌علاوه ۲۰ درصد آپشن و قرارداد سال دوم نیز یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار به‌علاوه ۲۰ درصد آپشن است. نکته مهم درباره قرارداد جدید اورونوف این است که آپشن‌های موجود در قرارداد اورونوف بسیار در دسترس تعیین شده است تا آپشن ۲۰ درصدی با تکرار عملکرد خوب اورونوف به قرارداد وی اضافه شود. موضوع دیگر مورد بحث راجع به قرارداد اورونوف، درخواست مالی جداگانه ایجنت خارجی این بازیکن بود که ظاهراً باشگاه پرسپولیس این موضوع را به خود بازیکن محول کرده و در قرارداد اورونوف با سرخپوشان اشاره‌ای به آن نشده است.

سهمیه بازیکنان خارجی تغییری نکرد

قانون اضافه شدن یک سهمیه خارجی به تیم‌های لیگ‌برتری رأی نیاورد و باشگاه‌ها باید با همان دستورالعمل سابق شش بازیکن خارجی (۵ خارجی و یک آسیایی) در نیم فصل دوم به کار خود ادامه بدهند. این خبر در اصل متوجه دو باشگاه استقلال و پرسپولیس است که برای بستن تیم خود در نیم فصل دوم به دنبال یک جای اضافی بودند که حالا با عدم تصویب این قانون هر دو باشگاه باید برای جذب یک بازیکن خارجی اضافه یکی از خارجی‌های فعلی را از فهرست خارج کنند. البته سهمیه پرسپولیس قبلا به دلیل موضوع نبیل باهویی و عدم حضور این بازیکن در دقایق کافی در این باشگاه کم شده و به این ترتیب پرسپولیس در نیم فصل دوم یا نمی‌تواند خارجی جذب کند و یا اینکه می‌تواند از بین خارجی‌های فعلی یک یا دو نفر را از لیست خود خارج کند که باید دید از بین لوکاس ژوائو و ایوب العملود کدام‌یک این تیم را ترک می‌کنند. در مورد استقلال هم با توجه به حضور شش بازیکن (سیلوا، کاکوتا، اندونگ، ماشاریپوف، جوما و بلانکو) اضافه شدن جوئل کوجو نیازمند حذف یکی از بازیکنان فعلی است که ممکن است قرعه به نام گوستاوو بلانکو آرژانتینی بیفتد.

مفقودی

برگ سبز خودروسواری پژو پارس TU۵ مدل ۱۳۹۲ رنگ خاکستری متالیک به شماره شاسی NAAN۱۱FC۲EK۶۷۰۶۳۵ و شماره موتور ۱۳۹B۰۰۳۷۹۵۱ و شماره انتظامی ۴۹۴ ط ۶۲ ایران ۱۶ به نام فرزانه آسائی مفقود گردیده است و فاقد اعتبار است.

قم

۲۵۰ فیلم - شمارش معکوس- ۱۹

نابغه‌ها و گانگسترها

این نوزدهمین قسمت پاورقی معرفی فیلم‌های محبوب عمرم است. یک شمارش معکوس طولانی که حالا در این شماره به مرز عدد پنجاه رسیده است. یادتان باشد این یک انتخاب شخصی است.

۶۰-نلی تا طلوع صبح صبر کن. فیلم دریغ آلود هنری کینگ کهنسال. داستان یک آرایشگر شهری کوچک در آمریکای میانه که با همسر جوانش دنبال زندگی آسوده می گردد. یک رمانس کلیشه‌ای که در میانه راه ابعادی دراماتیک و حتی تراژیک به خود می گیرد و در نهایت به ستایشی از پاکدستی مردمان سختکوش بدل می‌شود. مردمان ساده دل معمولی. فیلمی مهجور و بسیار زیبا. اسم فیلم بر مبنای یک ترانه محبوب ابتدای قرن بیستم است.

Wait 'Till the Sun Shines, Nellie.1952

۵۹-ریو براوو. وسترن مشهور هاوارد هاکس درباره کلانتر کله شقی که در برابر یک گروه تبهکار خود را بی‌نیاز از کمک دیگران نشان می‌دهد اما در نهایت باکمک یک پیرمرد شل و یک هفت تیرکش دائم‌الخمر و یک گله ران بسیار جوان و البته یک زن کافه‌ای، می‌تواند بر گروه قدرتمند روبه‌رو غلبه کند. یک فیلم نمونه‌ای از دنیای هاکسی. با بازی‌های درخشان جان وین و دین مارتین و والتر برنان و البته آنجی دیکینسون.

RIO BRAVO.1959

۵۸-چای تلخ ژنرال ین. فیلم اگزوتیک فرانک کاپرا که همان سالی ساخته شد که کاپرا با فیلم مشهور در یک‌شب اتفاق افتاد همه اسکارها را درو کرده بود و چای تلخ ژنرال ین تحت‌الشعاع موفقیت آن یکی فیلم قرار گرفت. چای تلخ ژنرال ین داستان اگزوتیکی را روایت می کند از یک زن آمریکایی که در شانگهای دهه سی توسط یک فرمانده شورشی چینی اسیر می‌شود و یک رابطه عاشقانه مدل دیو و دلبر بین زندانی و زندانبان به راه می‌افتد. اولین نشانه‌های بزرگی باربارا استنویک بسیار جوان در این فیلم ظاهر می‌شود.

Bitter tea of general yen.1933

۵۷-هشت و نیم. شاهکار بزرگ فدریکو فلینی که جایگاهی خدشه ناپذیر در تاریخ سینما یافته است. یک کارگردان سینما که در معرکه بحران خلاقیت و همین‌طور زنان بی‌شماری که در زندگی‌اش وجود دارند گرفتار شده است و در فضایی بین رویا و واقعیت به سمت ساخت فیلم جدید خود پیش می‌رود. هشت و نیم احتمالا کامل‌ترین فیلم فلینی و حاوی همان ملاحظات او درباره اخلاق است که پس از این فیلم و در آثار بعدی فلینی به تدریج کمرنگ‌تر می‌شوند. مارچلو ماسترویانی و در کنار کلادیا کاردیناله بازیگران اصلی این شاهکار بزرگ تاریخ سینما هستند.

$8^1/_2$.1963

۵۶-ریچل ازدواج می کند. روایتی سبک‌بالانه از یک دختر جوان که به خاطر تصادف منجر به مرگ برادر کوچکش در دارالتادیب به سر می‌برد و حالا در روز عروسی خواهرش اجازه پیدا می کند که به خانه برگردد. جایی که او هم فرزند است و هم فرزند کش. فیلم در حین نمایش ۴۸ ساعت از یک جشن عروسی ادامه پیدا می کند و به آیینی دردناک برای خودشناسی و بازیابی اصل خویش بدل می‌شود. آن هاتاوی ستاره درخشان این مروارید کوچ جاناتان دمی است.

Rachwl getting married.2008

۵۵-روح کندوی عسل. اثر تغزلی و دلتنگ کننده ویکتور اریس درباره دو خواهر کوچک که پس از دیدن فیلم فرانکشتاین در سینمای روستا، دچار یک خیالبافی بی پایان می‌شوند که با برخی از اتفاقات اسپانیای دهه چهل پیوند می‌خورد. فیلمی پر از معصومیت و سکانس‌های از یاد نرفتنی.

The Spirit of the Beehive.1972

۵۴-بل دوژور. جنجالی‌ترین و بی‌پرواترین فیلم بونوئل. روایتی شگفت‌انگیز از زنی که برای حل سرد مزاجی‌اش در زندگی زناشویی راه حل عجیبی را پیدا می کند و در دنیای اخلاقی بونوئل او و یا همسرش باید تقاص این طریقه نادر را بدهند. فیلمی پیچیده و در عین حال بسیار ساده که از بازی معصومانه و در عین حال تکان دهنده کاترین دونوو سود می‌برد. بونوئل متواضعانه خودش را عامل استقبال از فیلم نمی‌داند و به لوکیشنی اشاره دارد که نیمروزهای قهرمان فیلم در آن می گذرد.

Belle de jour.1966

۵۳-پدرخوانده. احتمالا مشهورترین و محبوب‌ترین فیلم تاریخ سینما. منظومه‌ای درباره امپراطوری دون کورلئونه عضو مافیای سیسیل در نیویورک و پسران و دخترانش. فیلمی که بر مبنای رمان مشهوری از ماریو پوزو و فیلمنامه‌ای نوشته خود او ساخته شد و به یمن کارگردانی خلاقانه کوپولای جوان و بازی‌های درخشان مارلون براندو و آل‌پاچینو و همین طور جیمز دووال و جیمز کان جایگاهی خدشه ناپذیر در تاریخ سینما یافته است. موسیقی زیبای فیلم هم کار نینو روتاست.

Godfather.1972

۵۲-همشهری کین. فیلمی که سال‌ها و دهه‌ها به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد سینمایی بشر شناخته می‌شد ولی طی دو دهه گذشته کمی تخت سلطنتش به لرزه درآمده. با این حال هنوز هم یکی از سه فیلم برتر تاریخ سینماست. فیلمی که می‌توانید آن را دوست نداشته باشید اما هرگز نمی‌توانید تحسینش نکنید یا شگفت زده آن نشوید. داستان کودکی که تا کاندیدایی ریاست جمهوری آمریکا بالا می‌رود و در اوج ثروت و قدرت به زانو در می‌آید و در آخرین لحظات زندگی‌اش کلمه‌ای را بر زبان می‌آورد که به معمایی برای روزنامه‌نگارها بدل می‌شود. فیلمی آکنده از خلاقیت و تمهیدات روایی حاصل کار جوانی که اولین فیلم خود را می‌سازد.

Citizen cane.1941

۵۱-گرفتار. یورشی نامحسوس به ایده رویای آمریکایی. دختر جوانی که برای رسیدن به خوشبختی کلیشه‌ای، تربیت شده و تحصیل کرده و با ازدواج با مردی ثروتمند (و البته نابه‌هنجار) و تشکیل یک خانواده کالیفرنیایی تلاش می کند به هدف خود برسد اما در نهایت در جوار یک دکتر تکرو و نه چندان ثروتمند معنی متفاوتی از زندگی را در می‌یابد. نقش اول زن را باربارا بل گدس بازی می کند اما نقش دو مرد زندگی او را دو غول بازیگری یعنی جیمز میسون و رابرت رایان ایفا می کنند. فصول انتهایی فیلم قانع کننده نیست اما در مجموع یک اثر نفیس از افولس بزرگ است.

Caught.1949

چرا خانم‌ها، لیلا حاتمی را دوست ندارند؟

چندین نکته آشکار و پنهان از زندگی و کارنامه سینمایی بازیگر مشهور

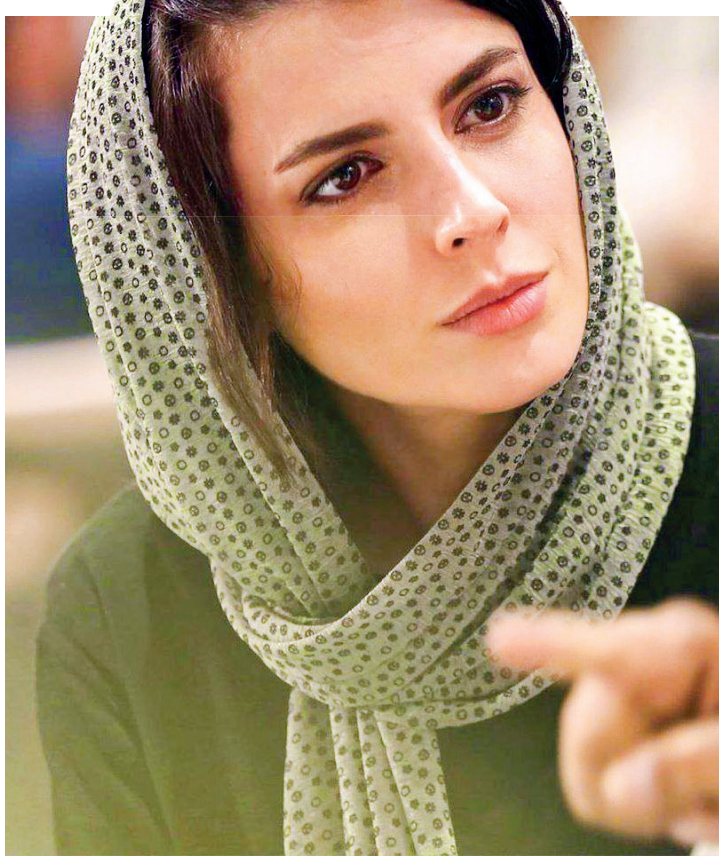

بازیگر ۵۲ ساله سینمای ایران همچنان در نقش زنان جوانی که همزمان تماشاگران و قهرمان‌های فیلم‌ها را مجذوب خود می کنند و آنها را به کوره راه‌های اعمال هیستریک و غیرارادی می کشانند، روی پرده سینما می‌درخشد. بازیگری که می‌تواند در انتهای دو قطب سادیسم و مازوخیسم در پهنه سینما بدرخشد و در فاصله این دو قطب نیز مجموعه‌ای از احساسات شگفت انسانی را به تماشاگر عرضه کند. همین حالا دوتا از جنجالی‌ترین آثار سینمای ایران قاتل و وحشی ساخته حمید نعمت‌الله و پیرپسر ساخته اکتای براهنی از مغناطیس صدا و تصویر لیلا حاتمی سود جسته‌اند. هرچند هنوز هیچ کدامشان به پرده سینما برای نمایش عمومی نرسیده‌اند. در واقع هردو فیلم با اتکا به حضور لیلا حاتمی به درجه‌ای از تبلور احساسات پنهان دست یافته‌اند که حضورشان روی پرده اکران عمومی را با شک و تردید روبه‌رو ساخته‌اند. از بازیگری بی‌همتا حرف می‌زنیم که در سطح جهان هم کاملا شناخته شده است.

اما اگر در فضای مجازی چرخی بزنید متوجه می‌شوید جمع کثیری از بانوان سینمادوست به جد معتقدند که لیلا حاتمی بازیگر خوبی نیست و مدام نقش‌های خود را تکرار می کند. آنها به لحن و تن صدای او و میمیک یکسان چهره‌اش اشاره دارند و می گویند اگر قرار باشد بهترین بازیگر زن تاریخ سینمای ایران انتخاب شود چهره‌هایی مثل هدیه تهرانی و ترانه علیدوستی شایستگی بیشتری دارند.

در شایستگی آن دو بازیگر و چهره‌های دیگری مثل نیکی کریمی که شک و شبهه‌ای وجود ندارد اما تنها بازیگر سینمای ایران که می‌تواند بامقیاس‌های بازی اروپا و آمریکا در لول یک ستاره بدرخشد، مطمئنا لیلا حاتمی است. کسی منکر موفقیت گلشیفته فراهانی در سینمای معاصر جهان نیست اما او پس از پانزده سال حضور در فرانسه و آمریکا هنوز یک بازیگر درجه دو و سه مارکت سینمای جهان محسوب می‌شود و دستمزدهایش قابل مقایسه با آنچه ستاره‌ها دریافت می کنند نیست. این عدم موفقیت پس از این همه سال دیگر ربطی به نژاد و زبان و فرهنگ و این طور مسائل ندارد. گلشیفته با پشتکار راه خود را باز کرد اما آنچه او را در یک سطح مشخص متوقف می کند محدودیت‌های قدیمی او به عنوان یک بازیگر است.

لیلا حاتمی اما به سبک و در مکتب بازیگران فرانسوی بازی می کند و می‌تواند مجموعه‌ای از احساسات پیچیده را در چهره‌ای عموما معصوم و آرام مهار کند. کاری که مثلا کاترین دونوو و ایزابل هوپر هرکدام به نوعی درآن ماهر بودند. از طرفی در چهره او بازتاب‌هایی از پرسونای نیکول کیدمن و حتی اینگرید برگمن هم دیده می‌شود. بی‌دلیل نیست که یک سینماگر بزرگ ایرانی به جد اعتقاد دارد که لیلا اگر در اروپا و بخصوص فرانسه به بازیگری اشتغال داشت حتما به یک ستاره درجه اول دنیای سینما بدل می‌شد.

حاتمی چندین سال از بهترین دوران سنی خود را به خاطر وظایف مادر بودن از سینما کناره گرفته بود اما هربار و بعد از هر بازگشت سینماگران را متقاعد می کرد که او بهترین انتخاب برای هرنقشی است. چهره او روی پرده، اتمسفر صحنه را به خود اختصاص می‌دهد و صدایش می‌تواند در آن واحد حاوی عشق، آرزو، خیال و یا راز باشد.

برخلاف نظر خانم‌های سینمادوست، لیلا حاتمی هرگز به ایفای نقش‌های یکسان در برهه‌های طولانی راضی نبوده است و اکتفا نکرده است. بازی‌های متفاوت او در فیلم‌هایی مثل ارتفاع پست (در نقش یک زن جنوبی با چادر گلی) بی‌پولی(در نقش زنی خانه‌دار با آرزوهای نه چندان بزرگ که اولین سیمرغ او را هم به همراه داشت) در فیلم من (در نقش زنی که رفتارهای سادیستیک با مردان زندگی‌اش دارد و نوعی تحکم غریزی در گفتار و رفتارش به چشم می‌خورند) در شام آخر (در نقش یک زن خیابانی با طبع شاعرانه) در قاتل و وحشی (در نقشی فداکارانه و در ایفای یک کاراکتر تحت شکنجه با احوالات مازوخیستی) در رگ خواب (در نقش دختری خجالتی و فاقد اعتماد به نفس که در جنونی کودکانه نسبت به یک مرد پخته ریاکار غرق می‌شود و دومین سیمرغ بلورین او را مهیا کرد) در سر به مهر و همین طور در شیدا (زنی با احساسات و تعلقات شخصی و مذهبی نسبت به ماورا) در فیلم تصور(ایفای بازیگوشانه نقش‌های چندگانه و در قالب چندین دختر جوان امروزی) در خوک (با چاشنی کمی طنز و کمی پنهانکاری زنی مشهور در دنیای بازیگری) در پیرپسر (در نقش زنی اغواگر که قربانی بی‌احتیاطی‌های عاشقانه خود می‌شود) و در هر شب تنهایی(زنی بیمار و در چنگال سرطان که با مسئله مهم مرگ دست و پنجه نرم می کند) همه نشان می‌دهند که لیلا حاتمی بازیگری فعال و دارای وجوه مختلف هنر بازیگری است. به این‌ها می‌شود چندین کار دیگر او در ایفای نقش‌های مختلف اضافه کرد و نشان بدهیم که این خرافه یکسان بودن بازی لیلا حاتمی اشتباه است. شاید بازی درونگرایانه او راه را بر چنین استنباط‌هایی باز کرده باشد. لیلا حاتمی نوعی بازی درونگرایانه را ارائه می‌دهد که عموما در سینمای ایران جایی ندارد. شیوه بازی ظریف او با تلقی موجود در سینمای ایران نسبت به یک بازی خوب، کاملا متفاوت است و این موجب سیل سوءتفاهمات می‌شود. لیلا حاتمی در حال حاضر سی سال است که به بازی در سینمای ایران مشغول است. زندگی خانوادگی و زناشویی خاص لیلا حاتمی و رابطه شگفت‌انگیز و غیرقابل پیش‌بینی‌اش با همسر مشهورش علی مصفا، نسب خانوادگی‌اش به پدر و مادر هنرمندش، علی حاتمی و زری خوشکام، ارتباط حرفه‌ای پرتب و تابش با کارگردان‌هایی مثل حمید نعمت‌الله، حضورپررنگ بین‌المللی‌اش در جشنواره‌های بزرگ خارجی و همین طور تصاویرش به عنوان مادر دو فرزند، پرتره‌ای منحصر به فرد از او شکل داده است. لیلا حاتمی این روزها حتی در گذر از ۵۲ سالگی از معدود بازیگرهایی است که می‌تواند خیال و رویا را به مردان جوان و میانسال هدیه کند. این بازیگر درونگرا و منضبط این روزها همچنان بالاترین دستمزدها را چه برای سینمای خانگی و چه فیلم‌های سینمایی طلب می کند و حتی شایع شده است که دستمزدش برای بازی در سینما حالا از ده میلیارد تومان هم فراتر رفته است و برخی حرف از دوازده میلیارد برای هر فیلم می‌زنند.

باز هم می گوییم کسی نمی‌تواند دستاوردهای هدیه تهرانی و یا ترانه علیدوستی و یا خانم نیکی کریمی را انکار کند؛ بازیگرانی که استانداردهای نقش بازی کردن در سینمای ما را کیلومترها گسترش دادند اما هنوز هم معتقدیم که لیلا حاتمی می‌تواند عنوان بهترین بازیگر تاریخ سینمای ایران را برای سال‌های متمادی پیش رو در اختیار بگیرد. کافی است با ذهنی شفاف به تماشای یکی از فیلم‌های معروفش بنشینید و با ما هم عقیده شوید.

آنالیزورهای فوتبال، واقعا مهم هستند؟

سایت تخصصی هفت یک | آنالیزورها مهره‌های مهمی هستند اما گزارش‌هایشان تنها اساس آنچه بعداً اتفاق می‌افتد را شکل می‌دهد. جادو زمانی اتفاق می‌افتد که سرمربی راه‌حل‌هایی اضافه کند.

برای مثال، به لیورپول نگاه کنید. آرنه اشلوت، سرمربی این تیم، از زمان حضورش در آنفیلد در تابستان امسال سبک دقیقی از آنالیز حریف از طریق ویدیو و تماشای زنده مسابقات داشته است. «جان هیتینگا» کمک مربی، مسابقات تیم‌ها را از نزدیک تماشا می کند، دپارتمان عملکرد چشم‌اندازی را در اختیار او می گذارد و جیمز فرنچ که از مدت‌ها قبل وظیفه آنالیز حریف در این تیم را برعهده داشته هم اطلاعات زیادی را جمع‌آوری می کند. با این حال، این اشلوت است که این اطلاعات را بررسی و تفسیر می کند و راه‌حل‌های خاصی را به بازیکنان درباره چگونگی شکست دادن حریف ارائه می کند.

دو جنبه قابل توجه در سبک این مربی ۴۶ ساله وجود دارد. اول، اشلوت از آنالیزورهایش می‌خواهد اطمینان حاصل کنند که بیشتر ویدیوها مثبت هستند، به‌خصوص ویدیوی آخر تا به این شکل بازیکنان جلسه را با احساس خوبی نسبت به خودشان ترک کنند. دوم، کار آنالیزور با شروع بازی تمام نمی‌شود. اشلوت در طول هر بازی همچنان در حال تشخیص تغییرات در جریان دیدار به کمک رودریک فان درهام، آنالیزور تاکتیکی تیم اول، است که ماه گذشته از فاینورد به کادر فنی اضافه شد و در جریان پیروزی برابر ساوتهمپتون در جام اتحادیه کنار او نشسته بود. صدای اشلوت در طول ۴۵ دقیقه اول مسابقات شنیده می‌شود که فریاد می‌زند «کلیپ» و اغلب در صحبت‌های بین دو نیمه برای تاکید روی نکات مشخص شامل تغییر سیستم قابل توجهی که شاید حریف برای اولین بار آن را به کار بگیرد هم از ویدیو استفاده می کند.

«اونای امری» سرمربی استون ویلا در لیگ برتر انگلیس، لیگ یک فرانسه و لالیگا مربیگری کرده است. او همچنین سابقه مربیگری در رقابت‌های اروپایی برای ۱۷ سال متوالی را دارد اما هنوز عمیقاً درگیر اصول و مبانی آنالیز حریف است.

امری در زمان آماده شدن برای حریف بعدی، سه جلسه پیش از بازی برگزار می کند. اول، او دوست دارد به دیدار آخر تیم خودش نگاهی بیاندازد تا به بازیکنانش نشان دهد که چه کاری را به‌خوبی انجام دادند و کجا کوتاهی کردند و یافته‌هایش را در جلسه‌ای ۹۰ دقیقه‌ای که معمولا دو روز قبل از بازی برگزار می‌شود به بازیکنان ارائه کند.

«ویکتور ماناس» آنالیزور قدیمی او سپس گزارشی از حریف را برای جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بعدی آماده می کند و امری عادت دارد که اطلاعات بیشتری از خودش را هم به این گزارش اضافه کند. هر دوی آنها پیش از انجام این کار حداقل پنج بار مسابقات حریف را تماشا کرده‌اند.

سپس در فاصله یک روز پیش از بازی، امری راه‌حل‌هایی برای مقابله با هر نقطه قوتی را در حریف مطرح می کند. این جلسه‌ای کلیدی است و باعث می‌شود که هیچ بازیکنی تردیدی درباره نقش مشخص و مسئولیت‌هایش نداشته باشد. آخرین جلسه فقط مربوط به بازیکنانش است.

این که امری به عنوان یک مربی درجه یک با تجربه زیاد و حمایت تیمی قابل توجه هنوز بعضی از ویدیوها در بعضی از ارائه‌هایش را برای این جلسات استفاده می کند نشانه‌ای از این است که او تا چه حد دقیق و باریک‌بین است. همچنین باید به این نکته توجه کرد که حریف استون ویلا هر تیمی که باشد، این روند تغییر نمی کند.

او ماه گذشته به اتلتیک گفت:«وقتی برابر تیم‌هایی که بهتر از ما هستند و شانس بیشتری برای پیروزی دارند قرار می گیریم، تنها راه شکست دادن‌شان این است که ثبات را در سطح بالایی حفظ کنیم. شما در لیگ برتر باید از حریف باهوش‌تر باشید، بیشتر تمرکز کنید و فشار بیشتری وارد کنید. اگر این طور نباشد، شانسی برای شکست دادن‌شان ندارید.»

اونای امری خود بازی‌های زیادی از حریفان تماشا می کند تا با استفاده از اطلاعاتی که آنالیزوزهایش در اختیار او می گذارند، بهترین طرح را برای بازی انتخاب کند.

او می گوید:«شاهد افزایش سبکی از مربیان هستیم که حالا در حالی وارد بازی می‌شوند که می‌توانند گفته‌ها و خواسته‌هایشان را به ویدیو تبدیل کنند. بعضی از مربیان با هر حریفی سازگار می‌شوند. بقیه می‌خواهند درباره بازیکنان بدانند. بستگی دارد که چه مدت زمانی در این دسته حضور داشته‌اند.

موبری با تمامی ابعاد این لیگ آشنایی داشت و مطالعات زیادی درباره فوتبال کرده بود. رجیس لو بریس (سرمربی فعلی ساندرلند) فلسفه مشخصی دارد که باعث می‌شود برنامه‌ریزی خیلی آسان‌تر شود. آنالیزور حریف می‌تواند سرعت روند را بالا ببرد تا سرمربی هم بتواند روی این که چطور سیستم ما باید از نقاط ضعف سیستم آنها بهره ببرد، کار کند.»

بهبود درک متقابل با سرمربی ضروری است، به‌خصوص در طول این هرم. در حالی که باشگاه‌های بزرگ در انگلیس حدود ۱۰ آنالیزور دارند و سه نفر در حال کار روی حریف هستند، دپارتمان‌ها در دسته دوم، سوم و چهارم خیلی کوچک‌تر هستند. وظایف بر عهده افراد کمتری از اعضا قرار می‌گیرد.

یکی از آنالیزورهایی که در چمپیونشیپ کار می کند و خواست که به دلیل حفظ روابطش ناشناس بماند، توضیح داد که این کار تا چه حد سخت شد، وقتی که باشگاه سابقی که برایش کار می کرد مدام سرمربی عوض می کرد. این به معنای تغییر سبک برای آنالیز حریف است.

این آنالیزور ناشناس می گوید:«وقتی مربی خارجی می‌آمد، می‌خواست همه چیز را بداند. تلاش برای توضیح هشت الگوی متفاوتی که راسل مارتین در سوانسی به کار می گرفت، جالب بود. برای این که خط شروعی برای خودم داشته باشم، مجموعه‌ای ساختم که شامل تمامی تیم‌ها، کمی درباره سرمربیان، سبک بازی‌شان و بعضی از نقاط قوت و ضعف بود. سپس، اگر تغییر سرمربی رخ می‌داد، چیزی از قبل آماده برای مربی جدید داشتم. مشخصا پس از آن هفته به هفته روی آنالیز دقیق‌تر می‌شدم و آن را در اوایل هفته به او ارائه می کردم.»

این آنالیزور به یاد دارد که حریفی برای اولین بار از سیستمی غیرمعمول استفاده کرد و پس از آن سرمربی این سوال را مطرح کرد که چرا پیش از بازی هشداری در این باره داده نشده بود.

او با خنده می گوید:«گاهی پاسخی نداریم. این غیرعادی است چون این روند خیلی دقیق و موشکافانه است. من همیشه چهار یا پنج بازی از هر حریف را از قبل می‌بینم اما گاهی ممکن است اتفاقاتی غیرمنتظره رخ دهد. در این مورد، برابر تیمی قرار گرفتیم که سیستمش را از ۲-۴-۴ به سیستم الماسی با چهار هافبک تغییر داد. هیچ راهی نبود که چنین چیزی را پیش‌بینی کنیم. هیچ مصدومیتی نبود و سرمربی هرگز پیش از آن با این سیستم بازی نکرده بود. گاهی این نوعی تمجید است که حریف سیستمش را به خاطر ما تغییر دهد اما فکر کنید چنین حرفی را به یک سرمربی عصبانی بزنید.»

«کریس دیویس» سرمربی بیرمنگام سیتی تایید می کند که وقتی در تابستان به این تیم آمد، شناختش از تیم‌ها و بازیکنان در لیگ یک خیلی زیاد نبود چون پیش از آن دستیار آنگه پوستکوگلو در تاتنهام در لیگ برتر بود. با این حال، رابطه نزدیکی را با «جک کریس کینانس» آنالیزر ارشد جدید این باشگاه، که در طول تابستان از میتیلند به خدمت گرفته شده بود، شکل داد. دیویس وسواس زیادی روی جزئیات داشت که بخشی از آن به این دلیل بود که آنالیزور بازی حریفان در سوانسی سیتی و لیورپول تحت هدایت برندان راجرز بود و می گوید که نمی‌تواند بدون اعتماد کامل، راهی هیچ دیداری شود مگر اینکه حداقل ۱۰ بازی از حریف را دیده باشد.

او به اتلتیک می گوید:«در این مقطع از فصل احساس می کنم نیاز دارم به صورت دقیق ترسیم کنم که هر حریف در ابتدا چه کار کرده است. دوست دارم بدانم کدام بازیکنان روی فرم هستند، کدام بازیکنان از دوران اوج فاصله دارند، چرا آنها ساختارشان را به خاطر گل‌های خاصی تغییر داده‌اند و آیا روی کرنرها یارگیری متفاوتی دارند یا خیر. دوست دارم مسیری که در طول فصل طی شده را ببینم چون در این صورت یاد می‌گیرید که مربی چطور فکر می کند و این کمک بزرگی است.»

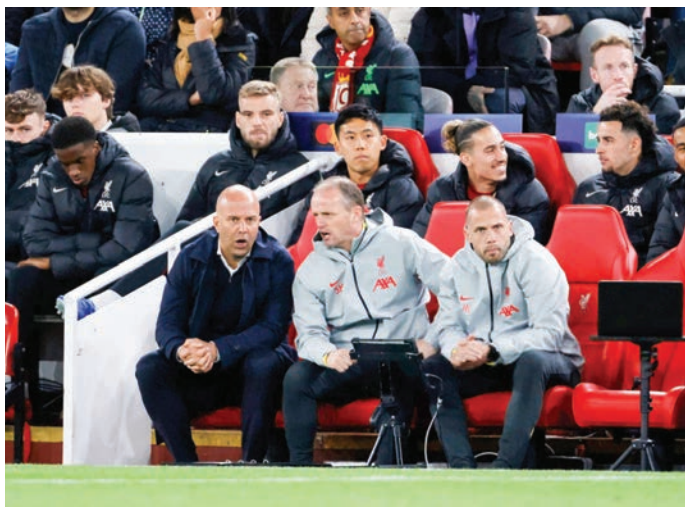

پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

لذت توبه کردنم، توبه شکستن است و بس!

عاشقان ثارالله، مافیای خودرو، توماس هابز، منوچهر نوذری، وزیر آموزش و پرورش، فیلم ۳ دختر و دکتر ذکائی آشتیانی

۹۹۶۰۹۷ .: توبه کنید! آنکه عکس زنان بی‌حجاب و کم‌حجاب فاسق را در کنار مردانی مانند خودشان، در روزنامه به چاپ می‌رسانید و قبح گناه را در جامعه از بین می‌برید، ما مرگ و حساب خواهیم داشت.

توبه کنم که بشکنم به هر نفس/ لذت توبه کردنم توبه شکستن است و بس/ دیم دارم رام رام... دام دارام ریم رام... (اوخ اوخ، ایبرام سر صبحی زده به سیم آخر و صدائو انداخته آسمون... انگار نه انگار محرمعلی داره نشسته گوشه تحریریه و داره دندون‌قروچه نشون می‌ده!)

۹۳۳۲۲۴ .: استاد خوشخو به مرکز درمانی زندان قصر می‌گفتند: «بهداری باغ». القصه روزی گـذرم به آنجا افتاد، مرحوم منوچهر نوذری روی تخت دراز کشیده بود با سینه‌ای شکافته از جراحی قلب باز، به او گفتم حیف که شما را اینجا می‌بینم. گفت: «مرد، باید همه جارو بیفته! شد زمین مست، آسمان مست، بلبلان نغمه‌خوان مست، باغ مست و باغبان مست.»

پس با این حساب، فقط منم که مست نیستم داش!

۹۱۲۳۳۹ .: فیلم وزیر آموزش و پرورش توبخورد که آجر می‌داد دست بنارو دیدین؟ همه ماشالله، استاد کارهای نمادین هستند.

اوخ اوخ، بگـو ببینم گل هم لقـد کردن؟! «لومه» هم بالا اندا‌ختن؟! به به، بین چه وزیر اوستاکاری داشتیم ما اما خبر نداشتیم! (آقایان من الان دوسه هفته است لوله خانه‌مان نشتی دارد به طبقه پایین، با چند تا بنّای اوستاکار صحبت کردم خیلی پول خواستن. خواهشا ببین وزیری، وکیلی، چیزی، تو دست و بال‌تون هست که بیاد این شترگلوی مارو درسـت و درمان کنه، راحت شیم؟!)

۹۰۵۸۱۳ .: بالاخره، مداح اهل بیت که در هیات عاشقان ثارالله، تهدیدش کرده بودن... فرسـتادمش... تیتر امروز روزنامه‌ها را بخوانید. باتشکر.

کجا فرستادی‌اش؟

۹۰۳۰۱۵ .: مردم اجازه نخواهند داد شـورای نگهبان با واردات گوشی آیفون موافقت کند. آیفون واجب‌تر است یا خودرو؟ دولت چون نمی‌خواد خودرو از دسته کالاهای لوکس خارج شـود تا زش مالیات بگیرد، مردم هم اجازه نخواهند داد شـورای نگهبان بـا واردات موبایل آیفون موافقت کند. دولت خودش شروع کرد به بازی.

بازی‌شون گرگم به هوا بود یا قایمموشک؟!

۹۳۴۶۹۱ .: کشته شـدن مردم در خودروی تارا توسط مافیای ۴۵ سـاله باید اولویت رسـانه‌ها باشد که عده‌ای خناس با حمایت از این دو خودروسـاز و توجیه افزایش قیمت دو کارخانه، وضع تعرفه ۶۰درصد و وضع محدودیت ۲۵۰۰ و محدودیت ۴۰هزار دلاری بر خودروی وارداتی، عملا دارند کلاه شرعی برسر این انحصار فاسدانه می‌ذارن.

دندمم وای ـ بـاز این کارشـناس‌های خودرو ریختن تو گفتر خونه من! (منی که تصدیق اتول ندارم چه جوری بیام درباره خودرو نظـر بدم اخه؟ نظر هم ندم که عقده‌ای می‌شم!)

۹۱۹۶۶۲ .: منافسانه یا خوشبختانه من هنوز زنده‌م، این مطلب «به ارامنه تبریک نگوییید» عالی بود، مردم از خنده. فقط خواهشاً دیگه از من هیچ پیامی چاپ نکنید تا بیشتر از این به فقرو گدایی نیفتم.

فقر و گدایی مگه چه‌شـه؟! الان من خودم اوستای هر چه فقیر و گدام!

۹۳۷۵۰۸ .: تصور می‌شـد روزنامه آقای خوشخواگر در تأمین هر مطلبی به خنسی بخوره، درباب فیلم سینمایی مطلب خواهد داشت اما ۲هفته متوالی نوشتن از فیلم ۳ دختر او ضایع بود.

به امید روزی که دفعه بعد، سه هفته از فیلم ۲ دختر بنویسیم که یر به یر بشه!

۹۳۳۸۶۷ .: اقدامات فشل هخمنی در افزایش قیمت دلار، زندگی مردم را نابود کرد؛ به بهانه حمایت از بورس و سبز کردن بورس اما به قیمت سـیاه کردن زندگی مردم. داغ بر پیشانی دل مردم گذاشتن [آسمش زمستان داغ سیاه اسـت]. لیبرال‌ها در دولت دارند اقتصاد ایران را به شدت سوریه‌ای و ونزوئلایی می‌کنند. مجلس کجاست؟

از قدیم الایام همون بهارسنانه! جاشونو عوض نکردن جدیدا! عوض کردن، خبر می‌دم!

۹۱۲۷۱۰ .: جهت اطلاع؛ دکتر ذکائی آشتیانی فرمودند «فکر کنم اگر از اجرا نشـدن لایحه‌ای از طرف دولت به مجلس محترم، بیش از آسـال و امـاه بگذرد و تصویب نهایی نشود و بلاقدام باشـد کلا باطل و منسوخ است.» پس لایحه سـال ۹۸ حذف ۴تا صفر از پول ایران، تقریبا باطل و منسوخ اسـت که اجرائش جز خیانتی دربر ندارد.

(علی زمانی فراهانی)

من که می‌گم چهـار تا صفر دیگـه هم به اسکناس‌هامون اضاف کنیم، بلکه این حقوق‌مون یک‌کم به چشم بیاد!

۹۱۴۰۴۳ .: هیات نظارت چه دلیلی دارد وقتی ۴ دهه از حمایت همه‌جوره از مافیای خودرو گذشته، وقتی سالی ۱۸ هزار نفر قربانی می‌شـود و دلار ۲۲۰۰ نیست، بگه با خونمن نریم دزدی؟

۷ صبح: واقله من اهل این محل نیسـتم و داشتم از اینجا رد می‌شدم فقط!

میانسالی یعنی خودت با اراده و میل شلغم بخری

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیتهای کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و در دل تحسینتان می‌کنند.

خانمه تو مترو بلند شد، نشسـتم جاش. ۳۰ ثانیه بعد اومده میگه من اشتباهی بلند شدم میشه دوباره بشینم سر جام؟

من جدی عـادت کردم برای هر مزخرفی تـو زندگی نگران باشـم. رفتم گواهی عدم سوءپیشـینه بگیرم، تا جوابش اومد استرس داشـتم نکنه مثبت باشـه. حالا تو کل زندگیم فقط یه بار ۲۰ سال پیش به عنوان مباشر تو سرقت اینه، شرکت کردم.

میانسالی یعنی خودت با اراده و میل شلغم بخری.

یه بار خواسـتم بـرم مهمونی هرچی منتظر شـدم جوش زیر پوسـتی از این گنده‌ها رو دماغم نزدم، زنگ زدم گفتم من شریانطش رو ندارم نمیام.

خواب دیدم ۱۵ تا ماشـین دارم، تو خواب گریه می‌کردم که چطوری می‌تونم پول بنزین اینارو بدم. روحم هم فقیره!

ما زبون‌مون کوتاه نبود، دشمن‌مون عزیز بود. ساکت شدیم، ساکت موندیم.

با آپ آموزش زبان دولینگو کار کردیـد؟ خیلی پیگیره، من یه مدته نرفتم ایمیل زدن با اولیـات بیا پرونده‌تو ببر به جا دیگه تیت‌نام کن.

رفتـم یوتوب ویدئـوی «مقابله بـا اهمـال کاری» ببینم، گذاشتمش تو watch later.

من اصلا دوس ندارم زنم کار کنه و خرجمو بده، پول درآوردن کار مرده، من دوست دارم بدرزنتو خرجمو بده.

یارو گفت رمز کارت؟

گفتم: سی سی

گفت: جانم.

گفتم: سی سی

۱۱) حساب کردم دیدم فقط در صورتی می‌تونم مهاجرت کنم که دلار بشه هزار تومن که در اون صورت دیگه نیازی به مهاجرت ندارم.

سـایت‌های دولتی اینجوریه که رفتن گفتن لطفا به سایت برای ما بزنید که کار نکنه.

آدمی که شنیده نشه بلندتر حرف می‌زنه.

آدمی که درک نشه دیگه حرفی نمی‌زنه.

شبا وسـه چی لامپای بانکو روشـن می‌ذارن؟ ما فکر کنیم خونمن نریم دزدی؟

مامانم کارگر صدا می‌کنه بیاد خونه‌رو تمیز کنه انقدر خودش کار می‌کنه اگر بارو بیاد به پولی به مامانم بده ازش تشکر کنه.

عمل‌های زیبایی خیلـی دردناک و غم‌انگیـز. نمی‌دونم چطور توضیح بدم، اینکه این حجـم از دردرو تحمل می‌کنیم تا تو به اسـتاندارد‌ی که برای زیبایی تعریف شده بگنجیم، خیلی غم‌انگیزه.

اکثرتون تصمیمتون‌رو گرفتید فقط می‌خواید به نفر تایید کنه!

وقتی بچه‌ای سر کلاس خسته می‌شی اجازه می‌گیری می‌ری دستشویی، بزرگ می‌شی تو اینوبت‌ها خسته‌ای از یه گوشه خارج می‌شی می‌ری دستشویی که نفس بکشـی، تو مهمونی اشتباه قرار می‌گیری برای وقت پرکنی می‌ری دسـتشـویی. ممنون از دسـتشویی که از کودکی تا بزرگـالی پناهگاهه.

۱۹) مـن وضعیت قلبم زیاد جالب نیسـت که بخـوان بذردنم قلبمو به یه نفر دیگـه پیوند بزنن. ولی به جاش اندازه سـه نفر دمـاغ دارم. حتی یه بار رفـتم دکتر زیبایی گفـت اگه بخوای دماغتو عمل می‌کنم با اضافه‌ش برات به داداش کوچولو درست می‌کنم.

احساس می‌کنم به سندرومی هست به اسم (وای من خیلی عقمم) که خیلیامون بهش دچاریم درمانم نداره.

با بعضیا قطع رابطه هم کنی فکرش نیست

اینکه هنوز می‌شناسی‌شون هم اعصابت‌رو خرد می‌کنه.

محله ما به جوریه که باید گرگ بار بیای. مثلا بابای من مارو مجبور می‌کنه ساعت ۱۲ شب بریم رو پشت بوم زوزه بکشیم.

اگه کیک تولدتون موز نداشـت از قبل بگید که با خودمون بیاریم وسط کیک خوردن به گاز از موزمون بزنیم.

امیدوارم کسـی که می‌خواد با اسـلحه و بالشت منو به قتل برسـونه، فقط حواسش باشه اون سـمت خنک بالشت‌رو بذاره رو سرم.

کاش لااقل دُم داشـتم، موقعایی که حالم خوب نبود تکون می‌دادم به کم بهتر می‌شد.

از دسـتفروش متـرو تـا فروشـگاه‌های بین‌راهـی همه کارتخوان دارن. فقط مصبـاها و کلینیک‌ها با درآمد میلیاردی کارتخوان‌شون قطعه؟ مدیونین اگه فکر کنین به‌خاطر دور زدن مالیاته.

دوسـتان عزیز، بزرگواران! ما خودمون هـم می‌دونیم باید چی کار کنیم لاغر بشیم! ما نمی‌تونیم اون کار‌ارو بکنیم.

پیتزا گروته نمی‌خرم ولی می‌تونم تـو ژانر فلافل یا کجاب یا سس فلفل اظهار نظر کنم.

تمام تلامشو کردم بتونم جایگاه شـغلی خوبی برای خودم دست و پا کنم بتونم رشوه بگیرم نشد.

شما هیچ کس‌رو نمی‌شناسید مگر اینکه:

-باهاش سفر برین

-بینتون مسائل مالی در میون باشه

-تو وقت عصبانیت باهاش برخورد داشته باشین

-باهاش زندگی کنید.

چهارشنبه خیلی روز مطمئنیه، چون دو روز بعدش تعطیله حس امنی به آدم میده، امیدوارم بگیرید منظورمرو.

یک بار پـدرم به جمله‌ای بهم گفت در عیـن اینکه واقعیت داشت ولی خیلی خیلی غم‌انگیز بود:

اکثر مردا اولین دسـته گل‌شون رو تو مراسـم خاکسپاری‌شون می‌گیرن.

نشسـتی داری چای می‌نوشی یهو یادت میاد که دیگه هجده سالت نیست.

مامانم گفت بره مرغ بخرّ، گفتم نمی‌تونم. گوشـیم ۵ درصد شارژ داره. گفت بره خدائم شکر کن، خیلیا هممونم ندارن.

بعضی‌ها هم سیکس فک دارن، بس که حرف می‌زنن.

مرد اونی نیسـت که گریه نکنه، مرد اونیه که گریه شـریک عاطفیش‌رو در نیاره.

من از شرایط ازدواج فقط یه اهنگ از شهرام ناظری دارم که بعد از طلاق گوش کنم.

نشسـتم‌ام به اناین‌شاب‌ها نگاه می‌کنم، حسابم آه می‌کشد، خیال خریدت چه دلپذیر بود، نخریدمت و دیر شد.

اره عزیـزم اصلا تمـوم ما دخـتـرای ایرانی پول پـرسـت و اهن پرسـتیم اما تو که پـول و اهنی برای پرسـتیدن نداری، نگرانیت برای چیه؟

همه‌رو بی‌خیال، اونی‌رو که واسه‌ت انار دون می‌کنه بچسب.

خدایـش مـن خیلی زارا‌در خوبیم. رمـز موفقیتم اینه که تمام اون اسراری‌رو که بهم میگن به کسی نگورو یادم میره اصلا چی بودن.

بابام امروز پول داده میگه بیـا اینو به یه زخمی بزن. پدر من با این مبلغی که شما دادی فقط میشه نمک خریدز ند به زخم.

قاب

قاب مشاهیر ۳

درباره ویلی، اولین فوتبالیست خارجی که در یک تیم ایرانی توپ زد! شاید خیلی‌ها تصور کنند اولین خارجی باشگاه پرسپولیس درطول تاریخ آن ویتل معروف باشد اما اینطور نیست. پیش از او پسرک جوان و دوملیتی پایه به ایران گذاشت و اولین خارجی لیگ تخت‌جمشید شـد. به نقل از اطلاعات آنلاین، چند دهه طول کشید تا فوتبال باشـگاهی ایران استفاده از بازیکنان خارجی را شروع کند. اولین تیم باشـگاهی ایرانی که اقدام به خرید بازیکن خارجی کرد، پرسپولیس بود. سرچای تهران در سال ۱۳۵۵ در چهارمین دوره جام تخت‌جمشید که لیگ کشوری فوتبال در آن دهه بود، نایب‌قهرمان شدند. پرسپولیس وضعیت اسفباری در خط حمله داشـت و ۴ گل کمتر از پاس، تیم قهرمان زده بود. مهراب شاهرخی که به‌تازگی هدایت پرسپولیس را به‌عهده گرفته بود، در یک ایده جسـورانه برای تقویت خط حمله، به دنبال یک بازیکن جوان انگلیسی بود. علی عبده مدیر وقت پرسپولیس با همین ذهنیت راهی بندر لیورپول شد. ویلیام جیمز مک کلور ۱۹ ساله که برای تیم دوم لیورپول بازی می‌کرد، با قراردادی سه‌ماهه به پرسپولیس اضافه شد. اگرچه هر دو طرف رضایت داشتند قرارداد ۲ ساله تمدید شود. مک کلور تیر ماه ۱۳۵۶ با استقبال زیادی وارد پرسپولیس شد و بازیکنان هم حسابی با او رفیق شدند. در یک بازی دوستانه، این مهاجم جوان، با تشویق گرم هواداران مواجه شد. ایرانی‌ها، به او ویلی می‌گفتند، بر خلاف نام بیلی که در انگلیس استفاده می‌شد. او در ۲۴ تیر ۱۳۵۶ در اواخر بازی با سیاهان در حالی که پرسپولیس با ۳ گل پیش افتاده بود وارد زمین شد اما فرصت پیدا نکرد خودی نشان دهد. روز در خشش او در تهران، در بازی بعدی با یک تیم اصفهانی نصیبش شد، در ۳۰ تیر ۱۳۵۶ در بازی با ذوب‌آهن، در حالی که بازی کسل‌کننده شده و با تساوی یک - یک در جریان بود، مک کلور در دقیقه ۷۰ وارد بازی شـد. او قدر این فرصت را داشـت و گل برتری پرسپولیس را به تمر رساند و محبوب هواداران شد. اما این درخشش کافی نبود و مک کلور در پی خرید یک ستاره خارجی دیگر، جایگاهش را از دست داد و قرارداد‌ش تمدید نشد. او تهران را ادو بازی ترک کرد و به نیوزیلند رفت و سال‌ها در این کشور فوتبال بازی کرد. مک کلور در مجموع ۳۰ بازی ملی هم برای نیوزیلند انجام داد و در سال ۱۹۸۷ گلفن هایش را آویخت. در عکس، پوستر مجله جوانان از ویلیام جیمز مک کلور در اولین حضورش در تمرین تیم پرسپولیس را می‌بینید.

قاب مشاهیر ۲

در جریان سفر یک روزه ملکه رانیا به بم چه گذشت؟ در دی ماه سال ۸۲ زلزله مهیبی در شهرستان بم در اسـتان کرمان رخ داد که خسارات زیادی وارد کرد و از سراسر دنیا برای به کمک ایران آمدند. اولین بار بعد از انقلاب بود که فردی از خانواده سلطنتی انگلیس به ایران می‌آمد. در آن زمان همچنین ملکه رانیا اردن و نخست‌وزیر اسپانیا به ایران آمدند. شاهزاده چارلز (پادشاه فعلی بریتانیا) به دیدار رئیس جمهور وقت، محمد خاتمی رفت و سـپس به بم سفر کرد. او در ۱۹ بهمن به ایران آمد و تصمیم داشت در بازسازی بم به مسئولین کمک کند. به نقل از ایرنا، ۱۵ دی و ۱۳۸۲ خانم رانیا عبدالله همسر پادشاه اردن حدود سه روز چهارشنبه به همراه جمعی از مسـئولان سازمان های اجتماعی و امدادی این کشور وارد فرودگاه بم شد. خانم رانیا در فرودگاه بم از سوی معاون استاندار کرمان، فرماندار بم و رئیس دفتر همسر خاتمی رئیس‌جمهوری مورد استقبال قرار گرفت. ملکه رانیا در جریان سفر یک روزه خود به بم از بیمارسـتان صحرایی اردن، بنای ارگ تاریخی بم، اردوگاه سبز وزارت کشور و ستاد حوادث مسـتقر غیرمترقبه مسـتقر در بم دیدن می‌کند. ملکه رانیا در بدو ورود به بم در گفتگو با ایرنا با اظهار تاسف از وقوع زمین لرزه بم گفت: «این حادثه برای منطقه و کل دنیا سـیار سخت و تاسفبار بود. عمق این فاجعه تاسفبار همکاری‌های انسانی بدون در نظر گرفتن قومیت و زبان را طلب می‌کند و ما احسـاس می‌کنیم که این متکل برای همه پیش آمده و همه آسـان‌ها برای جبران آن باید تلاش کنند. خوشبختانه دنیا در جهت رفع خسارات و کمک به زلزله‌زدگان همکاری‌هایی نشان داده و اطمینان داریم که با ادامه این همکاری‌ها در آینده نزدیک شهر بم دوباره آباد خواهد شد.» هواپیمای ملکه رانیا حامل شـشمین محموله کمک‌های کشوراردن به وزن ۲۰ تن شامل دارو، پتو و لوازم گرمایشی برای کمک به زدگان بم بود که در فرودگاه این شهر تخلیه شد.

قاب نوستالژی

در حاشیه یکی از راهپیمایی‌های ضد رژیم پهلوی - سال ۱۳۵۷. عکس: شهرام حاج‌محمدی.

قاب مشاهیر ۸

به یاد یوران فرخزاد در هشتمین سالروز درگذشت او در نهم دی ماه ۱۳۹۵: یوران در ۱۴ بهمن ۱۳۱۰ در تهران محله امیریه انتهای بن‌بست خانه آزاد به دنیا آمد. او فرزند توران وزیری تبار زاده تهران و سرهنگ محمدباقر فرخزاد ستوان جوان و تحصیل کرده ثمردوستی از دهکده بازرگان نفرش بود. دیگر اعضای خانواده او خواهر کوچک‌ترش، فروغ فرخزاد و برادرش، فریدون فرخزاد هسـتند. یوران کودکی خود را در نوشهر و شهرهایی دیگر گذراند و در تهران بزرگ شد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ پدرش از نوشهر به تهران منتقل شد و یوران در دبسـتان ژاله و سروش درس خواند و در این دوره استعداد ادبی او آشکار شد. همچنین از ۹ سالگی زبان انگلیسی را با آموزگار در خانه آموخت و در انجمن فرهنگی پروین و انجمن ایران و آمریکا ادامه داد. او فروردین ۱۳۹۵ در ۸۳ سالگی در گفتگویی با نشریه کتاب هفته خبر، درباره کودکی خود گفته: خیلی بچه بودم؛ شاید کلاس سوم ابتدایی، آشنا می‌نوشتم. آن زمان آشناها همه به نوعی تشریفاتی و البته فرمایشی بود. یعنی معلم‌ها یکسری سوالاتی می‌کردند و یکسری جواب‌های بچگانه‌ای می‌گرفتند. ولی من همیشه از گله بیرون می‌زدم. زیر بار این سوالات نمی‌رفتم و چیزهای دیگری را می‌گفتم و می‌نوشتم. یک روز انشایی نوشته بودم که الان موضوعش را به خاطر ندارم اما هرچه بود، با آن سن کم، خیلی فضل فروشانه نوشته بودمش و با کلی چیزهای نوآورده بودم. آموزگارمان که دختر جوانی بود، کمی به من نگاه کرد، خیلی هم مرا دوست داشت. همیشه مرا نوازش می‌داد. گفت به من راست می‌گویی؟ گفتم بله. گفت اینها را چه کسی می‌نویسد؟ مامانت؟ گفتم نه. گفت بابات؟ گفتم نه. خودم به من هم برخورده بود که چرا چنین سوالی می‌پرسد اما او گفت که آخر اینها از سن و سال تو بیشتر و بزرگ‌تر است. گفتم نه، خودم می‌نویسم. گفت قسم می‌خوری؟ گفتم بله، قسم خوردم. گفت خب، من به تو یک مژده می‌دهم، اگر همینطور که هستی، دختر خوبی بمانی و زندگی‌ات را درست ادامه دهی و کار کنی و تجربه کنی، می‌توانی یک روز یک نویسنده بزرگ شوی. او درباره خانواده خود هم می‌گوید: ما هفت خواهر بودیم؛ ۳- ۴ نفرمان میان راه نابود شده بودند و دوالغ چهار فرزند از خانواده ما به شهرت رسیدند. اما من فکر می‌کنم همه‌مان به نوعی نبوغ داشتند. البته الان دیگر فقط یکی‌مان هست و بقیه نیسـتند. (لبخند تلخی می‌زند). می‌خواهم بگویم که به جز یکی‌مان (به خودش اشاره می‌کند) بقیه همه اهل ذوق بودند. علتش مامان بود یا بابا نمی‌دانم، ولی بیشتر پدرم تاثیرگذار بود، چون خیلی زنی بود. شعر می‌گفت و اهل خواندن بود. کتابخانه وسیعی داشت و ما در آن کتابخانه بزرگ شدیم. بنابراین همه بچه‌ها استعداد داشتند، ولی استعداد همیشه بدل با تجربه و با پیگیری، ادامه پیدا کند و گرنه فایده ندارد و حرام می‌شود. بچه‌های دیگر حرام شدند... یوران فرخزاد پس از تحمل ۱۴ روز کما، سرانجام صبح روز پنجشنبه ۹ دی ۱۳۹۵ در سن ۸۳ سالگی بر اثر بست قلبی درگذشت.

مرتضی کلیلی

پاسخ‌های شماره قبل

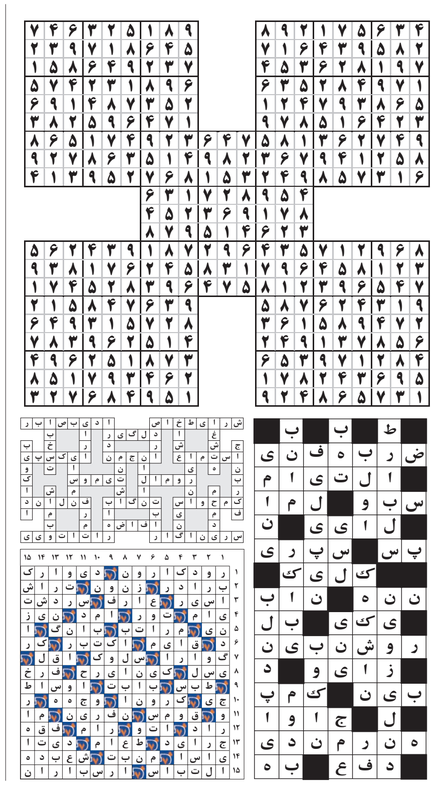

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

نقشه بازی

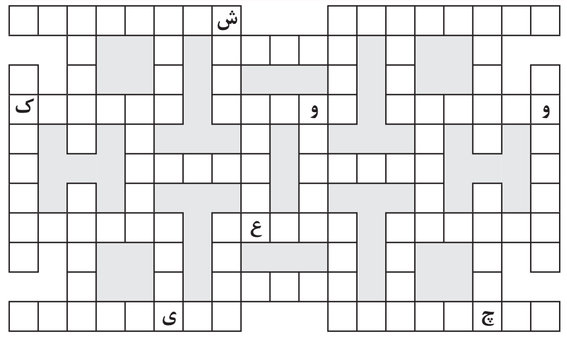

توضیح

کلماتـی که بر اسـاس تعـداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شـما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴حرفی: امضب، آجری، راهی، رعیت، سازش، شاعر، معزی، مونس

۵حرفی: اجماع، اولین، بودار، پیگرد، تئوریک، پیلتن، رمه یار، رداپت، موریتس، وانگری، وجنات، یک سوم

۶حرفی: تئوریک، رمه یار، موریتس، وانگری، آکسفورد، روزنامه

۷حرفی: پیچ گوشتی، سلیمانیه، شیرین پلو

۸حرفی: موریا، والتا، انور پاشا

جدول کلمات متقاطع

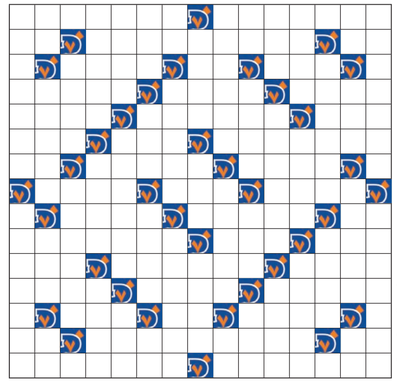

افقی

۱-معادل فارسی کاتالوگ- سپاسگزار
۲- نوعی پیشوند فعل مضارع- از غذاها- نفس سیگاری
۳-کامیون ارتشـی- از فلـزات- کفایت دهنده
۴- از حبوب آشـی- پند دهنده- از درجات نظامی
۵-بوی نامطبوع- نوعی هواپیمای جنگی- از توابع اصفهان
۶- یک دفعگی- نوعی آچـار- بهبودی از بیماری
۷-وقت و هنگام- نور ماه- واحد سطح
۸-روز ازل- از کلمات شرط- از ورزش‌های راکتی
۹-گفتگوی اینترنتی- پرنده‌ای با پرهای زیبا- تولیدی از صنایع نظامی
۱۰-زدنی به بستنی- رنج و سختی- شهری در استان کرمانشاه
۱۱- آب نیمه‌گرم- فصل سـرما - جزیره ایتالیایی
۱۲- از پوشاک زمستان- جریان داشتن و روان بودن- قسمتی از گل
۱۳- سرپرسـت یک شـرکت- شخص و نفر- سیم متصل به زمین
۱۴-گندم- رسمی قبل از نوروز- آب بند
۱۵- کمپاب- ایالتی در مکزیک

عمودی

۱-کسی که در تیر اندازی با کمان مهارت دارد- از غذاهای پرطرفدار ایرانی
۲-حرف ندا- سـرد مطبـوع- رهبر قوم هون- گاه شاعرانه
۳-سدی در استان فارس- نوعی تفنگ
۴- ارزو- میانه- پیران
۵-امر به نرفتن- معادل فارسی پروژکتور- غلاف شمشیر
۶- روحانی زرتشـتی- بخشـی از قطار- کشوری در بریتانیا- آداب و رسوم
۷- سـماوی- دسـتورات- ضربه سر در فوتبال
۸- گشادگی- حشـره مزاحم تابسـتانی- ورودی خط تلفن
۹-یار سـوزن- جمع ظاهر- نوعی شناور آبی
۱۰- مادر وطن- مردم یک کشـور- موج زننده- ضمیر سوم شخص مفرد
۱۱- لاشخور- درمانده- بیماری آبله
۱۲- عاشـق- حیوبات- وی مدتی پس از مرگ استالین، به اتهام خیانت به شوروی و سوءاستفاده از قدرت اعدام شد.
۱۳- هجوم و حمله- بدون معطلی
۱۴- بالای فرنگی- زنده‌هـا و جانداران- دوسـتی- پسوند شباهت
۱۵- مامور هدایت‌کشـتی- تأدیب

جدول سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

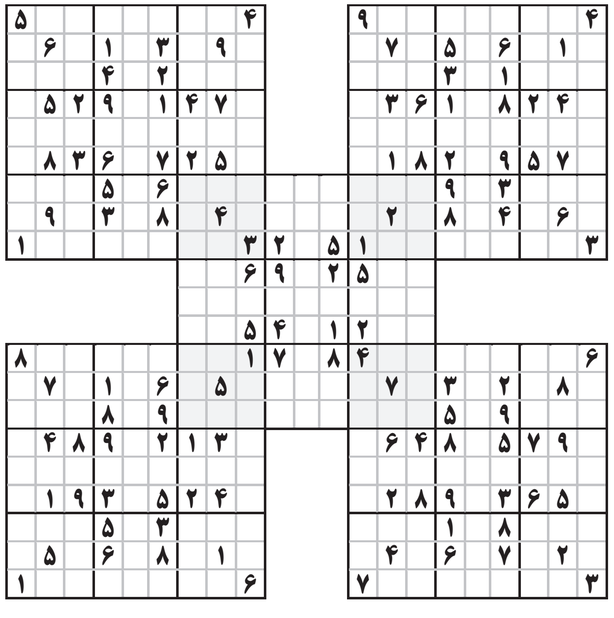

جدول شرح در متن

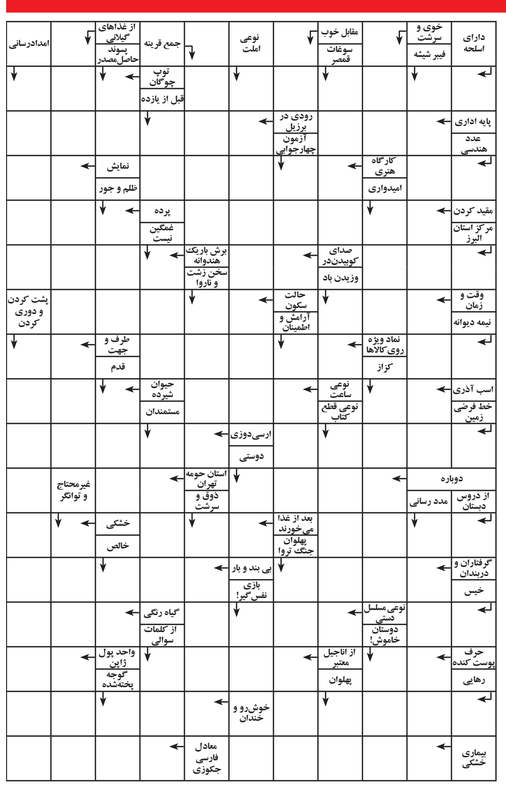

سوژه هفته
زنان طناز

پنجشنبه | ۱۳ دی ۱۴۰۳ | شماره ۳۹۵۶

ابراهیم افشار

نفرین‌نامه مرشد بلقیس

۱ اولین زن نقال ایران، «مرشد بلقیس» بود. زشت‌ترین زن جهان اما معرکه‌گیری بداهه‌ساز که ضدخاطراتش در حافظه تاریخی مردمان عصر قجری طهران نشست کرد و ماند. پیرزن کوری که توی سالن انتظار واگن دودی طهران به شاه‌عبدالعظیم می‌نشست و دختربچه‌ای با چشم‌های بادامی اصل هم دائم بغلش بود که بعدها خواننده معروفی شد. من به قربانت بروم «گل‌اندام» خانم که بعدها به سوسن کوری معروف شدی.

۲ آه ای بلقیس بلقیس‌ها. ای شاهنامه‌خوان ازلی من. اینک استخوان‌هایت پوسیده است اما خانم گلاب آدینه می‌خواهد نمایش تو را روی سن ببرد. همان «مرشد ماده» را که نفرینش هرگز دامن هیچ نَری را نگرفت. من به عصر او نزیسته بودم اما پیران قدیمی می‌گفتند که آن روزها هر کس که از کنار «گار ماشین» می‌گذشت بلقیس آنقدر دعا به جانش می‌کرد که یک قرانی را بالاخره کف دستش بیاندازد. هر وقت هم مردمی پولی کف دستش نمی‌گذاشتند او انتقامش را سر همان دختربچه توی بغلش خالی می‌کرد که «خدا لعنت کند کسی را که تو را توی شکم من انداخت». یکبار عباس سیاه برایم تعریف کرد که «داشتم توی واگن دودی می‌رفتم شاه‌عبدالعظیم زیارت، حالا چی شد چی نشد که یادم رفت دَمش را ببینم و یک پول سیاه، کف دستش بگذارم. همان جا به صورت بداهه نفرینم کرد که خطاب به همه مردمان خسیس می‌گفت «تنگت بگیره آقا، خلا نبینی آقا!» اما اگر یکدانه یک قرانی توی کاسه‌اش انداخته بودم حکما می‌گفت «بلا نبینی آقا». او برای سرگرمی زوّاری که در عهد ناصرالدین شاه و برای زیارت به شاه عبدالعظیم می‌رفتند معرکه شاهنامه خوانی راه می‌انداخت و تلکه می‌گرفت. برخلاف صورتش که زشت و آبله‌رو بود صدای بسیار گرمی داشت و آن ترانه خراباتی‌اش که با مطلع «هزاران سیم و زر دادم، نشد مرا یکی نوکر» شروع می‌شد عجیب خاطرخواه داشت. یا آن دوبیتی معروفش که مو بر تن زنان زائر راست می‌کرد «خداوندا خداوندا خداوندا/از آن روزی که مرا آفریدی/به غیر معصیت چیزی ندیدی/ خداوندا به حق هشت و چهارت/ ز ما بگذر، شتر دیدی ندیدی.» بلقیس و دخترش گل‌اندام، شب‌ها را در یکی از اتاق‌های کاروانسرای بازار شهرری سحر می‌کردند و بعد از آنکه مرشد به مرض وبا از دنیا رفت سوسن تنهای تنها ماند و نزد زن همسایه که عمه صدایش می‌کرد بزرگ شد و توسط همو که ته‌صدایی هم داشت پایش به کافه‌های لاله‌زار بازشد و به مرور صدای نازک اما ویران‌کننده‌اش آرام آرام سوکسه پیدا کرد.

۳ ضدقهرمانان ماشین دودی تهران به شاه‌عبدالعظیم البته فقط بلقیس و دخترک گل‌اندامش سوسن نبودند. ماشین دودی یک مرشد نر هم کنار بلقیس داشت که نامش مرشد مرحب بود و کلی خاطرخواه داشت وقتی اشعار کوچه‌بازاری را از ته گلو می‌خواند. معرکه‌گیری بلقیس کور در «گار ماشین» اما طرفداران بسیاری داشت. زنی که لباس‌های بلند مردانه می‌پوشید و موهایش را زیر کلاه یا روسری جمع می‌کرد. او در حین نقالی چنان به هیجان می‌آمد که چوبدستی‌اش را عینهو گرز بالا و پایین می‌برد. همه این نفرین خوانی، تا زمانی محبوبیت داشت که سوت قطار به صدا درنیامده بود. ناگهان با ارتعاش آن سوت عجیب، مردم برای سوار شدن از روی کله همدیگر بالا می‌رفتند و آنجا زوزه بلقیس را می‌شنیدی که در حین له و لورده شدنش زیر دست و پای مردم، شعرهای بداهه فحاشانه بالای ۱۸ سال به آنها حواله کرده و بین صغیر و کبیرش هم فرقی نمی‌گذاشت.

۴ خاطرات گشایش اولین خط‌آهن تهران به شهرری (در سال ۱۲۶۱) با نام ماشین دودی، عین نقل و نبات در خاطر نسل‌های قدیمی مانده بود و من هر وقت سراغ قهرمانان نسل اول ورزش تهران می‌رفتم بالاخره گریزی هم به آن می‌زدند. از مستر بواتال فرانسوی که امتیاز آن را از ناصرالدین شاه گرفته و با کمک مهندسین بلژیکی راهش انداخته بود. آنگاه که مردم دسته دسته برای تماشای آن اژدهای فلزی معروف به «غول آتشخوار» می‌رفتند و مرشد بلقیس صدایش را می‌انداخت گلویش و از قهرمانان شاهنامه می‌گفت تا سر مسافرین را گرم کرده و چیزکی از آنها بسلفد و روزگار خود و سوسنش را بگذراند. ابتدا کار برای مستر بواتال بسیار سخت بود. از یک سو مردم از غول آهنی می‌ترسیدند و از دیگر سو قاطرچیان و خرکچیان و مکاری‌ها هم که چهارپایان خود را به مردم کرایه می‌دادند در اعتراض به اینکه راه‌اندازی واگن دودی، کار و کسب آنها را منقضی و کساد خواهد کرد تهدید به اعتصاب می‌کردند که ما علیه دولت در سفارتخانه فخیمه انگلیس تحصن خواهیم کرد تا این حرکت کفرآمیز و این پدیده شوم در کشور ما رخت بربندد. چنین شد که مستر فرانسوی به دامن ناصرالدین شاه آویخت که بازارمان بسیار کساد است و شاه تصمیم گرفت که در معیت سرداران و سپهسالارانش سوار بر ماشین دودی و برای زیارت به شاه‌عبدالعظیم بروند و آن روز ملتزمین شاه از ترس سانحه، کفن پوشیدند و سراسر راه را ورد و دعا خواندند که سالم به شهرری برسند و از آن پس بود که دیگر ترس مردم ریخت و واگن دودی غلغله شد. سپس کمپانی بلژیکی برای جلب نظر مساعد علما یک واگن سلطنتی هم برای آنها تعبیه دید و قاطرچی‌ها حساب دست‌شان آمد که قافیه را به ماشین آتشخوار باخته‌اند. اما هنوز فرهنگ حمل و نقل در مردم جا نیفتاده بود و هر روز مردمی را می‌دیدی که برای نخریدن بلیت و سوار شدن قاچاقی، از جان‌شان می‌گذشتند. سردسته آنها مردی طناز به نام «ممدلی یه دست» بود که در محوطه واگن دودی جیب‌بری می‌کرد و روی واگن‌ها با تسلط تمام می‌دوید. مسئولین گارماشین برای فراری دادن مردانی که رایگان روی پشت بام قطار سوار می‌شدند نفت می‌ریختند تا آنها اواسط راه لیز بخورند و کله‌معلق شوند اما باز مردمان بسیاری بودند که نفت‌ها را پاک می‌کردند و به قاچاقی سوار شدن خود فخر می‌فروختند. کاری که مخصوصا در روزهای تعطیل و شلوغ کلی تلفات می‌گرفت. شخصیت افسانه‌ای برای مردمان آن روزهای تهران که با تماشای دیوانه‌بازی ممدلی یه دست تفریح می‌کردند مرشد بلقیس بود که معمولا در اتاق انتظار «گار ماشین» معرکه‌گیری و نقالی و مداحی می‌کرد و گاهی برای تلکه کردن مردم به انواع شیرین‌زبانی دست می‌زد. کیف جماعت زوار در این بود که به هر حیله‌ای او را دست بیاندازند و مرشد ماده برای ترساندن بچه‌ها که وسط هنرنمایی او جیغ و ویغ راه نیاندازند با چوبدستی خود و فریادهای ترسناکی که از ته سینه می‌کشید از هیچ نعره و نفرینی فروگذار نبود. اولین زن شاهنامه‌خوان ایران ماندگارترین شخصیت ماشین دودی بود. زنی که شهرتش از معروفیت شیروانی قرمز ساختمان گارماشین و آن اقاقیا و درخت عرعری که کنار پله‌هایش روییده بود فراتر رفت. زنی که صدایش در «اتاق انتظار» اساطیری واگن دودی که لبریز از هوای دم‌کرده و تعفن ناشی از بوی عرق پای مردمان و کودکانی که به دیوارهایش ادرار کرده بودند و جوان‌هایی که شعارهای مستجهن بر دیوارهایش نوشته و زن‌های مسافر را نیشگون می‌گرفتند بود گل انداخت و بعدها کسی نگفت که آن دخترک یتیمی که در آغوشت گرفتی و دائم نفرینش کردی که پاقدمش خوب نیست تبدیل به خواننده خاطره‌ساز تهران قدیم شد. اما بخت و طالع او از مادر نیز سیه‌تر بود.

احد بابایی منیر

آه استاد، غبار شدم!

۱ یادش به‌خیر! حیرت‌زده چشم می‌دوختم به «جام‌جهان‌نما» تلویزیون‌بلر بود آن سال‌ها و «خانه قمرخانم!» آن روزها، ۷ ساله بودم ...فیلم‌ها و سریال‌ها سیاه‌وسفید بودند و روزگارم، رنگی!
«قمرخانم» صاحبخانه‌ای پول‌دوست و طمّاع و زورگو بود، خانه‌ای بزرگ داشت با اتاق‌های بسیار و هراتاقی را به خانواده‌ای اجاره داده بود و در هر قسمت‌سریال داستان‌ها داشت با مستاجرها، قهرها و آشتی‌ها! قمرخانم خوب بلد بود لحظه‌ای لبخند روی لبانت بنشاند و لحظه بعد، چشم‌هایت را تر کند! اصلا«جولی‌اندروز» باید می‌آمد و «اشک‌ها و لبخندها» را از او یاد می‌گرفت! بزرگ‌تر که شدم، فیلم‌ها کم‌کم رنگی می‌شدند و روز و روزگارم، سیاه‌وسفید! بعدترها، نام اصلی «قمرخانم»
را یاد گرفتم: «پروین‌ملکوتی!»
به‌یادماندنی‌ترین بازی بانو ملکوتی در ساخته فراموش‌نشدنی «ناصرتقوایی» بود: سریال دایی‌جان‌ناپلئون! این‌بار بر صفحه تلویزیون به «عزیزالسلطنه» جان بخشید.
الان روز، روز دیگری است و روزگار، روزگار دیگری، اگر یک‌وقت «رضاموتوری» سراغ «قمرخانم» را گرفت، بگویید قمرخانم خانه‌اش را عوض کرده آدرس خانه جدیدش را بنویسید و بدهید دست «رضا»، از هر کجای تهران تا «قطعه هنرمندان ردیف ۷۷ شماره۵۷» با موتور نباید فاصله چندانی باشد، نه نیست!
رضاموتوری* سه‌سوته می‌رسد به «خانه جدید قمرخانم!»...

۲ «فروغ» تنها شعر نمی‌گفت حتی «فیلم» و «سینما» هم تنها دل‌مشغولی‌اش نبود!
«طنّازی» هم پیشه می‌کرد و عشوه‌گری با «کلمه» را، خوب بلد بود: «پروفسورهشترودی» نقل کرده است شبی در یک مهمانی کت‌ام را درآورده و روی مبلی گذاشته بودم، فروغ هم در آن مهمانی بود و ندانسته روی کت ام نشست.
زمانی که متوجه شد رو کرد به من و گفت:
آه استاد! غبار شدم و روی کت شما نشستم!
گفتم: کاش اشک بودید و در چشمم می‌نشستید!
- پروفسورهشترودی هم تنها با اعداد سروکلّه نمی‌زد، انگار کلنجار رفتن با کلمه را نیز خوب می‌دانست!
و آنگاه، فروغ پاسخ داده بود: کاش لبخند می‌شدم و بر لبان شما می‌نشستم!
آن شب هنوز مانده بود تا فروغ غبار شود و بر خاطره‌ها بنشیند، نیز لبخندی اندوهگین روی لبان شعر معاصر!

۳ دختر مظفرالدین‌شاه، خواهر محمدعلی‌شاه و عمه احمدشاه و عروس چهارده‌ساله صدراعظم‌وقت «میرزاعلی‌خان‌امین‌الدوله» خشونت و ابرو درهم کشیدن را با شوخ‌وشنگی و سرزندگی و حاضرجوابی باهم داشت و گذاشته بود گوشه جیب‌اش!
پدر همسرش که از صدراعظمی مستعفی گردانیده شد! از بیم جان خود به قزوین گریخت. عروس‌اش «فخرالدوله‌خانم» شبانه خود را به قزوین رسانید تا صدراعظم از اسب‌افتاده را به سمت رشت فراری بدهد.
مظفرالدین‌شاه که باخبر شد «معتمدالحرم‌خواجه‌باشی» را با اختیار کامل به قزوین فرستاد برای بازگرداندن دخترش.
خواجه‌باشی گفته بود: اگر اطاعت نکنید و مراجعت نفرمایید، مامورم شما را به زور برگردانم!
فخرالدوله با پاسخی که به «امین شاه» داده بود، شد «فخرالدوله!»

۴ برگرد به تهران وگرنه، با کتک برمی‌گردانمت! فرستاده نگونبخت، مادرمرده خواجه‌باشی! «پس‌گردنی» را که خورده بود، دست‌خالی، عازم تهران شده بود. بی‌خود نبود که بعدها رضاشاه آن جمله معروف‌اش را گفته بود: «ایل قاجار یک مرد دارد: فخرالدوله‌خانم و یک نصف مرد دارد: آغا محمدخان!»
سال‌ها بعد، پسرش که وزیر دارایی شده بود روزی برای دریافت مقرری ماهانه‌اش، به خانه مادر رفته بود. فخرالدوله هر سه ماه یکبار، به فرزندانش مقرری پرداخت می‌کرد به شرط امضا کردن صورتحساب مقرری از سوی دریافت‌کننده! دکتر امینی آن روز دیده بود که ۶۰۰۰ تومان از حقوق سه‌ماهه‌اش کسر شده است: چون علت تقلیل را پرسیدم، گفت: یکی از مامورین مالیّه ۶۰۰۰ تومان از مستاجرم، رشوه گرفته است. من، آن پول را به مستاجر دادم و گفتم از حقوق تو که وزیرمالیّه هستی کسر کنم تا بهتر بفهمی مردم از دست ماموران جناب‌وزیر چه می‌کشند!
جای فخرالدوله خانم خالی، برای پاک کردن اخم از چهره‌ها!
حالا اگر می‌توانی، جلوی شلیک خنده‌هایت را بگیر!
*رضاموتوری:اشاره به بازی پروین‌ملکوتی در این فیلم

مهدی افخمی

قهرباش و عاقبت دخترهای خندان لپ سرخو

مادرم دختر بزرگ خاله بزرگ، بلقیس بود. برای همین بیشتر از اینکه با خواهرهایش بازی کند، هم‌نشین خاله‌های جوانش بود. زهرا و فاطمه و حتی زرین. اصلا ارتباط ما بچه‌ها بیشتر با خاله‌های مامان بود. یک سه ماه تابستان در هنرستان به خانه خاله زرین می‌رفتیم تا مامان خیاطی یاد بگیرد. خاله زرین با موهای مجعد و وز وزی‌اش با روی گشاده و گرم از ما سه تا بچه پذیرایی می‌کرد. گاهی خیاطی می‌کرد. گاهی پشت دار قالی بود. من محو آن پانسیون وسط خانه بودم که تویش پر از گلدان بود. خاله زهرا که سر برق می‌نشست و از شیطانی‌های مادرم می‌گفت که عاشق یک بزغاله شده بود و بعد بزغاله را گم کرده بود و خاله‌ها تصمیم گرفته بودند که بگویند بزغاله را گرگ برده است اما «قهرباش» سگ خانه پدربزرگ بزغاله را پیدا کرده و به خانه آورده بود یا از شب عروسی مامان که چه خاطره‌هایی داشتند که بچه‌های خاله را توی منبع آب یک نیسان جا کرده بودند و به عروسی برده بودند. این‌ها را همین عید برایم تعریف کردند و من فهمیدم مادرم آن زن نمازخوان، حرم‌رو و دعاگو و محافظه کار نبوده است. یک دختر شر و شیطان و بازیگوش بوده است که ازدواج و حاملگی سه بچه پشت سر هم و دوری از شهر و دیارش چه بلایی سرش آورده است. خاله فاطی خیلی جوان بود که بر اثر خطای پزشکی در بیمارستان قائم مشهد مرد. لپ‌های سرخ داشت شبیه یک سیب سرخ! هر وقت می‌دیدمش یاد مهرانه مهین‌ترابی می‌افتادم. خاله فاطی هم وقتی حرف می‌زد و می‌خندید سفیدی صورت و سرخی لپ‌هایش طوری با هم قاطی می‌شد که صورتش را دیدنی می‌کرد. وقتی دایی مهدی شهید شده بود او وسط دره تنها توی آن خانه باغ جاغرق ترسیده بود و خاله‌های کوچک مرا مریم و منصوره را برای تنهایی‌اش پیش خودش برده بود. زن‌هایی که با آمدن شوهر و بچه به ناگاه همه احساسات و جوانی‌شان را کنار گذاشته بودند و بیشتر از مرد خانه، یک خانواده چند نفره را رتق و فتق می‌کردند اما هنوز دخترکان کوچه باغ‌های بالا بودند که گیلاس‌ها را پشت گوششان می‌گذاشتند و شب‌ها از دست مارهایی که لای کنده‌های سقف جابجا می‌شده است خوابشان نمی‌برده است. مادرم هنوز نمی‌داند باید به آن کار پدربزرگم که برایش بره‌ای خریده بود و آن را بزرگ کرده بود و بعد ناگهان عزیزدردانه‌اش غیب شده بود و شب وقتی آبگوشت داشتند مرد بزرگ با قهقهه گفته این گوشت حیوان خانگی‌اش است زده بود زیر گریه، بخندد یا افسوس بخورد. اصلا عذاب وجدان می‌گیرد که از مرده بدگویی بکند. مادرم همه این عذاب وجدان‌ها از رنج‌هایی که آدم‌های بزرگ بهش وارد کرده‌اند تنها توانسته است به ما بچه‌ها منتقل کند و حالا ما در زندگی از کمبود اعتماد و عزت نفس رنج می‌بریم و با حق خوری‌ها که از ما می‌شود کنار می‌آییم چرا که مادرمان اینطوری ما را بزرگ کرده‌اند که باید با همه چیز کنار بیاییم. واقعاً از پدربزرگ و مادربزرگ‌های قدیم چرا نباید بپرسیم چرا نگذاشتن خاله‌هایمان و مادرهایمان به لی لی تو کوچه و بازی‌هایشان ادامه بدهند و به اجبار آنها را به خانه شوهر فرستادند.

حمید رسمی

چراغ طنز را من روشن می‌کنم

۱ تا سال‌ها بعد که بازیگران زن بتوانند در حوزه طنز تشخصی در بازی به دست بیاورند، حضورشان در برنامه‌های طنز و سریال‌های کمدی نهایتاً حضوری تزیینی و صحنه پرکن بود و تمام بار کمیک موقعیت‌های نمایشی از آن مردان بود و حتی انقلابی که داریوش کاردان با برنامه طنز نوروز ۷۲ در تلویزیون به وجود آورد بیشتر انقلابی مردانه بود و حضور بازیگران زن کاملاً نامحسوس و بیشتر برای تکمیل طنزهای خانوادگی مردانه بود و فقط فریبا متخصص گاه با لباس‌ها و گریم‌های مخصوص که می‌خواست خبرنگاران خارجی را بازنمایی کند تشخصی به هم می‌زد که البته این تجربه، نخستین و آخرین حضورش در حوزه طنز به حساب می‌آمد و حتی بعدها که نعیمه نظام دوست، فاطمه هاشمی و طیبه ابراهیمی به برنامه‌های پرواز ۵۷ و ساعت خوش اضافه شدند باز هم تغییر چندانی در این رویه به وجود نیامد و شاید اگر با دیده اغماض به قضیه بنگریم حضور فانتزی لیلی رشیدی در «زی زی گولو» را بشود کمی به حوزه طنز مرتبط دانست و البته تکمیل تدریجی پرسونای مهین در سریال همسران با بازی مهرانه مهین‌ترابی که در بده بستان‌های نمایشی‌اش با فردوس کاویانی استعدادهای طنز خود را به نمایش می‌گذاشت که البته آن هم در سریال خانه سبز و نقش عاطفه به دلیل شغل وکالتش به تنظیمات کارخانه برگشت و جدی‌تر کارش را پیش برد. کاراکتر مهین با کل کل‌های تمام نشدنی‌اش با کمال و توطئه‌هایی که با مریم (زن همسایه) برای کم نیاوردن در رقابت با مردانشان می‌چیدند و نوع عصبانیت‌ها و دندان قروچه کردن‌ها و تهدید کردن‌های کمال نخستین گام‌های حضور طنازانه زنان در سریال‌های ایرانی بود.

۲ حتی برنامه پرطرفدار «ساعت خوش» هم نتوانست تغییرات زیادی در مورد کیفیت حضور زنان کمدین در آیتم‌های نمایشی به وجود آورد. باز هم این مهران مدیری، ارژنگ امیر فضلی، داوود اسدی، رضا شفیعی جم، سعید آقاخانی، رضا عطاران، حمید لولایی، نادر سلیمانی و یوسف صیادی بودند که محبوب دل مردم شده و بار اصلی برنامه را به دوش می‌کشیدند تا اینکه در برنامه «جنگ ۷۷» این لاله صبوری بود که توانست با گیر دادن‌های ریز و درشت به مهران مدیری تصویری طنز آمیز از رابطه خانوادگی پر چالششان به پیش چشم مخاطب عرضه کند و به دلیل تداوم در توفیق آن بخش رفته رفته تشخصی به هم زده و تکیه‌کلام‌هایش ورد زبان مردم شود.

۳ روزی که مرجانه گلچین در سریال بزنگاه (رضا عطاران) در نقش بهجت ظاهر شد کمتر کسی می‌توانست این حجم از تغییر در نوع بازی را هضم کند. او که سال‌ها با حضور در ملودرام‌های اشک‌انگیز و آبکی و فیلم‌های اکشن دهه ۷۰ در ذهن سینما روها مانده بود و کسی او را با نقش دخترهای نوجوان پر شر و شور در سریال آینه به خاطر نداشت. او با نقش بهجت با نوع خاصی از صحبت کردن و ری‌اکشن‌های غلو شده و بازی فیزیکی آشنایی زدایی کاملی از پرسونای تثبیت شده سالیان ارائه کرد که بعدها در سریال‌های دیگر هم آن را تکرار کرد که بهترین‌شان سریال شاهگوش (داوود میرباقری) بود. بده بستان‌های خاصش با بازیگران مقابل به خصوص سوسن پرور هنوز هم بعد از دو دهه دیدنی است تا یکی از کامل‌ترین کمدین‌های زن را قوام بخشد. کسی که با تغییرات ناگهانی واکنش به طرف مقابل از غم و اندوه و شادی و تعجب هم از فیزیک خود استفاده می‌برد و هم از احساسش و حتی از النگوهای طلایی که به دست انداخته به خوبی برای خنده‌دار کردن موقعیت سود می‌جست.

۴ مریم امیر جلالی هرچند از قبل از خانه به دوش حضور تصویری گذرایی در برخی از سریال‌ها و برنامه‌ها داشت ولی با خانه به دوش (رضا عطاران) به صورت کامل کشف شد و با آن داد زدن‌ها و نفرین کردن‌ها و جدال کلامی با آقا ماشاالله (حمید لولایی) تبدیل به نمونه‌ای کامل و مثال زدنی از مادران سنتی قدیمی شد که در یک لحظه هم می‌توانند مهربان باشند و هم عصبانی و ترسناک و فرقی هم نمی‌کرد در مواجهه با فرزندان خود باشند یا شوهری که از شدت فقر همواره هشت‌اش گرو نه‌اش است. این شمایل مادرانی بود که حتی اگر بچه ۵ ساله خود را در شهری شلوغ گم می‌کردند و بعد از دو ساعت جستجوی جانفرسا، بعد از پیدا کردنش اول یک فصل مفصل کتکش می‌زدند و بعد قربان صدقه‌اش می‌رفتند. آنها همواره در مرزی باریک در حال عبور بودند و هم می‌خواستند حکمرانی‌شان بر قلمرو خانه را حفظ کنند و اقتدار خود را از دست ندهند و هم اینکه مهر مادری و لطافت زنانه را زیر پا نگذارند. تقابل‌های تمام نشدنی امیر جلالی با پسر و دخترانش در تک تک سکانس‌های «خانه به دوش» دیدنی است. چیزی که در «متهم گریخت» هم تکرار شد و او گاه غمخوار بدبختی‌های شوهرش هاشم (سیروس گرجستانی) بود و لحظه‌ای دیگر عاصی از بی‌خیالی‌هایش که بیشتر به خاطر سیل مشکلاتی بود که مهاجرت به تهران برایش به وجود آورده بود. همچنان که در ترش و شیرین هم این تقابل را شاهدیم و هر چقدر او نیازمند سایه سری در پیرانه سری‌ست همان قدر از اختلافات ریز و درشت فرزندان و خانواده و سر به هوایی‌های ناصر (رضا عطاران) داماد و آب زیرکاهی عروس شوهرش عصبانی!

۵ شقایق دهقان یک تیپ ساز درجه یک است. دو نقش سحر ناز در شب‌های برره و خانم شیرزاد در ساختمان پزشکان (سروش صحت) در حالی که جفتشان حلاوت‌های خاص خودشان را دارند، هیچ وجه اشتراکی جز بازیگرشان با خود ندارند. سحر ناز دختری با ویژگی‌های مردانه که دمار از روزگار شوهرش کیانوش در می‌آورد و همین که او را با شمشیر به دو قسمت مساوی تقسیم نمی‌کند باید از خدایش شاکر باشد و خانم شیرزاد یک منشی مطب با ذهنی آشفته و فراموش کار که هنوز هم که هنوز است تکیه کلام «واقعاً!!!!؟» را بر زبان مردم کوچه و بازار دارد. او که در نقش یک زن خیابانی در فیلم زیر نور ماه (رضا میرکریمی) نخستین تجربه تصویری‌اش را پشت سر گذاشت با سریال پاورچین به گروه طنز مهران مدیری راه یافت و در «شب‌های برره» یکی از ماندگارترین نقش‌های کمدی خود را ایفا کرد تا بعدها در باغ مظفر و مرد هزار چهره همکاری‌اش را با مهران مدیری ادامه دهد تا این سروش صحت باشد که پتانسیل‌های دیگری از هنر بازیگری دهقان را کشف کرده و در ساختمان پزشکان نقش ماندگار دیگری از او به ثبت برساند.
۶- و آناهیتا همتی در خانه به دوش بخصوص صحنه‌های هندوانه خوری‌اش و راه به راه دستشویی رفتن و مامان چی بپوشم گفتن‌هایش و بامشاد بامشاد گفتن سحر ولدبیگی در نقطه چین و ددی گفتن‌هایش و از سقف آویزان کردن بامشاد بیچاره! رویا میرعلمی و تلاش‌های خستگی ناپذیرش برای پیدا کردن شوهر در سریال شمعدونی که نهایتاً به پسری آسانسورچی ختم می‌شود. ویشکا آسایش در نقش مدیری خشک و مخالف جنس مرد در فیلم ورود آقایان ممنوع تا ناهید مسلمی و نمک و ملاحت نهفته‌اش در جوکر بانوان که همه را از میدان به در کرد و خودش با آرامش بافتنی‌اش را به اتمام رساند.

رضا فراهانی

خروج از دایره شرم

۱ اوایل که خانه‌ها تازه مجهز به تلویزیون رنگی و شبکه سه شده بود و بازار فیلم‌های طنز داشت داغ می‌شد فضا کاملا مردانه بود، یعنی کمتر می‌دیدیم که خانم طنازی وارد بازی شود و نقش آفرینی طنازانه داشته باشد،حتی وقتی مهران مدیری با جنگ ۷۷ پای لاله صبوری را به قاب تلویزیون باز کرد هنوز خبری از بازی طنازانه نبود و او کمتر تلاش برای خنداندن مخاطب داشت، اما کم کم فضا عوض شد، خانم‌ها در سریال‌ها نقش‌های پررنگ‌تری گرفتند، از آن موقعیت تکراری خانه داری و دانای کل و... خارج شدند و به سمت نقش‌آفرینی رفتند، اینکه کدامیک اولینش بود را به خاطر ندارم اما نقش‌های بسیاری در ذهن دارم که مربوط به اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد است. از سحر ذکریا و سحر ولدبیگی در پاورچین گرفته تا فلامک جنیدی و بهنوش بختیاری در شب‌های برره همه بازی‌های ماندگاری داشتند و بخش بزرگی از سهم خنداندن مردم را به دوش کشیدند. این وسط اما شاید ویژه‌ترین چهره شقایق دهقان باشد، کسی که شاید به واسطه نزدیکی‌اش به برادران قاسمخانی نقش‌ها برایش جوری نوشته می‌شد که دقیقا می‌توانست ادعا کننده آن کاراکتر باشد، بی‌نقص و دقیق بازی می‌کرد و هر سکانسش آموزش نقش آفرینی طنز برای سایر بازیگران بود. او البته از آنجا که هیچ وقت فیلم جدی بازی نکرد -یا لااقل من در خاطر ندارم که بازی کرده باشد- و همین باعث شد رد آن خنده‌ها تا همین امروز ادامه داشته باشد و هنوز هم دست به دست شدن سکانس‌هایش بتواند منبع پمپاژ شادی باشد.
همین شقایق دهقان در ساختمان پزشکان رکورد خودش را شکست و از خودش عبور کرد،خانم شیرزاد تلفیقی از کم هوشی و حاضرجوابی بود و شقایق دهقان آنقدر خوب این نقش را ایفا کرد که من فکر می‌کردم خودش باید خیلی به چنین شخصیتی نزدیک باشد -هرچند بعدها معلوم شد اصلا اینگونه نیست- خانم شیرزاد یک کاراکتر کم نظیر در کمدی ایران است که می‌شود هنوز از او کلی انشعابات گرفت و ریز نقش‌های دیگر تولید کرد، همه چیز در شخصیتش گل‌درشت و بزرگ است و خنگیِ دوست داشتنی دارد و البته گاهی حرف دربیار است، همه چیزهایی که از او ستاره بی‌بدیلی ساخت که سال‌ها بعد از اتمام ساختمان پزشکان هنوز خیلی‌ها آن سریال را با خانم شیرزاد می‌شناسند...

۲ آن وقت‌ها با دیدن طنازی خانم‌ها در قاب تلویزیون دچار شرم نیابتی می‌شدم و دلم نمی‌خواست وقتی در کنار پدرم نشستم چنین لحظاتی در تلویزیون پخش شود، عجیب است اما واقعا من چنین دورانی را گذراندم اما دیری نپایید که همه چیز تغییر کرد، جمع‌های خانوادگی ما در اواسط دهه هفتاد مدام به دو دسته مردانه و زنانه تقسیم می‌شد. کم کم شکل مدرن‌تری به خود گرفت، حالا دیگر خانواده معنای محکم‌تر، دقیق‌تر و سرراست‌تری داشت. البته کوچک شدن ابعاد خانه‌ها هم در این تغییر فرهنگی بی‌تاثیر نبود، حالا جمع‌های ما پر بود از خانم‌هایی که با حاضر جوابی‌های به موقع، تبدیل اتفاقات معمولی به مایه‌های یک حکایت طنز، تعریف کردن خاطره‌ها با آب و تاب و اغراق برای به تصویر کشیدن موقعیت‌های خنده‌دار، میدان‌دار جمع‌ها می‌شدند و الحق که چقدر خاطره‌هایشان بهتر و گیراتر از جوک‌های سرد و یخ شوهرعمه‌ها و... بود.
من دیگر نه تنها شرم نیابتی نداشتم که خیال می‌کردم بیشتر بابت آن جوک‌های مردانه یخ می‌کردم. من بارها میان همین خاطره‌ها استعدادهای استندآپ کمدی فراوانی را دیدم که در نبود امکانات تبخیر شدند و هوا رفتند.